۲۶

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و ششم – حرف ل

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و ششم - حرف ل/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ آ۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۲ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع،

تعریف،هدف، فایده، پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲-اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات

هرمنوتیک ومتودولوژی می توانـد تاثیرات خوبی درمباحث شـناخت قرآن داشـته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسـیرما از پیشـرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمـده آن این است که روی مقدمات تفسـیر کارهای اصـلی صورت نگرفته است . این مسـئله برای هرکس که باتفسـیرقرآن آشـنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتـاب نوشـته شـده است ولی می توان به جرات گفت مسـلمانان و بشـرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضـی آیات قرآن قرنها از نظر تفسـیری هیچ پیشـرفتی نداشـته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشـی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسـیرکرد در صورتی که زوایای آشـکار و پنهان کلمات خوب کالبـد شـکافی نشـده باشـد. برای آشـکارشدن این مدعی تفاسـیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشـرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسـفانه در زمان معاصـر که به این مسـئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضـی آن را با شـرح لغت اشـتباه گرفته انـد وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشـته اند و حال آنکه اصـلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین

زمینه مراکز قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به

مجله بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن

را درمنظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹–البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و

نقش آن درکـل قرآن فکرودل من را بخودش مشـغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانسـتم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جـدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشـف می شـد ولی همیشـه دوست داشـتم یـک راهی پیـدا کنم که آن را به صـورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کاروناداشـتن ابزار و امکانـات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شـد. و برای همین همیشـه درحیرتم که قلب مقدس اشـرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضـرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسـینه مبارکشـان داشـتند و آن را حمـل می کردننـد. آری ایـن کلمـات و آیـات الهی است که بی نهـایت بارقابـل اسـتناد و اسـتدلال و فیض جـاری است و هنرنمائی می کنـد.کاری که ازعهـده هیـچ مجموعه و دسـتگاه علمی برنمی آیـد. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدیـد این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمـایش و عموم گـذاشت . شـما نگاه کنیـد در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن

و صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوة) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست

و یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَيْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به

آنچه فرو فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات

وبینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه

هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشـمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشـمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلـم به دست گرفته و آرزوی عاشـقان قرآن رابرآورنـد و در ابعـاد سیاسـی ، اجتمـاعی ، اقتصـادی ، نظـامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسـفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سـیر و سلوك كار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سـیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سـازش است و حتی از جنـگ و جـدال با سـتمکاران بری است . و به سـر قرآن آن آورنـد که کلیسای جاهل و سیاسـتمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشـگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزیـد و قرآن کریم را ازشـرجاهلان متنسك و عالمان متهتك که از روی علم و عمد به قرآن و اسـلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بـادرفته خود در راه اشـتباه و جهـالت تـاسف دارم . و شـما ای فرزنـدان برومنـد اسـلام ! حوزه ها ودانشـگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار

مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهمانند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل

نطق ظـاهر که با الفاظ مسـموع انجام می یابـد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن اسـتعدادهای معرفتی او جز به کـار بردن لفـظ امکـان پـذیر نیست. پس زبـان اولاًـ توأم و همراه بـا انـدیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمـدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون اسـتعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایـدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقـط هنگـام رویـارویی بـا دیگران بکـار می رود. امـا آدمی مایـل است افکـار و انـدیشه ها و خواسـته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیسـتند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفـاظ بسـنده نکرده و یـک سلسـله علاـیم دیگر نیز وضع کرده که همـان خـط یـا علاـیم مکتوب یـا الفبـاست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) —

وجود لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می

کنـد و حقیقی ترین آن امـام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامـل قرآن درعـالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضـرت امام ولی عصـر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسـلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفـاهیم شناسـی قرآن فعـالیت و تحقیـق و مطـالعه می کنـد دربخش سـوم (وجـود ذهنی) جایگـاه می یابـد ووقـتی درعرصـه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضـیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبـا اسـتخراج کرده ایـم ؛ باشـد کـه انشـا ء الله در آینـده ایـن علـم(مفهـوم شناسـی قرآنی) توسـعه لازم را بنمایـد. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضـی ازاسـتاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهـای آن را درمقـدمه آن تفسیرشایسـته و مهم بخوانیـد. بایـد توجه داشت که بعضـی ازکلمـات مشـترک لفظی و بعضـی ازآنها مشترک معنوی می باشـند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسـی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسـی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسـی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی

و کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

لانه سازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لانه سازی بر روی خانه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتًا و من الشجر و ممّا یعرشون

لانه سازی بر روی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتًا و من الشجر و ممّا یعرشون

لانه سازی بر روی سایبانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۴

۴- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتًا و من الشجر و ممّا یعرشون

منشأ لانه سازی زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۸ - ۱،۲

۱- سکنی گزینی زنبور های عسل در کوه ها ، درختان ، بنا ها و سایبان ها با الهام الهی است .

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتًا و

من الشجر و ممّا يعرشون

۲- الهام خداوند به زنبور های عسل و هدایت آنها به ساختن خانه هایی مناسب برای خود ، به مقتضای ربوبیت اوست .

و أوحی ربّک إلی النحل . .. و ممّا یعرشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۷

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربّک ذللاً

لاوی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لاوی

اندوه لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۶

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم . .. قد أخذ علیکم موثقًا ... فلن أبرح الأرض

اهتمام لاوی به بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۷

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

اهتمام لاوی به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۸

یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۷

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

اهتمام لاوی به عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۷۸

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۸ فرزند ارشد یعقوب نسبت به دیگر برادرانش ، متعهدتر و به عهد و پیمان خویش پایبندتر بود .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله . .. فلن أبرح الأرض

برادران یوسف و پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع

) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

بینش لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۲

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود ; یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۷،۹،۱۱

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)،

سزاوار نیست بـدون همراه داشـتن بنیامین باز گردیم [اگر شـما تصـمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۹ فرزنـد بزرگ یعقوب بـا یادآور شـدن ظلم و سـتم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پـدر را بـدون همراه داشـتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا . .. من قبل ما فرّطتم فی یوسف

<مـا> در <ما فرّطتم> مصـدریه است و عبارت <من قبل ما فرّطتم . ..> عطف بر <أنّ أباکم ...> می باشـد ; یعنی: <ألم تعلمـوا تفریطکم فی یوسـف من قبـل>. تفریـط به معنـای کوتـاهی کردن و رهـا کردن چیزی تـا نـابود شـدن آن است (لسـان العرب).

۱۱ لاوی بازگشت از مصـر بـدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویـا مقصود لاـوی از <حتی یـأذن لی أبی> این معنـا باشـد که پـدرش یعقوب اطمینـان کنـد که مـا در نگه داری از بنیامین کوتـاهی نکردیم و مصـداق سـخنی که خود گفته بود (إلاّـ أن یحـاط بکـم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیـدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشـی کنـد و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهـد. و مراد از <یحکم الله> شایـد این باشـد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۳،۵،۸

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه ،

سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع) ، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است .

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

۸ < عن أبی جعفر (ع) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم>.

تصمیم لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۵

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح>

(مصـدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصـله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شـهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

تعالیم لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱،۲

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کبیرهم . .. ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

توصیه های لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۲

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۴

۴ لاوی به برادرانش سـفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصـر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا . .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا فیها

<اقبـال> (مصـدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> وماننـد آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامـده و <فیها> حال برای ضـمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسـئل ... العیر التی ...> ; یعنی، از کاروانی بپرس که ما در

میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز

مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

حکمت در فراق لاوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

خواسته های لاوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۱ – ۳،۴،۵،۷

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلاّ بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا ...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوییم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. ما شهدنا إلاّ بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را

با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما کنا . ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنک سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ; یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

سرزنشهای لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف (ع) را رفتاری نکوهیده خواند .

قال کبیرهم . .. و من قبل ما فرّطتم فی یوسف

عقیده لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ لاوی به خداوند و برتری او در حکم و قضاوت معتقد بود .

قال . .. أو یحکم الله لی و هو خیر الحکمین

فلسفه پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۸

یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

قبول پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

لاوی در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۵

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح> (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

لاوی و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۷

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما کنا . ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنك سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ; یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

لاوی و اذن یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱،۱۴

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از <حتی یأذن لی أبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که

ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلّا أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

۱۴ < عن أبی الحسن الهادی (ع) : . . . قال [لاوی] : < لن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی . . . > . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است: . .. (لاوی) گفت: هرگز از این سرزمین دور نمی شوم تا اینکه پدرم به من اجازه دهد ...<...<.

لاوی و بازگشت به کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۹،۱۱

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا . .. من قبل ما فرّطتم فی یوسف

<ما> در <ما فرّطتم> مصدریه است و عبارت <من قبل ما فرّطتم . ..> عطف بر <أنّ أباکم ...> می باشد ; یعنی: <ألم تعلموا تفریطکم فی یوسف من قبل>. تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد

.

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از <حتی یأذن لی أبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلاّ أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

لاوی و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۲،۳،۴،۵،۷

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلاّ بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا ...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوییم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند

.

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا . .. ما شهدنا إلّا بما علمنا

تصريح لاوی به صيغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گويای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنيامين را با لحنی مشفقانه ، به پدر بيان كنند .

يأبانا

تصريح لاوی به اينكه در ابتدای سخن پدر را با جمله <يأبانا> مخاطب قرار دهيد ، رساننده اين است كه به گونه ای سخن بگوييد كه شفقت او را بر خويش جلب كنيد.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بيان كنند كه بنيامين در نهان و به دور از چشم آنان دزدی كرد .

و ما كنا للغيب حفظين

در معنای جمله <و ما كنا . ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمينان برادران يوسف به دزدی بنيامين كه جمله <إن ابنك سرق> گويای آن است، اين معنا به نظر روشن تر می رسد كه: ما نمی توانستيم آنچه را در غياب و به دور از چشم انجام می گيرد، نگهبان باشيم ; يعنی، دزدی بنيامين در نهان انجام گرفت. از اين رو نتوانستيم او را باز داريم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگويی خويش در سرقت بنيامين تأكيد كنند .

و إنا لصدقون

لاوی و تبعيد يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۲

۲ لاوی برخلاف ديگر برادرانش ، با توطئه عليه يوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان يعقوب (ع) موافق نبود .

لاتقتلوا

يوسف و ألقوه فى غيبت الجب . .. إن كنتم فعلين

جمله شرطى <إن كنتم فاعلين> (اگر بر توطئه عليه يوسف(ع) مصمم هستيد) مى رساند كه لاوى با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذكر است كه جواب جمله شرطى (إن كنتم...) معنايى است كه از <ألقوه...> استفاده مى شود ; يعنى، <إن كنتم فاعلين فألقوه فى غيبت الجب>.

لاوى و دزدى بنيامين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ٨١ - ١

١ لاوى ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به كنعان ، نحوه گزارش سرقت بنيامين را به آنان تعليم داد .

قال كبيرهم . .. ارجعوا إلى أبيكم فقولوا يأبانا إن ابنك سرق

لاوى و ظلم برادران يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ٨٠ - ٩

٩ فرزند بزرگ يعقوب با يادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به يوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنيامين ناروا شمرد .

ألم تعلموا . .. من قبل ما فرّطتم فى يوسف

<ما> در <ما فرّطتم> مصدريه است و عبارت <من قبل ما فرّطتم . ..> عطف بر <أنّ أباكم ...> مى باشد ; يعنى: <ألم تعلموا تفريطكم فى يوسف من قبل>. تفريط به معناى كوتاهى كردن و رها كردن چيزى تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

لاوى و قتل يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ١٠ - ١،۴

١ يكى از برادران يوسف (لاوى) در جلسه توطئه ، ساير برادران را از كشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا يوسف

مفرد

بودن کلمه <قائـل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشـتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشـنهاد لاـوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سـر راه کاروانها بیفکنیـد، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصـریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السـیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

لاوی و مقدرات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بـدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویـا مقصود لاـوی از <حتی یـأذن لی أبی> این معنـا باشـد که پـدرش یعقوب اطمینـان کنـد که مـا در نگه داری از بنیامین کوتـاهی نکردیم و مصـداق سـخنی که خود گفته بود (إلاّـ أن یحـاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیـدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشـی کنـد و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهـد. و مراد از <یحکم الله> شایـد این باشـد که تقدیر الهی سبب شود

من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

لاوی و نجات بنیامین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۰ – ۶

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم . .. قد أخذ علیکم موثقًا ... فلن أبرح الأرض

لاوی و نجات یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰ – ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

لاوی و یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰ – ۳

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه

چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

یعقوب(ع) در فراق لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

یعقوب(ع) و بازگشت لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

یعقوب(ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسى الله أن يأتينى بهم جميعًا

مراد از ضمير جمع در <بهم> يوسف(ع) ، بنيامين و لاوى است.

يعقوب(ع) و

ملاقات با لاوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

لباس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لباس

اهمیت لباس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۹

۹– اهمیت مسکن ، سایه ، پناهگاه های کوهستانی و پوشش های مقاوم و متنوع در زندگی انسان

و الله جعل لکم من بیوتکم سکنًا . .. ظللاً ... أکننًا ... سرابیل تقیکم الحرّ ...

پاکیزگی لباس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴ – ۱

۱ – پاکیزگی لباس و نظافت شخصی ، از نخستین توصیه های خداوند به پیامبر (ص)

و ثیابک فطهّر

پوشیدن لباس زرد در قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۹ – ۱۷

۱۷ – < عن الصادق (ع) (فی قوله تعالی) < و تأتون فی نادیکم المنکر > یعنی الخذف بالحصی و التصفیق بالحمام . . . و مناقره الدیوک . . . و الجنق فی المجالس و لبس المعصفرات . . . ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای تعالی <و تأتون فی نادیکم المنکر> روایت شده که فرمود : مقصود از <منکر> پرتاب سنگ ریزه در مجالس و کف زدن برای پرواز دادن کبوتر . .. و به جنگ وادار کردن خروس ها ... و ضرطه در مجالس و

پوشیدن لباس های معصفر (لباس هایی که با عصفر، به رنگ زرد درآمده) است.>

تاریخ لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۴

۴- زمان ذوالقرنین ، در دورترین نقطه شرق سرزمین او ، از صنعت لباس و ساختمان ، خبری نبوده است .

بلغ مطلع الشمس . .. لم نجعل لهم من دونها سترًا

تشبیه به لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الّیل لباسًا

جمله <و هو الذی جعل لکم اللیل لباساً> برای حصر است و از نوع حصر إفرادی است; یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد; نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۱

۱ - تاریکی شب بسان لباسی پوشیده بر موجودات با مستور ساختن آنها از دید انسان ، مانع تلاش و فعالیت بیش از حد او است .

و جعلنا الّیل لباسًا

تقابل این آیه و آیه بعد که روز را زمان تلاش برای زندگی دانسته است بیانگر برداشت یاد شده است.

تنوع لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۳ – ۳

۳– لباس های بهشتیان ، دارای تنوع

سندس و إستبرق

جنس لباس بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۳ – ۷

۷ – پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۳ – ۱

۱– دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۲

۲ – جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

رنگ لباس بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۴

۴– پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۲

۲ – جامه های سبز رنگ از حریر نازك و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

زیبایی لباس بهشتیان

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۷

۷- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دیبا بر تن دارند .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق متّکئین فیها علی الأرائک

زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

ضخامت لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و إستبرق

ظرافت لباس بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

علاقه به لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۸

۸ - علاقه و تمایل طبیعی همه انسان ها ، به زیور آلات و پوشیدن لباس های ابریشمین

یحلّون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤًا و لباسهم فیها حریر

کیفیت لباس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۵،۶،۷

۵ - < عن رجل من أهل الیمامه . . . قال : قال لی أبوالحسن : إنّ اللّه تعالی قال لنبیّه < و ثیابک فطهّر > و کانت ثِیابُه طاهرةً و إنّما أَمَرَه بالتَّشْمیر ;

از مردی از اهل یمامه روایت شده .. که گفت: امام کاظم(ع) به من فرمود: خدای تعالی به پیغمبر خود فرموده است: <و ثیابک فطهّر>، در حالی که جامه های وی پاک بوده است. همانا او را به بالا زدن جامه ها امر کرده است>.

۶ - < قال أبوعبداللّه (ع) . . . و اللّه تعالی یقول : < و ثیابک فطهّر > قال : و ثیابک ارفعها و لاتجرّها . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: . .. خدای تعالی می فرماید: <و ثیابک فطهّر> [یعنی]می فرماید: جامه های خود را بالا بزن و بر روی زمین مکشان...>.

۷ - < قیل معناه و ثیابک فقصّر . . . و روی ذلک عن أبی

عبداللّه (ع) ;

گفته شده که معنای آن (و ثیابک فطهّر) این است که جامه های خود را کوتاه کن و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

لباس آتشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۶۸

۶ - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالذین کفروا قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

۸ جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

لباس اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إنّ الأبرار . .. و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

<جنّه> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۱

۱ – ابرار در بهشت ، برخوردار از بالاپوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

<سندس>، در لغت به معنای پارچه ابریشمی

نـازك و <اسـتبرق> به معنـاى پارچه ضـخيم است. برخى نيز آن را معرب و برگرفته از كلمه فارسـى <اسـتبر> يا <سـتبر> دانسته اند (تاج العروس). از تعبير <عاليهم> (بالاى ايشان) مى توان استفاده كرد كه مقصود، لباس رويى و بالاپوش است.

لباس بودن همسر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳

۳ - زن و شوهر ، لباس عفاف يكديگرند و هر كدام مايه پرهيز ديگرى از گناهان جنسى است .

هن لباس لكم و أنتم لباس لهن

لباس بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۲

۲- انسان در بهشت ، داراى جامه و پوشش

يلبسون من سندس و إستبرق

لباس تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ شيطان در صدد برملا ساختن زشتيهاى آدميان و كندن لباس تقواى ايشان است.

ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوءتهما

هشـدار بـه فريبكـارى شـيطان و مطرح كردن برهنه سـازى آدم و حـوا پس از بيـان ارزش برتر لبـاس تقـوا، بيدارباشـى است به آدميان كه شيطان در تلاش است تا جامه تقوا را از اندام و قلب و روح آنان به درآورد.

لباس جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۶۸

۶ - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالذین کفروا قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند

برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

۸ جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قطّعت لهم ثیاب من نار

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

لباس حریر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۳ – ۱

۱– دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۱

۱ – بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إنّ الأبرار . .. و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

<جنّه> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۱،۲

۱ – ابرار در بهشت ، برخوردار از بالاپوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

<سندس>، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازک و <استبرق> به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته از کلمه فارسی <استبر> یا <ستبر> دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر <عالیهم> (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالاپوش است.

۲ - جامه های سبز

رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۷

۷ - پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۶

۶ - لباس بهشتیان از حریر است .

و لباسهم فیها حریر

لباس در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۰ - ۴

۴- زمان ذوالقرنین ، در دورترین نقطه شرق سرزمین او ، از صنعت لباس و ساختمان ، خبری نبوده است .

بلغ مطلع الشمس . .. لم نجعل لهم من دونها سترًا

لباس رسمی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت،

قیـد <کمال ظرافت و لطافت> آمـده است. و نیز بـدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهنـد، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

لباس مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۹

۹ - استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیور آلات ، مجاز و روا است .

و من کلٍّ تأکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها

لباس متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

لباس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱ - ۱

۱ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگامی که آن حضرت جامه ای به خود پیچیده بود .

یأیّها المزّمّل

<تزمُّل> (مصدر <مزّمّل>) به معنای پیچیدن جامه و پارچه ای بر خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۱

۱ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگامی که آن حضرت رِدا بر خود

پیچیده بود .

یأیّها المدّثّر

<دثار>، به معنای لباس رویین و آنچه روی لباس زیرین به تن می کنند (مانند ردا و. ..) است.

لباس مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۷،۳۰،۳۱

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاك برای آنان و یا آزاد کردن یك برده کفاره شکستن سوگند

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۳۰ لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۱ بالا-پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

منابع تأمین

لباس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۱۶

۱۶– نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین . .. و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قیـد <إلی حین> مربوط به محـدودیت بهره مندی از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی <سرابیل> که ذکر عام بعد از خاص است چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

نعمت لباس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۷

۷– دستیابی انسان ، به لباسی مناسب برای محافظت خویش از حرارت و شداید جنگ ، نعمتی الهی است .

و جعل لکم سربیل تقیکم الحرّ و سربیل تقیکم بأسکم

نیاز به لباس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۱۶

۱۶– نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین . .. و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قیـد <إلی حین> مربوط به محـدودیت بهره مندی از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی <سرابیل> که ذکر عام بعد

از خاص است چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

ویژگیهای لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴،۵

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۲،۹

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

۹ - < روی عن الصادق (ع) أنّه قال : فی معناه تعلوهم الثیاب فیلبسونها . . . < و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً > یطهرهم عن كلّ شیء سوی اللّه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره معنای <عالیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق> فرمود: لباس به طرف آنان بالا می رود

و آن را می پوشند. .. و درباره <و سقاهم ربّهم شراباً طهوراً> فرمود: [آن نوشیدنی پاک کننده] آنان را از هر چه غیر خدا است، پاک می کند...>.

لجاجت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لجاجت

آثار اجتناب از لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین (کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در <لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ کسانی که در طلب ایمان بوده و از لجاجت و عناد به دورند، از آیات طبیعت به شناخت خدا و یگانگی او راهی می یابند.

إن فی ذلکم لأیت لقوم یؤمنون

آثار ترک لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد ، شرط بهرهوری انسان از هدایت وحی

و لو جعلنه . .. و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم عمیً

از صدر آیه که درباره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به

استمرار عدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

آثار لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۹

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذين لايعلمون لولا . .. تأتينا ءايه ... قد بيّنّا الأيت لقوم يوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۸

۱۸ لجاجت و ناباوری ، عامل بسته شدن قلب انسان ، بر شناخت معارف الهی و تأثیرپذیری از هدایتهاست .

قلوبنا غلف بل طبع اللّه عليها بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ روحیه جدال و لجاجت، مانع از درک و پذیرش حق است.

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

- ۶ - ۱۱۰ - ۲،۷

۲ قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم ءایه . .. لایؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

<فؤاد> به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ لجاجت ، از موانع شناخت حق و ایمان آوردن است .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۳،۶

۳- لجاجت و هدایت ناپذیری ، عامل عدم تسلیم و مقاومت در برابر تعالیم آسمانی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

۶- لجاجت و تعصب ، عامل انکار حقایق عینی و محسوس

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۶

۶- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلّا نفورًا

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشد. با توجه به این نکته، تنفر مشرکان از

آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۳

۳ - عناد و لجاجت ، از موانع ایمان و رهیابی به حق

إلاّ کانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... و ما کان أکثرهم مؤمنین

از ارتباط این بخش از آیات می توان نتیجه گرفت که عزم کافران بر حق ناپذیری، علت برخورد سطحی آنان با آیات الهی و در نتیجه ره نیافتن آنان به حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۵

۵ - روحیه لجاج و عناد ، مانع بهرهوری از هدایت و رحمت قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قرآن برای هدایت کافران و سایر اهل کتاب است و بی تردید هدایتگری های آن در بسیاری از آنان تأثیر دارد. با توجه به این نکته گفتنی است که مراد از <مؤمنین> کسانی انـد که در صدد شـناخت حق بوده و در مقابل آن تسـلیم اند و در یک کلمه روح حق پذیری در آنان نمرده است و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاج و عناد قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن می ستیزند. آیات بعد مؤید همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۵

۵ - مصمم بودن بر حق ناپذیری ، مانع از شناخت حق با همه روشنی آن

إنّک علی الحقّ المبین . .. و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرین

قید <إذا ولّوا مدبرین>

بیانگر روحیه عناد و حق ستیزی است; یعنی، آن جا که عناد ریشه بدواند، سخن حق بی تأثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - روحیه لجاج و حق ناپذیری ، مانع بهرهوری انسان از آیات الهی

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> نشانگر آن است که کسانی که مصمم بر عدم پذیرش حق اند، از آیات روشن و غیرقابل انکار و گسترده الهی در نظام آفرینش، کمترین بهره را نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۹

۹ - روحیه خیره سری و عناد ، مانع بهرهوری از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

با توجه به این که قرآن، آمده است تا با روشنگری هایش گمراهان را هدایت کند و بی تردید این روشنگری ها در بسیاری از آنان اثر کرده است; مراد از عبارت <لقوم یؤمنون> همه کسانی است که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم می شوند و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاجت و دشمنی قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن به ستیز می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳،۷

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

۷ - عناد و

حق گریزی موجب محرومیّت انسان از هدایت الهی است .

فإنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۹

۹ - کفر مخالفان پیامبر (ص) در مکه ، براساس لجاجت و عناد بوده است ، نه منطق و برهان

و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً ... فهم مقمحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و بینایی

فهم لایؤمنون . .. فأغشینهم فهم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۳

۳ - کسانی که دارای روح لجاجت و حق ناپذیری باشند ، انذار ها و اخطار های پیامبران ، در آنان کارساز نخواهد بود .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲

- روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ - لجاجت و عناد ، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی *

فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

چنانچه جمله <و کانوا بآیاتنا یجحدون> به منزله تعلیل برای استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خرّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۳

۳ - کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن يروا. .. يقولوا سحاب

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷

- ۲۱ - ۴،۵

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

۵ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

آثار لجاجت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفرپیشه تاریخ را که از سر لجاجت و عمد بر کفر و تکذیب خود پافشردند با عذاب استیصال نابود کرد .

فقد کذّب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبیّنت . .. ثمّ أخذت الذین کفروا

<تنکیر> به معنای انکار (تغییر) است (لسان العرب) و مقصود از آن در آیه شریفه، تغییر نعمت به نقمت و حیات به مرگ می باشد; که مجازات کفرپیشگی است.

آثار لجاجت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۴

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشداری به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع

در پی دارد.

آثار لجاجت با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۸

۸ - لجاجت کنندگان در برابر پذیرش آیات الهی ، در معرض از دست دادن قوای درک معارف الهی اند .

و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون . کذلک یطبع اللّه علی ق

آثار لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أرءیتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

آثار لجاجت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- سرسختی و لجاجت در برابر دعوت قرآن ، موجب گرفتاری به عقوبت و عذاب الهی

و تنذر به قومًا لدًّا

آثار لجاجت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۹

۹ - بنی اسرائیل ، بر اثر پافشاری بر آزاررسانی به موسی (ع) ، از راه راست منحرف شدند .

لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

<زیغ> به معنای میل و انحراف است.

آثار لجاجت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل

کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

آثار لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إنّی أخاف علیکم عذاب . .. فکذّبوه فأهلکنهم

آثار لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۲

۲ - کافران لجوج انذار شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگریستن در سرنوشت کافرانِ لجوجِ انذار شده از سوی پیامبران، گویای این حقیقت است که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۳

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم یقولون تقوّله بل لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لايوقنون

عبارت <بل لا-يوقنون> بيانگر اين نكته است كه موضع گيرى ناباورانه كافران درباره قرآن و پيامبر(ص) برخاسته از يقين علمى آنان نيست; بلكه صرفاً از روى ستيزه جويى و لجبازى مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۴

۴ - اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک . .. بل الذین کفروا فی تکذیب

آثار لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۳

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی أکثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لایؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله <لقد حقّ القول علی أکثرهم> می باشد; یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

آثار لجاجت مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

- فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۳

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إن كاد ليضلّنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا عليها

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

آثار لجاجت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۳

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول على أكثرهم فهم لايؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لايؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله <لقد حقّ القول على أكثرهم> می باشد; یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

آثار لجاجت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - باقی ماندن منافقان ، بر مواضع منافقانه خود تا لحظه مرگ ، مایه بدبختی و شقاوت آنان در آخرت

بلى و لكنّكم فتنتم أنفسكم . .. حتّى جاء أمر اللّه

مقصود از <أمراللّه> مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۷

۷ - پافشاری و استمرار بخشی منافقان بر اعمال زشت و ناپسند ، عامل گرفتاری آنان به عذاب سخت اخروی

إنّهم ساء ما كانوا يعملون

<إنّهم ساء. ..> براى

بیان علت محکومیت منافقان به عذاب سخت اخروی است.

افشای لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمانِ مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

زمینه لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳ - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتّقوا الذی أمدّکم . .. أمدّکم بأنعم و بنین ... قالوا سواء علینا أَوَعظت أم ل

شدت لجاجت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۸

۸ عناد و لجاجت آدمی در برابر حق تا مرز رضایت به نابودی خویش و گرفتار شدن به عذاب های الهی

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره . .. أو ائتنا بعذاب أليم

شگفتی لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۴

۴ - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسن ما أكفره

عوامل لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . .. و لو أننا نزّلنا ... ما کانوا لیؤمنوا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ - خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فأمّا عاد فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

عوامل لجاجت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ ترس موهوم و خرافی قوم ابراهیم از معبودهای پنداری خویش، از عوامل پافشاری آنان بر شرک خویش بود.

و لا أخاف ما تشرکون به

کیفر لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

لجاجت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۷

۷ فرعون و اطرافیان او ، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع) ، آن را انکار کردند .

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا

لجاجت اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۸ - ۵

۵ -

باغداران یمنی ، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حقِ مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند .

قال أوسطهم ألم أقل لکم لولا تسبّحون

لجاجت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳- اقوام کافر پس از ملاحظه دلایل روشن انبیا ، آنها را استهزا کردند و کفر خویش را صریحاً به آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت فردّوا أیدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به

مرجع ضمیر در <أیدیهم فی أفواههم> اقوام یاد شده در آیه است و این عبارت، معنای کنایی دارد و مراد از آن، این است که اقوام کافر با دست گذاشتن بر دهان خود و یا با سوت زدن، به استهزای انبیای خود پرداختند.

۱۴- اقوام کافر در برخورد با دلایل روشن انبیا ، بشدت ناراحت و غضبناك می شدند و به صراحت موضع کفرآلود خود را اعلام می کردند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت فردّوا أیدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به

مراد از <ردّوا أیدیهم فی أفواههم> کنایه از غضب و خشم آنهاست که در آیات دیگر نیز آمده است (غضوا علیکم الأنامل من الغیظ).

۱۶- اقوام کافر ، نه تنها در جواب دعوت انبیا سکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادند بلکه به صراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت فردّوا أیدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج ۱۳، ص ۱۹۴)، از ابوعبیده و اخفش، عبارت <فردّوا أیدیهم فی أفواههم> ضرب المثل برای کسی است که جواب مثبت به درخواست نمی

دهد و سکوت اختیار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۳

۳ - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال ، مردمی لجوج و حق ناپذیر در برابر تعالیم پیامبران

فلمّا رأوا بأسنا قالوا ءامنّا باللّه وحده و کفرنا بما کنّا به مشرکین

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که اقوام یادشده تا لحظه مشاهده آثار آمدن عذاب، به استهزای آن می پرداختند و تنها به محض دیدن آن، تسلیم شده، ایمان می آوردند.

لجاجت اکثریت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۴

۴ - مخالفت بیشتر مردم از امت های پیشین با رسولان الهی و نپیمودن راه هدایت ، ناشی از روح لجاجت و حق ناپذیر خودشان بود .

ضلّ قبلهم أکثر الأوّلین . و لقد أرسلنا فیهم منذرین

پیمودن راه گمراهی با وجود پیامبران اخطارکننده، گویای حقیقت یاد شده است.

لجاجت اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

لجاجت اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

لجاجت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۵

۵ - بروز اختلاف در میان امت های پیشین ، با وجود دستیابی آنان به کتاب آسمانی و برهان ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری برخی کافران از مرام خویش ; حتی با پی بردن به تضاد آن با برهان

لم یکن . .. منفکّین ... حتّی تأتیهم البیّنه ... و ما تفرّق... إلّا من بعد ما جاء

لجاجت اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

فکذّبوهما فعزّزنا بثالث

فرستاده شدن دو پیامبر در یک زمان در میان مردم انطاکیه و تکذیب آن دو از سوی آنان و نیز فرستاده شدن پیامبر سوم برای تقویت دو فرستاده پیشین، بیانگر لجاجت و سرسختی چنین مردمی در برابر حق است.

لجاجت اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۷ - ۱

۱ کسانی که از سوی خداوند محکوم به عذاب استیصال شوند ، اگر تمام معجزات و نشانه های الهی

بر آنان عرضه شود ، هرگز تسلیم نشده و ایمان نخواهند آورد .

إن الذين حقت عليهم كلمت ربك لايؤمنون. و لو جاءتهم كل ءايه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۱

۱- امت های محکوم به عذاب ، علی رغم بهره مندی آنان از معجزات الهی ، ایمان نیاوردند .

ماءامنت قبلهم من قريه أهلكنها

لجاجت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل ءايه ما تبعوا قبلتك

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۳

۳ عناد ، لجاجت و بهانه جویی ، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد (ص) و موسی (ع)

فقد سألوا موسى أكبر من ذلك . .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

لحن مذمت آمیز آیه در بیان خواستهای اهل کتاب، می رساند که آنان نه به خاطر حق جویی بلکه از سر بهانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر(ص)، در عین آگاهی کامل

از حقانیت آن حضرت

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . .. فهم لا یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۱ – ۶

۶ – اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند ، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

در برداشت یاد شده، <منفکّین> به معنای <منفکّین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیهم البیّنه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البیّنه> مرادف است و عبارت <حتّی اتیان البیّنه> را می توان به معنای <حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <حتّی باتیان البیّنه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکّین فی وقت من الأوقات حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <لم یکن ... منفکّین بأیّ طریق حتّی باتیان البیّنه>.

لجاجت اهل مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۳ – ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۴ – ۱

۱ خداوند ، در پی اصرار مردم مدین بر شرکورزی و نپذیرفتن تعالیم شعیب (ع) ، آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت .

و لما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم شعیب است. اضافه آن به ضمیر <نا> حکایت از بزرگی آن عذاب دارد.

لجاجت با حق

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۱ – ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجّک . .. فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

لجاجت برده داران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۱ – ۶

۶- برده داران ، خود را با برده ها برابر نمی دانند و هرگز از برده داری دست برنمی دارند .

فما الذین فضّلوا برادّی رزقهم علی ما ملکت أیمنهم فهم فیه سواء

لجاجت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۳ – ۵

۵ – بنی اسرائیل برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن ، لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

رفعنا فوقکم الطور خذوا ما ءاتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارعاب از بنی اسرائیل خواست تا تورات را بپذیرند و بر آن پیمان بسپارند، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۲

۲ – پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است; زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . .. مضمون جمله بعد دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

و رفعنا فوقکم الطور خذوا ما ءاتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارعاب (قرار دادن کوه بر سر بنی اسرائیل) از قوم موسی خواست تا تورات را بپذیرند و برای عمل کردن به آن پیمان بسپارند. برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر <ان کنتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیرمؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إنّا لن ندخلها . .. قال رجلان من الذین یخافون انعم اللّه علیهما ادخلوا

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۵ – ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بین القوم الفسقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۶ – ۱۵

۱۵ لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

إنّا لن ندخلها . .. فلاتأس علی القوم الفسقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۱ – ۵

۵ لجاجت و سرسختی بنی اسرائیل در پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم . .. خذوا ما ءاتینکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۸

۸ – بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. أضلّهم السامریّ ... ألم یعدکم ربّکم

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است; به نظر می رسد آنان از بینش و ایمان سستی برخوردار بودند که این

چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱،۲

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فاتّبعونی و أطیعوا أمری . .. قالوا لن نبرح علیه عکفین

<لن نبرح>؛ یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتّی یرجع إلینا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۵،۸

۵ - بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار قرار می دادند .

لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول اللّه إلیکم

۸ - بنی اسرائیل ، به رغم اندرز های موسی (ع) ، از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند .

یقوم لم تؤذوننی . .. فلمّا زاغوا

جمله <فلمّا زاغوا> بیانگر آن است که بنی اسرائیل، به جای پذیرش نصیحت های موسی(ع)، بر اذیت های خویش نسبت به آن حضرت پای فشردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۱۳

۱۳ - بنی اسرائیل ، به رغم در دست داشتن بشارت عیسی (ع) ، در برابر رسول اکرم (ص) موضع گیری کرده و رسالت

آن حضرت را نپذيرفتند .

و مبشّرًا برسول يأتى من بعدى اسمه . .. فلمّا جاءهم بالبيّنت قالوا هذا سحر مبين

لجاجت جهنميان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – ملك – ۶۷ – ۱۰ – ۴

۴ – كافران دوزخى ، مردمى لجوج و حق گريزاند .

و قالوا لو كنّا نسمع أو نعقل ما كنّا فى أصحب السعير

لجاجت حق ناپذيران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۲۶

۲۶ ضرورت اكتفا كردن به ابلاغ و پرهيز از بحث و مجادله با كسانى كه روحيه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذيرند.

قل الله ثم ذرهم فى خوضهم يلعبون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۴ – ۲

۲– روشن ترين دلايل الهى ، در قلب حق ناپذيران لجوج تأثير نمى كند .

لسان الذى يلحدون إليه أعجمىّ و هذا لسان عربىّ مبين . إن الذين لايؤمنون ... لايه

در آيه قبل خداوند با روشن ترين بيان حقانيت قرآن را مبرهن ساخت. در اين آيه نيز مى فرمايد: آن دليل با همه روشنى براى آنان كه تصميم به ايمان آوردن ندارند، بى ثمر است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۲ – ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۱۹ - ۵

۵ - برخی از مردم ، چنان هدایت ناپذیر و حق گریزاند که حتی سخنان پیامبران نیز در آنان کارساز نیست .

أفأنت تنقذ من فی النار

تردیدی نیست بر کسانی عذاب الهی قطعی خواهد شد که هیچ امیدی به هدایت آنان نباشد. بنابراین می توان استفاده کرد که هدایت این گروه امکان پذیر نخواهد بود، حتی اگر هادی شخصیتی چون رسول اللّه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <کفّار> و <عنید> مشعر به علیت است; یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

لجاجت دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۸

۸ محاجّه و لجاجت خصم در برابر حق ، شرط دعوت آنان به مباهله

فمن حاجّک . .. فقل تعالوا ... ثم نبتهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أم أبرموا أمرًا فإنّا مبرمون

لجاجت دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۶

۶- بشارت به پرهیزگاران

و انذار دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقین و تنذر به قومًا لدًّا

<لدّ> جمع <ألدّ> است و <قوماً لدّاً>; یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

لجاجت دشمنان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۲ – ۵

۵ دلداری خداوند به پیامبر(ص) و رفع نگرانی او نسبت به لجاجت مخالفان

و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا

از اهـداف این یادآوری تاریخی به پیامبر(ص) می تواند رفع ناراحتی و دلگیری آن حضـرت از خصومت و مخالفتهای کافران باشد.

لجاجت رهبران شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸ – ۸

۸ – سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برنـد و زیر بار رسالت پیامبراسـلام(ص) نمی روند که تنها با چشـیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۵ – ۲

۲ – سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلّا صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این

که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

لجاجت رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸ – ۸

۸ – سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۵ – ۲

۲ – سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلّا صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

لجاجت علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۹،۱۰

۹ – پیشوایان و عالمان یهود

در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم . .. أفلا تعقلون

۱۰ – لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

لجاجت فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۵ – ۷

۷ فرعون و اطرافیان او ، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع) ، آن را انکار کردند .

ثم بعثنا من بعدهم موسى و هرون إلى فرعون و ملإيه بأيتنا فاستكبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۸ – ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لكما بؤمنين

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۲ – ۳

۳– مخالفت فرعون با دعوت موسی (ع) ، از روی لجاجت و با آگاهی کامل از حقانیت او بود .

فقال له فرعون إنى لأظنّك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلاّ ربّ ا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۳،۴

۳ - فرعون ، علی رغم مشاهده تمامی معجزات و آیات موسی (ع) ، از پذیرفتن رسالت او امتناع کرد .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

۴ - فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۵

۵ - تکبر فرعون و ابای وی از تصور رسالت موسی (ع) به سوی خود

قال إنّ رسولکم الذی أُرسل إلیکم لمجنون

تعبیر <رسولکم> به جای <رسولنا> می تواند از آن جهت باشد که او در یک گفتار استهزاآمیز نیز حاضر نبود رسالت موسی را متوجه خود بداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۶

۶ - اصرار و پافشاری فرعون بر سحر شمردن معجزه موسی

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - فرعون ، سخن مؤمن آل فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أتقتلون رجلًا . .. فمن ينصرنا من بأس اللّه إن جاءنا قال فرعون ما أريكم إلاّ ما أ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١٨ – ذاريات – ٥١ – ٣٩ –

۱ - روی گردانی فرعون با تمام وجود ، از پذیرش رسالت موسی (ع)

أرسلنه إلی فرعون . .. فتولّی برکنه

<رکن> در این جا می تواند به معنای ارکان وجود و کنایه از اعراض کامل و همه جانبه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۱

۱ - فرعون ، به تکذیب گفته های موسی (ع) اکتفا نکرده سرسختانه به مخالفت با او پرداخت .

ثمّ أدبر یسعی

حرف <ثمّ> در این آیه، برای تراخی رتبی است; یعنی، ادبار فرعون، نارواتر از تکذیب او بود.

لجاجت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۶

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا علیهم . .. فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ فرعونیان پس از مشاهده آیات پنجگانه (طوفان و . . .) و اصرارشان بر انکار رسالت موسی ، به عذابی شدیدتر مبتلا شدند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

<رجز> به معنای عذاب است و <ال> در آن هم می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به عذابهای پنجگانه مطرح شده در آیه قبل باشد، و هم می تواند <ال> در آن عهد ذهنی باشد. در این صورت اشاره به عذابی غیر از عذابهای ذکر شده دارد که به

دلیل روی آوری آنها به موسی و تقاضای برطرف شدن آن، عذابی بسیار شدیدتر از عذابهای پنجگانه

بوده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۲

۲ - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم

<جَحْد> (مصدر <جحدوا>) به معنای نفی و انکار کردن است. <استیقان> (مصدر <إستیقنت>) معادل <إیقان> و جمله <استیقنتها أنفسهم> حال برای ضمیر فاعل در <جحدوا> است; یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۴

۴ - لجاجت و عناد شدید فرعونیان ، در مخالفت با پیام موسی (ع)

و ما نریهم من ءایه إلاّ هی أکبر من أُختها

از این که خداوند برای هدایت فرعونیان، معجزاتی پیاپی و یکی از دیگری مهم تر نشان داد، لجاجت آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۹

۹ - اصرار و لجاجت فرعونیان ، در نپذیرفتن ربوبیت مطلقه الهی ، حتی پس از گرفتار آمدن به عذاب

ادع لنا ربّک

فرعونیـان به جـای <ربّنا> <ربّک> گفته انـد; با این که موسـی(ع) خداونـد را <ربّ العالمین> معرفی کرد. از این مطلب اعتراف نکردن به ربوبیت مطلقه و

در نتیجه لجاجت آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۲

۲ - فرعونیان و قوم ثمود ، قدرت مندترین و سرسخت ترین مخالفان پیامبران ، در امت های پیشین بودند .

فرعون و ثمود

در قرآن، خبر از هلاکت بسیاری از امت های گذشته مطرح شده است; بنابراین یاد کردن فرعونیان و ثمودیان از بین آنها، نشانه آن است که این دو دسته، از دیگران بارزتر بوده اند.

لجاجت قبطیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۱

۱ قوم فرعون ، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع) و غلبه او بر ساحران ، بر ناباوری خود پای فشرده و کسی از آنان به او ایمان نیاورد .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <من قومه> راجع به <موسی> و مراد از <قوم موسی>، بنی اسرائیل باشد.

لجاجت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲،۳

۲ تعصب و پافشاری قوم ابراهیم بر عقیده شرک خویش، علی رغم استدلالهای آن حضرت بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحجونی فی الله

۳ اظهار شگفتی ابراهیم(ع) از لجاجت مردم بر شرک، علی رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحجونی فی الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۵ – ۲

۲- بت پرستان ، علی رغم قانع شدن از استدلال محکم ابراهیم (ع)

بر بطلان شرک ، بار دیگر در صدد دفاع از عقیده شرک آمیز خویش برآمدند .

ثمّ نکسوا علی رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ینطقون

برداشت یاد شده براین مبنا استوار است که مقصود از بالا و پایین شدن که در جمله کنایی <ثمّ نکسوا علی رءوسهم> موجود است زیر و رو شدن عقاید و مواضع اعتقادی بت پرستان باشد; یعنی، آنان در آغاز بر اثر استدلال ابراهیم(ع) به بطلان شرک دست یافتند; ولی باز به عقیده پیشین بازگشتند. و مجدداً به دفاع از آن برداختند.

لجاجت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۲،۳

۲- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، از معجزات و آیات الهی روی برتافته و بر کفر خویش اصرار ورزیدند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود; چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۷ – ۶

۶ – ثمودیان ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فأت بئایه إن کنت من الصدقین . قال هذه ناقه... و لاتمسّوها بسوء... فعقروها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۸ – ۶

۶ – بیشتر ثمودیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۴ – ۱۲

۱۲ – پافشاری و سرسختی قوم عاد و ثمود ، در مخالفت با دعوت توحیدی پیامبرانِ خویش

فإنّا بما أرسلتم به کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۷ – ۴

۴ – انتخاب گمراهی از سوی قوم ثمود ، با وجود روشن شدن راه هدایت برای آنان

و أمّا ثمود فهدینهم فاستحبّوا العمی علی الهدی

<استحباب> (مصدر <فاستحبّوا>) به معنای دوست داشتن است و آن گاه که با <علی> متعدی شود به معنای انتخاب و برگزیدن خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۸ – ۲

۲ – فرعونیان و قوم ثمود ، قدرت مندترین و سرسخت ترین مخالفان پیامبران ، در امت های پیشین بودند .

فرعون و ثمود

در قرآن، خبر از هلاکت بسیاری از امت های گذشته مطرح شده است; بنابراین یاد کردن فرعونیان و ثمودیان از بین آنها، نشانه آن است که این دو دسته، از دیگران بارزتر بوده اند.

لجاجت قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف

- ۷ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ قوم عاد ، مردمی مغرور ، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۴،۶،۷

۴ اصرار و پافشاری و تعصب قوم هود ، بر شرکورزی و پرستش غیر خدا

و ما نحن بتارکی ءالهتنا عن قولک

جمله اسمیه <ما نحن . ..> و آوردن <با> ی زایده در خبر (تارکی ءالهتنا) حکایت از تأکید و اصرار قوم عاد بر پرستش بتها دارد.

۶ دعوت هود (ع) و سخنان او ، بی تأثیر در بازداری قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتارکی ءالهتنا عن قولک

<عن> در <عن قولک> برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله <ما نحن ...> چنین می شود: سخن و ادعای تو ، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

۷ تأکید قوم عاد ، بر ایمان نیاوردن به هود (ع) و تصدیق نکردن پیام ها و رسالت های او

و ما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱

۱ قوم عاد ، رسالت هود (ع) را نپذیرفتند و به شرک و کفر اصرار ورزیدند .

فإن تولّوا . .. یستخلف ربی قومًا غیرکم ... و لما جاء أمرنا نجّینا هودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۲

۲ – قوم عاد ، مردمی لجوج و مصمم بر حق ناپذیری

قالوا سواء علینا . .. من

الوعظین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۴ – ۱۲

۱۲ – پافشاری و سرسختی قوم عاد و ثمود ، در مخالفت با دعوت توحیدی پیامبرانِ خویش

فإنّا بما أرسلتم به کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۱۵

۱۵ – لجاجت و عناد مستمر قوم عاد ، در برابر آیات روشن الهی

أَوَلم یروا . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار کردن چیزی است که حقانیت آن برای منکر روشن است.

لجاجت قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۱ – ۹

۹– قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

جمله <إن کنتم فاعلین> به منزله جمله <إن فعلتم ما أقول لکم و ما أظنکم تفعلون> است; یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۷ – ۲

۲ – خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا . .. لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۷

۷ - روی آوردن قوم لوط به کردار زشت ، علی رغم آگاهی آنان به ماهیت پلید آن

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

برخی از مفسران کلمه <تبصرون> را از <ابصارالقلب> (معادل دانش و

آگاهی) مشتق دانسته اند. بنابراین مفاد پیام لوط چنین می شود: شما به زشتی ها روی آورده اید با این که ماهیت پلید و قبیح اعمالتان را می دانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۳

۳ - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع) ، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

لجاجت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱

۱ قوم نوح ، نبوت او را با وجود شواهد و براهین صدق ، نپذیرفته و آن حضرت را به دروغ گویی متهم کردند .

یقوم إن کان کبر علیکم مقامی . .. فإن تولیتم فما سألتکم من أجر ... فکذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱

۱ - شِکوه نوح (ع) به درگاه خدا ، از لجاجت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومی کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۲

۲ - قوم نوح ، مردمی حق ناپذیر و لجوج بودند .

فلم یزدهم دعاءی إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۶

۶ - اصرار و پافشاری قوم نوح ، بر مواضع کفرآمیز خویش

و أصرّوا

لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف

دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع اللّه> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱

۱ پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت

آمـده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا ...>; یعنی، هر انـدازه توان داریـد عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا; یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ کفرپیشگان علی رغم مشاهده نشانه های ربوبیت خدا بر سراسر جهان ، با موحدان درباره خداوند و ربوبیت او به جدال و جرّ و بحث می پردازند .

هو الذی یریکم البرق . .. و هم یجدلون فی الله

جمله حالیه <و هم یجادلون فی الله> قیـد برای همه جمله هـایی است که در آیـات پیشـین آمـده است ; یعنی، با آنکه آثار وجودی خـدا و ربوبیت او نمایان است و اوست که برق، رعـد، ابر و صاعقه را پدیـد می آورد و همه امور را تحقق می بخشد، آنان درباره وی به جرّوبحث می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۸

۸- کـافرانی که در برابر بینـات و برهـان هـای روشن انبیـا لجـاجت کرده و در مقابـل آنان ایسـتادند ، مردمانی جبّار و منحرف بودند .

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم . .. و خاب کلّ جبّار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کـافران به خـاطر باطـل گرایی ، علی رغم مشاهـده آثـار و نعمت هـای الهی در تمـام ابعاد زنـدگی خود ، مورد سـرزنش خدایند .

و الله جعل لکم . .. أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۵

۵ - ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۵

۵ - دلداری خدا به پیامبر (ص) در مورد سرسختی کافران

لعلّک بخع نفسک ألاّیکونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۳

۳ - لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیً أُولئک ینادون من مکان بعید

۱۵ - پیام روشن قرآن ، دور از شنود و

فهم کافران لجوج

أُولئک ینادون من مکان بعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۸ – ۶

۶ – استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا

بنابراین که <ثمّ> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۸ – ۲

۲– تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتّبعوا أهواءهم . .. فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم بغته

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۴

۴– اِخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و صدّوا . .. و شاقّوا ... من بعد ما تبیّن لهم الهدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۴ – ۱

۱ – ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن يروا كسفًا . .. يقولوا سحاب مركوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵ - برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رغم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفهوم <أکثرهم> این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رغم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران ، از پذیرش رسالت پیامبر (ص) به رغم مشاهده معجزه < شق القمر >

و انشقّ القمر . .. و إن یروا ءایه یعرضوا

از اطلاق <آیه> بر <شق القمر>، استفاده می شود که <شق القمر> از معجزات پیامبر(ص) بوده که بر حقانیت رسالت خویش اقامه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ – کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۸ –

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۹ - ۷۸

۷ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در گمراهی آشکار قرار دارند .

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

۸ - تهدید شدن کافران لجوج و تکذیب گر ، به عذاب از سوی خداوند

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

برداشت بالا، به سبب این نکته است که تعبیر <فستعلمون> (پس به زودی خواهید دانست)، دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۷

۷ - کافران ، با وجود فراهم بودن شرایط برای ر ها ساختن کفر و پرداختن به تکالیف الهی ، از آن سر باز زدند .

لمّا یقض ما أمره

ضمیر فاعلی <یقض> به <الإنسان> برمی گردد که به قرینه <ما أکفره> تنها بر کافران منطبق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۰ – ۳

۳ – گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه كان به بصيرًا . .. فما لهم لايؤمنون

متعلق <لايؤمنون>،

ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذین کفروا فی تکذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید . فی لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۸

۸ - سرسختی مخالفان توحید در مواضع خویش ، نباید پایداری اهل توحید را متزلزل سازد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

پایداری اهل توحید، از مضارع بودن <أعبد> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر ، از خبر های غیبی قرآن

و لا أنتم

عبدون ما أعبد

لجاجت کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۷ – ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۳ – ۳

۳- کافران عصر بعثت ، علی رغم روشن بودن اعجاز قرآن و هماهنگی آن با دیگر کتاب های آسمانی ، آن را نادیده گرفتند و معجزه بودن آن را انکار می کردند .

لولا یأتینا بَایه من ربّه أوَلم تأتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴ – ۳

۳ – اندوه پیامبر (ص) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدراسلام

و إن یکذّبوک فقد کذّبت رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. ازاین رو برخی از مفسران جواب شرط <إن یکذّبوک> را محذوف و چنین دانسته اند: <إن یکذّبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذّب رسل من قبلک>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۵ – ۲

۲ – کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و پندناپذیر بودند .

و إذا قیل لهم اتّقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما

تأتیهم من ءایه . .. إلاّ کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوٌّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط) و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد كذّب الذين من قبلهم . .. بل لجّوا فى عتوّ و

نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند; چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللّهم إن كان هذا هو الحقّ من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران لجوج عصر بعثت ، امری قطعی از سوی خداوند و غیر قابل دفع از سوی کسی

للكفرين ليس له دافع

<للكافرين> خبر مقدم برای <ليس> و <دافع> اسم آن است. <لام> در <له> برای تقویت و ضمیر <له> مفعول مقدم برای <دافع> است; یعنی، <ليس للكافرين دافع يدفع العذاب عنهم>، (برای کافران کسی وجود ندارد که عذاب موعود را از آنان دفع کند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۲

۲ - اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام ، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلّا سحر يؤثر . إن هذا إلّا قول البشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ – کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره

معرضین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۳ – ۲

۲ – کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (ص) ، آماده عبادت خداوند می خواندند ، هرگز به آن تن نداده و معبود پیامبر (ص) را نمی پرستیدند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

لجاجت کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷ – ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۳ – ۱

۱– کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لايؤمنون به> جمله تفسيريه برای <المجرمين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به

آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۱،۲

۱– کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲– کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ – ۷

۷ – لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۱

۱ – کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشینِ آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

٢٠ - بروج -

۸۵ - ۱۹ - ۶

۶ - اصـرار کافران مکّه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکّه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است; زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

لجاجت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

لجاجت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱،۲

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناك الهی (عذاب استیصال)

کذلك سلکنه . .. لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

<ال> در <العـذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الألیم> اشاره به عذابی دارد که مشـرکان مکه به آن تهدید شدند (عـذاب استیصال). آیه <أفبعـذابنا یسـتعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدیـد به عـذاب را جـدی نگرفتنـد و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

۲ - استمرار دشمنی مجرمان

با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

مراد از مشاهده عذاب دردناک، می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

لجاجت گناهکاران هدایت ناپذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۴ – ۲

۲– مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

لجاجت مخالفان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۶ – ۵

۵ – مخالفان رسالت پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

لجاجت مخالفان وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۲۷

۲۷ گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

لجاجت مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴ - ۳

۳ - مردم در صدر اسلام ، مردمی سخت پایبند به آیین شرک و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصفّت صفًّا . .. إنّ إلهکم لوحد

برداشت یاد شـده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این

حقیقت در قرآن کریم ارائه فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أکثرهم . .. و قالوا ... فاعمل إنّنا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (<أکنّه>، <وقر> و <حجاب>) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

لجاجت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۸

۸ - اصرار و پافشاری مرفهان خوش گذران بر کفر ، در برابر پیام ملاطفت آمیز و توحیدی پیامبران

قال مترفوها . .. قل أوَ لو ... قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

لجاجت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۴

۴ - مستضعفان گمراه و مؤاخذه شده در قیامت ، در دنیا از هدایت برخوردار بودند ; لکن آن را نپذیرفته اند .

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددنکم عن الهدی بعد إذ جاءکم

لجاجت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴،۵

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل ءايه ما تبعوا قبلتك

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانى را به اهل كتاب ارائه كنى، از قبله تو پيروى نمى كنند) گوياى عمق عناد، لجاجت و حق ناپذيرى آنان مى باشد.

۵ - يهود و نصارا از سر عناد و لجاجت

، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۸

۸ علمای نصارای نجران ، مفسد ، مشرک ، مجادله گر ، حق ناپذیر و مورد تهدید خداوند

فمن حاجّک . .. فان تولّوا فانّ اللّه علیم بالمفسدین

در شأن نزول آمده که این آیات درباره علمای نجران نازل شده است.

لجاجت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۹

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذین لایعلمون لولا . .. تأتینا ءایه ... قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹ لجاجت پیشگان مشرک، پس از دیدن جهنم نیز اگر دنیا بازگردند اصلاح نمی شوند.

و لو تری إذ وقفوا علی النار . .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

۱۰ دروغگویی، شیوه همیشگی مشرکان لجاجت پیشه است.

فقالوا . .. و إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۲

۲ مشرکان لجوج، حتی در صورت نزول ملائکه بر ایشان، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزّلنا إلیهم الملئکه . .. ما کانوا لیؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷،۱۹

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ

و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفاتخذتم من دونه أولياء

تفریع جمله <اتخذتم . ..> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آنِ خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجّه و بدون دلیل است.

۱۹ مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفاتخذتم من دونه أولياء . .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله <خلقوا كخلقه> صفت برای <شركاء> است. <خلق> در هر دو مورد (<كخلقه> و <الخلق>) مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. <تشابُه> (مصدر تشابَه) به قرینه کلمه <على> به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. <أم> در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۳

۳ مشرکان علی رغم اعترافشان به اینکه قوام بخش امور بندگان خداوند است ، برای او شریک های متعددی برگزیده بودند .

أفمن هو قائم على كل نفس بما كسبت و جعلوا لله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۱

۱- مشرکان ، علی رغم شناخت نعمت های الهی ، آن را عملاً انکار می کنند و راه ناسپاسی می پیمایند .

يعرفون نعمت الله

ثمّ ینکرونها

در این آیه انکـار در مقابـل عرفـان و شـناخت قرار گرفته است و این می رسانـد که مراد از انکـار نعمت، انکـار عملی است نه ذهنی و اعتقادی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۸ - ۲

۲ - ردّ دعوت پیامبر (ص) (دعوت به یکتاپرستی) ، از سوی مشرکان و پافشاری آنان بر شرک و بت پرستی

و ادع إلی ربّک . .. و إن جدلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۱

۱ - تعجب پیامبر (ص) از مواضع انکارآمیز مشـرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند ; علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إنّ إلهکم لوحد . .. فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا... بل عجبت

به قرینه آیات پیشـین به دست می آیـد که آنچه موجب شـگفتی پیامبر(ص) گردیـده بود، انکار توحیـد ربوبی و معاد از سوی مشرکان به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۴

۴ - اصرار و پافشاری مشرکان بر متهم کردن قرآن و معجزه الهی به سحر و جادوگری

و قالوا إن هذا إلاّ سحر مبین

برداشت فوق از به کار رفتن نفی و استثنا در آیه شریفه که دلالت بر حصر و قطعی بودن مفاد آن است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ - مشرکان ، سخنانی بهانه جویانه علیه اسلام

و به دفاع از مواضع عقیدتی خود پیوسته ، تکرار می کردند .

و إن کانوا لیقولون

<إنْ> مخفف <إنّ> است. آمدن فعل <کانوا> دلالت می کند که خبر آن (لیقولون)، امری ثابت در گذشته و دارای پیشینه است و آمدن خبر به صورت فعل مضارع بیانگر تکرار مضمون آن است. بنابراین مقصود از آیه شریفه با توجه به آیات بعد سخنان بهانه جویانه مشرکان است که پیوسته آن را تکرار می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۱

۱ - مشرکان ، به رغم ادعای آمادگی برای ایمان آوردن به کتاب آسمانی ، به قرآن کفر ورزیدند .

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین . فکفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۱،۲

۱ - توطئه های پی درپی و جدی مشرکان ، نسبت به پیامبر (ص) و تصمیم قطعی آنان برای انکار حق

أم أبرموا أمرًا

<إبرام> (مصدر <أبرموا>) در اصل به معنای تابیدن و محکم کردن است و در این جا مراد از آن به قرینه شأن نزول و آیه بعد تصمیم جدی مشرکان بر توطئه چینی علیه پیامبر(ص) می باشد.

۲ - اصرار و لجاجت مشرکان در مخالفت با دعوت پیامبر (ص) ، نمودی از حق گریزی آنان

أکثرکم للحقّ کرهون . أم أبرموا أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۶

۶ - اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند ، کسانی بودند که

از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

در برداشت یاد شده، <منفکّین> به معنای <منفکّین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیهم البیّنه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البیّنه> مرادف است و عبارت <حتّی اتیان البیّنه> را می توان به معنای <حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <حتّی باتیان البیّنه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکّین فی وقت من الأوقات حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <لم یکن ... منفکّین بأیّ طریق حتّی باتیان البیّنه>.

لجاجت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۸،۹

۸ مشرکان به هنگام حضور در نزد پیامبر(ص)، از سر لجاج و انکار به مجادله درباره قرآن و رسالت آن حضرت می پرداختند.

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا

۹ مشرکانی که صرفاً برای مجادله در محضر پیامبر(ص) حاضر می شدند، در نهایت عناد و لجاجت قرار داشتند.

حتی إذا جاءوک یجدلونک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم ، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ -

۱ برخی مشرکان ، با اینکه آسمانی بودن قرآن را باور داشتند ، به تکذیب آن برمی خاستند .

بل کذبوا . .. و منهم من یؤمن به

این برداشت مبتنی بر این است که: ضمیر <هم> با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش به تکذیب کنندگان قرآن برگردد و از <یؤمن> زمان حال اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۴

۴ مشرکان ، در برخورد با سخنان پیامبر (ص) دارای موضعی لجوجانه بودند .

أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۴

۴ مشرکان با پیامبر اکرم (ص) برخوردی لجوجانه داشتند .

أفأنت تهدی العمی و لو کانوا لا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۱

۱ - اظهارات انکارآمیز مشرکان صدراسلام نسبت به قرآن ، به رغم باور قلبی آنان به آسمانی بودن آن

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

<إدهان> (مصدر <مدهنون>) به دو معنا آمده است: الف) اظهار کردن بر خلاف آنچه در دل است; ب) به شوخی گرفتن چیزی و برخورد استهزا آمیز کردن با آن.

برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم. ..> می باشد.

لجاجت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۴

۴ امتناع مشرکان عصر بعثت از اقرار به ربوبیت خدا بر تمام هستی علی رغم مشاهده نقش او در جهان آفرینش

قل من رب السموت و الأرض قل الله

از اینکه خداوند خود به پرسشی که از مشرکان کرده (من رب السموت) پاسخ می دهد (قل الله) معلوم می شود آنان از اعتراف و اقرار به ربوبیّت خداوند خودداری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱۰

۱۰- مشرکان ستم پیشه صدراسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بل قالوا . .. فليأتنا بايه كما أَرسل الأوّلون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۶ – ۵

۵- پيشگويى قرآن ، مبنى

بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام ، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماءامنت قبلهم . .. أفهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۴

۱۴- گروه بسیاری از مشرکان در صدراسلام علی رغم شناخت حق مردمی حق گریز بودند .

بل أكثرهم لايعلمون الحقّ

واژه <أكثر> افعل التفضيل است و نقطه مقابل آن، كثير می باشد نه قليل و بدين جهت گروه بسيار استفاده شده است; يعنى، هر چند مشركان دانا و حق گريز، در مقايسه با نادانان كمتر بودند; ولى خود جمعيتى چشم گير و بسيار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ فرمان پیامبر (ص) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان ، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل <زاد> امر به سجده دانسته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۳

۳ - اندوه پیامبر (ص) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدراسلام

و إن يكذّبوك فقد كذّبت رسل من قبلك

از آهنگ آيه شريفه استفاده می شود كه پيامبر(ص)، به خاطر تكذيب شدنش اندوهگين بود. ازاين رو برخى از مفسران جواب شرط <إن يكذّبوك> را محذوف و چنين دانسته اند: <إن يكذّبوك فلاتحزن و اصبر اذ قد كذّب رسل من قبلك>.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذکّروا لا یذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و إذا رأوا ءایه یستسخرون

تمسخر معجزه الهی که امری ملموس و روشن می باشد گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۹

۹ - پایبندی مشرکان صدر اسلام به آیین شرک و دفاع از معبود های خود در برابر دعوت به توحید

و إذا قیل لهم لا إله إلّاالّله یستکبرون . و یقولون أئنّا لتارکوا ءالهتنا لشاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت الّله یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت اللّه يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ -

۶ - سرسختی و لجاجت مشرکان عصر بعثت ، در برابر قرآن و دعوت پیامبر (ص)

و قالوا قلوبنا فی أکنّه ممّا تدعونا إلیه و . .. فاعمل إنّنا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱

۱ - اصرار مشرکان عصر بعثت ، بر شرک و مباحثات انکارآمیز آنان درباره توحید

و الذین یحاجّون فی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۲ - ۲

۲ - بحث و جدل مشرکان با پیامبر (ص) ، در عینی ترین حقایق مورد شهود آن حضرت ، امری نکوهیده و سرزنش بار

أفتمرونه علی مایری

استفهام در <أفتمارونه> برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور افشای سرسختی مشرکان در ترک پرستش خداوند ; حتی در فرض محال تن دادن پیامبر (ص) به پرستش معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

لجاجت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۰ – ۴

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل فأبی ... و

قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الأرض ی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۱ – ۳

۳- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی ... تکون لک جنّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۲ – ۵

۵- سرسختی و لجاجت مشرکان مکه در برابر پیامبر (ص) و تعالیم بر حق او

لن نؤمن لک حتی . .. تسقط السّماء کما زعمت علینا کسفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۳ – ۴

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی ... یکون لک بیت من

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۷ – ۱۲

۱۲ – مشرکان مکه ، از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون

<جحود> نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کند و اثباتِ چیزی است که دل، نفی

کرده است (مفردات راغب) بنابر معنای لغوی، <جحود>، منطبق بر لجاجت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۹ – ۱۰

۱۰ – انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الظلمون

<جحود> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب). <جحود> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: <ال> در <الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الکافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۰ – ۲

۲ – انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر و إنّا به کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۴ – ۲

۲– مشرکان مکه بر موضع انکارآمیز خود در باره معاد پافشاری کرده و بر آن اصرار میورزیدند .

إنّ هؤلاء لیقولون

به کارگیری فعل مضارع (یقولون) که مفید استمرار است بیانگر مطلب فوق می باشد.

لجاجت مصریان باستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۴ – ۶،۸،۱۵

۶ – مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل

می تواند باشد: ۱ به خاطر لجالت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. ۲ یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

۸ - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن ، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

لجاجت معرضان از توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۱

۱۱- < عن النبی (ص) قال : کلّ جبّار عنید من أبی أن یقول : لا إله إلاّ الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: [مراد از]گردنکش کینه توز، کسی است که از گفتن <لا إله إلاّ الله> دریغ داشته باشد>.

لجاجت معرضان از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲- < عن أبی جعفر (ع) قال : < العنید > المعرض عن الحق ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: [مراد] از <عنید> کسی است که از حق روی گردان است>.

لجاجت مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۹

مغلطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله . .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

لجاجت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۵

۵ تکذیب کنندگان رسالت پیامبران پس از نوح (ع) ، علی رغم ارائه معجزات و دلیل های روشن به آنان ، همچنان بر ناباوری و تکذیب خود ، پای فشردند .

فجاءوهم بالبینت فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این است که مضاف الیه <قبل> ضمیر عاید به <مجیء> که از <جاءوهم بالبینات> استفاده می شود، بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیّت خویش و ایمان آوردن قومشان

حتّی إذا استیئس الرسل

متعلق <استیئس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - تکذیب شدن رسالت پیامبران الهی ، از روی عمد و لجاجت و باآگاهی از محتوای آن بوده است .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت و بالزّبر و بالکتب المنیر

تکذیب شدن پیامبران الهی به رغم آن که آنان در متن جامعه بودند (جائتهم) و معجزات و دلایل روشنی را به مردم ارائه

نموده و کتاب روشنگر و قابل فهمی را به ایشان عرضه می کردند حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

لجاجت مکذبان بصیرت خدا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۰ – ۳

۳ – گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه کان به بصیرًا . .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

لجاجت مکذبان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۴ – ۲

۲ – پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گر; هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند; بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

لجاجت مکذبان حسابرسی عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۰ – ۳

۳ – گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه کان به بصیرًا . .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

لجاجت مکذبان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ –

۵۰ - ۲

۲ - سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام ، در پذیرش قرآن و اسلام

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

لجاجت مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه کان به بصیرًا . .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

لجاجت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۲

۲ - سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام ، در پذیرش قرآن و اسلام

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

لجاجت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۲

۲ - پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گر; هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند; بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

لجاجت مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۸

۸- وجود برخی از افراد آگاه و مغرض ، در میان مشرکان و تکذیب کنندگان پیامبر (ص)

بل أکثرهم لایعلمون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴ – ۳

۳ – اندوه پیامبر (ص) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدراسلام

و إن یکذّبوک فقد کذّبت رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. ازاین رو برخی از مفسران جواب شرط <إن یکذّبوک> را محذوف و چنین دانسته اند: <إن یکذّبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذّب رسل من قبلک>.

لجاجت مکذبان معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۱ – ۱۴،۱۶

۱۴– منکران معاد ، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد ، با تکان دادن سر همچنان آن را مستبعد می شمردند .

فسینغضون إلیک رءوسهم

تکان دادن سر از سوی مشرکان، پس از دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد، می تواند به منظور استبعاد معاد باشد.

۱۶– منکران معاد ، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خود درباره معاد ، همچنان بر حفظ ذهنیت خود پای می فشردند .

فسینغضون إلیک رءوسهم

از اینکه منکران معاد، پس از دریافت پاسخ تمامی شبهات خود درباره معاد، با تکان دادن سر آن را به استهزا گرفته و انکار می کردند، نشان می دهد که آنان، در پی حفظ ذهنیت دیرینه خود درباره معاد بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۸ – ۶

۶– خداوند به پیامبر (ص) عنایت و لطف خاص داشته و او در قبال انکارکنندگان معاد ، دلجویی کرده است .

فوربّک لنحشرنّهم والشیطین

ضمیر <فوربّک> خطاب به پیامبر(ص) است.

عنایت به آن حضرت هنگام قسم خوردن خداوند به نام مقدس خویش، نوعی اظهار لطف و دلجویی از پیامبر(ص) در قبال خیره سری های کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۳

۳ - منکران معاد ، فرو رفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما أکفره

از آیات بعد که توجّه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجّه به معاد در <ثمّ إذا شاء أنشره> قرار داده است استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله <ماأکفره>، تعجّب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه کان به بصیرًا . .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

لجاجت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۳

۳ - منافقان با وجود این که از نجوا کردن نهی شده بودند بر آن اصرار میورزیدند .

ألم تر إلی الذین نهوا عن النجوی

ثمّ یعودون لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۶

۶ - تداوم و استمرار بخشی منافقان ، بر اعمال رشت و کردار ناپسند خویش

انّهم ساء ما کانوا یعملون

<کانوا یعملون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری و تداوم بخشیدن منافقان به اعمال ناپسند خویش است.

لجاجت منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۵

۵ منافقان صدر اسلام ، علی رغم امتحانات مکرر الهی ، متنبه نگشته و توبه نمی کردند .

أو لا یرون أنهم یفتنون . .. ثم لا یتوبون و لا هم یذّکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۶

۶ - منافقـان صدراسـلام ، با علم به این که احکام و فرمان های خـدا و رسول او ، به دور از ظلم و احجاف بود ، به آنها تن در نمی دادند .

أم یخافون أن یحیف اللّه علیهم و رسوله

برداشت یـاد شـده، مبتنی بر این است که <بـل> در <بـل أُولئـك. ..> برای اضـراب ابطـالی باشـد; یعنی، منافقان این گونه نبودند که گمان کنند که خدا و رسول او، به آنان ظلم می کنند; بلکه می دانستند که خدا و رسولش، عادلانه حکم می کنند.

لجاجت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ – ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثمّ أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق

پیامبر(ص) استفاده می شود.

لجاجت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴،۵

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۹

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

لجاجت یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۵

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر(ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جملات بعدی این آیه قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی(ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول

وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

محمد(ص) و لجاجت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۶ – ۱۳

۱۳ – ساحت پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، مبرّا از لجاجت ، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه فأنزل اللّه سکینته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصبِ جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ لجاجت مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۱ – ۹

۹ – پافشاری برخی از مشرکان بر شرک ، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است ، نه ناشی از نادانی صرف .

بل أکثرهم لایعلمون

قید <أکثر> بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

موارد لجاجت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۲ – ۷

۷ – بی اعتنایی به ضرورت ها و احتیاط های عقلی ، کج روی و لجاجت است .

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه ثمّ کفرتم به من أضلّ

از آن جا که بی اعتنایی به احتمال نزول قرآن از سوی خداوند، موجب گمراهی دانسته شده است؛ استفاده می شود که برای پرهیز از گمراهی به عنوان ضرر، باید به احتمال منتهی به آن اعتنا کرد.

موانع لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- توجّه به وقوع حتمی وعده های

الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است; یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

مؤمنان و لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - ساحت پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، مبرّا از لجاجت ، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه فأنزل اللّه سکینته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصبِ جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۴

۴ - انکار ربوبیت و یکتایی خداوند ، در عین مشاهده آیات و جلوه های خالقیت مطلق او ، نشانه وجود روح لجاجت و ستیزه جویی است .

اللّه الذی جعل لکم الّیل . .. ذلکم اللّه ربّکم ... فأنّی تؤفکون . کذلک یؤفک الذی

لجوج

ایمان کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۸

۸اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله

بی تأثیری معجزه بر لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۴

۴ لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا . .. و كلمهم الموتى ... ما كانوا ليؤمنوا

تهدید کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداونـد کفرپیشـگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا ، ربوبیت او را منکر شوند ، به عذاب شدید و مکری سـخت تهدید کرده است .

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد .

فسوف تعلمون . من یأتیه عذاب یخزیه

مفسـران بر این عقیـده انـد که مقصود از عـذاب خوارکننـده، به قرینه ذیـل آیه که از عـذاب دائمی (اخروی) سـخن می گوید عذاب دنیایی است.

تهدید مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد .

فسوف تعلمون . من یأتیه عذاب یخزیه

مفسـران بر این عقیـده انـد که مقصود از عـذاب خوارکننـده، به قرینه ذیـل آیه که از عـذاب دائمی (اخروی) سـخن می گوید عذاب دنیایی است.

روش برخورد با کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۸

۸ - رهنمود خدا به پیامبر (ص) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

روش برخورد با مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۸

۸ - رهنمود خدا

به پیامبر (ص) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

عذاب کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا ، ربوبیت او را منکر شوند ، به عذاب شدید و مکری سخت تهدید کرده است .

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناك ، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله . .. لهم عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۳

۳ - کافران متعصب و لجاجت پیشه ، هیچ گونه راه فرار و گریزی از عذاب الهی ندارند .

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا . .. ما كانوا ليؤمنوا ... و كذلك جعلنا لكل نبی عدوا شيطين الإنس

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۳ – ۱۱

۱۱ اندوهناك شدن بر هلاكت كفرپيشگان لجوج ، حتی در صورت خويش و هموطنی با آنان ، امری نكوهيده و ناروا

فكيف ءاسی علی قوم

کفرین

کیفر کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناك ، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله . .. لهم عذاب ألیم

محرومیت کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و یعف عن کثیر . و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب ندارند; می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

محمد(ص) و کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۵

۱۵ ناآگاهی اغلب مشرکان لجوج به تعیین کننده بودن مشیت الهی جهت متمایل ساختن آنان به ایمان

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله و لكن أكثرهم

یجهلون

متعلق <یجهلون> می تواند <مشیه الله> باشد، یعنی اکثر مشرکان به نقش مشیت الهی ناآگاه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۸

۸- وجود برخی از افراد آگاه و مغرض ، در میان مشرکان و تکذیب کنندگان پیامبر (ص)

بل أكثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۶

۶- وجود عناصری آگاه اما لجوج و حق ناپذیر ، در میان مشرکان و منکران معاد

إنّ هؤلاء لیقولون . .. و لكنّ أكثرهم لایعلمون

بنابراین که ضمیر <هم> به مشرکان مکه بازگردد; از مفهوم <أکثرهم> استفاده می شود که اقلیتی آگاه در میان مشرکان حضور داشتند که به رغم درک حقانیت معاد، به انکار آن می پرداختند.

هشدار به کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

لجوجان

حق ناپذیری لجوجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تأثیرناپذیری اهل عناد ، در برابر معجزات الهی

فأت بئایه . .. قال هذه ناقه ... فعقروها

لذایذ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار لذایذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷

۱۱ - ۱۷ -

۱۱ شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطك المستقيم . .. لاتجد أكثرهم شكرين

ارزش لذایذ دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند اللّه خير من اللهو و من التجره

اعراض از لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۲

۲۲ - ضرورتِ دل بستن به عاقبت نیک و دل خوش نبودن به لذت های زودگذر

والعقبه للتّقوى

اهمیت لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۳

۳-ارزش ها و لذت های بهشتی ، فراتر از تصوّر و اندیشه بشر

مثل الجنّه الّتى وعد المتّقون

در صورتی که واژه <مثل> به معنای تمثیل و تشبیه باشد; می رساند که بیان نعمت های اخروی بدون استفاده از تمثیل و تشبیه، برای بشر قابل فهم نیست.

بهترین لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : < ان اطیب شیء فی الجنه و ألذّه حب اللّه و الحب فی اللّه و الحمد للّه قال اللّه عزوجل : < و آخر دعواهم ان الحمدللّه رب العالمین > . . . ;

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و <حمد> برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین

دعا [و گفتار]مؤمنان در بهشت <الحمدللّه رب العالمین> است> ... .

بهترین لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۸،۹،۱۴

۸ پرتوی از خشنودی و رضوان الهی ، برتر از همه لذت های دیگر برای مؤمنان در بهشت *

و رضون من اللّه أکبر

نکره آمدن <رضوان> می تواند برای تقلیل باشد ; یعنی، حتی شمه ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

۹ رضوان خداوند و خشنودی او از بهشتیان ، بالاترین لذت و نعمت برای آنان

و رضون من اللّه أکبر

۱۴ برترین لذت ها برای اهل بهشت ، لذت معنوی و روحانی است .

و رضون من اللّه أکبر

بهترین لذایذ مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۸

۸ پرتوی از خشنودی و رضوان الهی ، برتر از همه لذت های دیگر برای مؤمنان در بهشت *

و رضون من اللّه أکبر

نکره آمدن <رضوان> می تواند برای تقلیل باشد ; یعنی، حتی شمه ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

بی ارزشی لذایذ دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ ناچیزی بهرهوری ها و لذایذ زندگی دنیوی ، در مقایسه با ثواب ها و ارزش های اخروی

فاستمعتوا بخلقهم . .. أولئك حبطت أعملهم ... و أولئك هم الخسرون

بـا اینکه کـافران و منافقـان در دنیـا بهره منـد بوده انـد، خداونـد ایشان را زیانکار واقعی معرفی می کنـد; زیرا لذایـذ دنیویشان محدود بوده و از ثوابهای اخروی بی

بهره اند.

بی ارزشی لذایذ کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۱۵

۱۵– بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیویِ کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذّت جویی های آنان را ارزش نپندارند; زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

پوچی لذایذ دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۱۴

۱۴– یک عمر لذّت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ ساعه من نهار

<یوم یرون مایوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

تحریم لذایذ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۹ – ۲۸

۲۸ سوگند بر تحریم طیبات و لذایذ بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

از رسول خدا(ص) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام یحرمون علی انفسهم الطیبات . .. فقاموا هولاء فقالوا یا رسول اللّه فقد حلفنا علی ذلک فانزل اللّه تعالی <لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم ...>.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰;

نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

تلاش برای لذایذ اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۵

۵ - دنیا ، عرصه تلاش برای رسیدن به لذت های آخرت است .

فلیتنافس المتنفسون

جاودانگی لذایذ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶ - لذّت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جنّات تجری. ..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذّت جویی در انسان اخروی است.

جاودانگی لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۶

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

عوامل علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۳

۱۳- سرانجام تداوم کفر و غوطهوری در لذت های دنیا ، پشیمانی است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یأکلوا ... فسوف یعلمون

عوامل لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهرهوری و لذت کامل بهشتیان و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی *

فکهین بما ءاتیهم ربّهم

ممکن است که <فاکهین>، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به

بهرهوری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت ها است.

فرجام علاقه به لذایذ مادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۱۳

۱۳– سرانجام تداوم کفر و غوطهوری در لذت های دنیا ، پشیمانی است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یأکلوا ... فسوف یعلمون

لذایذ اخروی انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۴ – ۴

۴ – انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت های مادی

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از این که خداوند وعده به <جنّات> و <نهر> داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

لذایذ اخروی بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۸

۸ – تمامی زیبایی ها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا ، آماده برای آنان در بهشت

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

لذایذ اخروی پیشگامان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۲

۲ – پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّت النعیم . .. لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

شنیـدن سـخنان لغو و یـا نسـبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشـتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

لذایذ اخروی

متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۰ – ۴

۴ – تقواپیشگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنّیه

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۸

۸ – تمامی زیبایی ها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا ، آماده برای آنان در بهشت

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۳ – ۵

۵ – لذت های جنسی تقواپیشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . .. و کواعب أترابًا

لذاید اخروی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۵ – ۲

۲ – تماشای کیفر های کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است .

علی الأرائک ینظرون

لذاید انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۶

۱۶ انسانها از گمراه شدن توسط جنیان لذت و بهره می برند.

و قال أولیاؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - لذت های چشم ، از برجسته ترین لذت های انسان است . *

و تلذّ الأعین

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <تلذّ الأعین>

از باب ذکر خاص پس از عام بوده و برای بیان اهمیت لذت های چشم آورده شده باشد.

لذاید بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۱

۱ - لذت ها ، زیبایی ها و آسایش بهشت ، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متّکین علی رفرف خضر . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

لذاید بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۲

۲ - بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

<فاکهون> از <فکاهه> گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، <فاکهون> خبر دوم برای <إنّ> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۶ - ۱

۱ - مردان بهشتی با همسرانشان در حالی که به شوخی و گفت وگوی لذت بخش مشغولند زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزیّن و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متّکئون

جمله <هم و أزواجهم. ..> استئناف بیانی برای آیه پیشین (إنّ أصحاب الجّنه...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند بیان می کند. <أریکه> (مفرد <أرائک>) نیز به معنای تخت مزین در

حجله عروس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۱ – ۳

۳ – لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی ، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّت النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إنّی

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در آن بزم باشکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۵ – ۳

۳ – لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

لذاید جنسی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۳ – ۴،۵

۴ – وجود لذت های جنسی در بهشت

و کواعب أترابًا

۵ – لذت های جنسی تقواپیشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادتمندی آنها است .

مفازًا . .. و کواعب أترابًا

لذاید جنیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۱۴،۱۵

۱۴ وجود خواسته ها و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استکثرتم استمتع بعضنا ببعض

۱۵ جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

و قال أولیاؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

لذاید چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱

۱۲ - لذت های چشم ، از برجسته ترین لذت های انسان است . *

و تلذّ الأعین

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <تلذّ الأعین> از باب ذکر خاص پس از عام بوده و برای بیان اهمیت لذت های چشم آورده شده باشد.

لذاید حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۸

۸ حرمت هر گونه بهره گیری جنسی از محارم نسبی ، رضاعی و سببی

حرّمت علیکم امّهاتکم . .. و حلائل ابنائکم

اسناد حرمت به خود <امهات و . .. > می رساند که نه تنها ازدواج، بلکه هر گونه استمتاع و بهره گیری جنسی از زنان یاد شده، حرام شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱

۱ حرمت بهره گیری جنسی از زن شوهردار و ازدواج با وی ، هر چند مسلمان نباشد .

حرّمت . .. و المحصنات من النّساء

قید <من النّساء> برای <المحصنات> قیدی تأکیدی است و شمول آن را نسبت به زن غیر مسلمان افاده می کند.

لذاید دنیوی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۴

۴ - مشرکانِ ملت های پیشین نیز ، گرفتار عذاب شدند و بین آنان و لذت های دنیوی شان جدایی برگشت ناپذیر افتاد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم من قبل

<اشیاع> (جمع <شیعه>) به معنای پیروان است و در آیه به قرینه <من قبل> مراد کسانی است که مشابهت فکری با مشرکان بعدی داشته اند.

لذایذ

دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا

لذاید دنیوی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۱،۲،۴

۱ - بین مشرکان و لذت های دنیوی شان ، پس از مرگ فاصله می افتد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

این که مراد از <ما یشتهون> چیست احتمال های گوناگونی وجود دارد; از جمله آنها لذت ها و مال و اموال دنیایی است.

۲ - مشرکان صدراسلام و پیشتر از آنها ، در پی لذت های دنیوی بوده اند .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

۴ - مشرکانِ ملت های پیشین نیز ، گرفتار عذاب شدند و بین آنان و لذت های دنیوی شان جدایی برگشت ناپذیر افتاد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم من قبل

<اشیاع> (جمع <شیعه>) به معنای پیروان است و در آیه به قرینه <من قبل> مراد کسانی است که مشابهت فکری با مشرکان بعدی داشته اند.

لذاید دنیوی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۲

۲ – مشرکان صدراسلام و پیشتر از آنها ، در پی لذت های دنیوی بوده اند .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

لذایذ شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۸ – ۱۴

۱۴ وجود خواسته ها

و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استکثرتم استمتع بعضنا ببعض

لذایذ قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۹ – ۹

۹ – از دید دنیاطلبان ، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه . .. قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنّه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است; یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

لذایذ مادی اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۱۲

۱۲– انسان ، در حیات اخروی همانند دنیا ، دارای نیاز ها و لذت های مادی

فیها أنهر من ماء . .. من لبن ... من خمر ... من عسل مصفًّی و لهم فیهامن کلّ الثم

توصیف ها و ترغیب های خداوند به اموری چون نهرهای آب گوارا، شیر، شراب و عسل می رساند که انسان ها در آخرت از این امور مادی، لذت می برند و بدین لذت ها نیازمنداند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۴ – ۴

۴ – انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت های مادی

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از این که خداوند وعده به <جنّات> و <نهر> داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

لذایذ مادی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۰

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت . .. مسکن ... و

رضون من اللّه أکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۹ – ۴

۴ – انسان در بهشت ، دارای ویژگی های موجود مادی است و از خوردنی ها و آشامیدنی ها لذت می برد .

کلوا و اشربوا هنیًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۲

۲ – پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّت النعیم . .. لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

لذایذ مادی در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۵

۵ – انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

لذایذ مادی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۵

۵– خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرهم يأكلوا و يتمتّعوا و يلههم الأمل

لذايذ مادى كافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۴

۴- تمامى همّ و

تلاش کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهرهوری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

لذایذ مجاز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۴ – ۲

۲ جواز بهره گیری جنسی از کنیز شوهردار برای مالك وی

حرّمت . .. و المحصنات من النّساء الّا ما ملکت ایمانکم

لازم به تذکر است که حکم مذکور دارای شرایطی است که در فقه بیان شده است.

لذایذ معنوی بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۴،۱۰

۱۰ وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت . .. مسکن ... و رضون من اللّه أکبر

۱۴ برترین لذت ها برای اهل بهشت ، لذت معنوی و روحانی است .

و رضون من اللّه أکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۲

۲ – پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّت النعیم . .. لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان پس از

بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

محدودیت لذایذ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۱

۱ - بهره مندی انسان ها از لذت ها و خوشی های دنیا ، اندک و محدود

است .

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

محرومان از لذاید اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۳

۳ - مرفهان تکذیب گر و دین ستیز ، از هرگونه آسایش و راحتی یا لذت و کام جویی در قیامت ، محروم خواهند بود .

و ذرنی و المکذّبین أُولی النعمه . .. و طعامًا ذا غصّه و عذابًا ألیمًا

تأکید خداوند بر گلوگیر و دردآور بودن کیفر صاحبان ثروت و رفاه، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

محرومیت از لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم . .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

ناپسندی علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۸

۸- متمرکز کردن تمامی همّ و تلاش بر بهرهوری هر چه بیشتر از تمتعات و لـذت های دنیوی و دل بسـتن به آرزو های واهی ، امری ناپسند و محکوم است .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا و یلههم

آیه، تعریض است به اینکه: کافرانِ هـدایت ناپـذیر، تمام همّشان تمتعات دنیوی است; لـذا باید آنان را به حال خود رها کرد و این حاکی از ناخرسندی خداوند از آنهاست.

ویژگیهای لذایذ های دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۶ – ۱

۱ – بهره

مندی انسان ها از لذت ها و خوشی های دنیا ، اندک و محدود است .

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

لذت طلبی

آثار لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۹

۹- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر خوش گذرانی ، در پی دارنده عذاب ذلّت بار اخروی

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذاب الهون

زمینه لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۵

۵- بی اعتقادی به معاد ، گرایش دهنده انسان به لذّت جویی هر چه بیشتر از امکانات دنیایی

الذین کفروا . .. أذهبتم طیّبتکم ... و استمتعتم بها

مخاطب قرار گرفتن لـذّت جویان با عنوان کفر، می نمایانـد که این وصف در گرایش کافران به لذّت جویی و حرص بر لذّت های دنیایی نقشی اساسی دارد.

سرزنش لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۹،۱۰

۹- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شـمار آوردن لذّت جویی صـرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

۱۰- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ; نه غوطهور در لذّت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأن

خداوند، مؤمنان را متصف به <عملوا الصالحات> کرده و کافران را مشمول <یتمتّعون

و یأکلون کما تأکل الأنعام> دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

فرجام لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذّت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. و الذین کفروا... النارمثوًی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

لذت طلبی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۹

۹ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

متّکین علی فرش . .. فیهنّ قصرت الطرف

از این که خداوند به وجود حوریان بشارت داده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۴

۴ - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

لذت طلبی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶ - لذّت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جنّات تجری. ..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذّت جویی در انسان اخروی

است.

لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۴

۴- لذّت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷۸

۷- لذّت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوًی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد; بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

۸- آتش دوزخ ، جایگاه کافران لذّت طلب و شکمباره

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

لطف خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لطف خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۷

۷ - رفق و مدارای خداوند نسبت به عموم انسان ها

إنّ اللّه لطیف

برداشت فوق بر این اساس است که <لطیف> از <لطف> (رفق و مـدارات) مشـتق شده باشد. بنابر این متعلق <لطیف> در جمله یاد شده محذوف است; یعنی، <أنّ اللّه لطیف بعباده>.

آثار ذکر لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۶

۶ - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر . .. فإنّک بأعیننا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص)

به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

آثار علاقه به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - تقواپیشگان ، با انفاق کردن اموال خود ، نعمت علاقه مندی به لطف خدا را پاس داشته ، از آن قدردانی می کنند .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزی . إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

آثار لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۶

۶ - دستیابی به هدایت در گرو الطاف خدا و رحمت اوست .

أولئک علیهم صلوت من ربهم و رحمه و أولئک هم المهتدون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <أولئک> (در ذیل آیه) اشاره به مشمولین صلوات و رحمت - که از <أولئک علیهم> به دست می آید - داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ - رهایی از عذاب دردناک قیامت در گرو لطف خدا و پاک شدن از گناهان و آلودگیهاست .

و لایکلمهم اللّه یوم القیمه و لایزکیهم و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۸

۸ رهایی انسان از گرفتاری ها و مصایب ، در گرو مشیت خدا و بسته به لطف و رحمت اوست .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا . .. فلما كشفنا عنه ضرّه

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۶ – ۷

۷- لطف و عنایت خداوند در هدایت انسان مؤثر است .

و اجنبنی و بنیّ أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضللن کثیرًا من الناس

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) از خداوند خواستار نجات فرزندانش شد، معلوم می شود که عنایت و لطف خدا در هدایت مؤثر بوده و انسان نیازمند به آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۴ – ۳

۳- امکان فرزنددار شدن انسان کهن سال و مأیوس از فرزنددار شدن ، با لطف و قدرت خداوند

إنا نبشّرک بغلم علیم . قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۶ – ۴

۴- ابراهیم (ع) امیدوار به فرزنددار شدن در کهنسالی ، در پرتو لطف و رحمت الهی

فبم تبشّرون . .. فلاتکن من القنطین . قال و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۷ – ۱

۱- لطف و رحمت خداوند ، مانع بازپس گیری وحی (حقایق و معارف وحیانی) از پیامبر (ص)

لئن شئنا لنذهبنّ . .. إلاّ رحمه من ربّک

استثنا ممکن است از کلمه و یا کلامی محذوف صورت گرفته باشد: مثلًا عبارت چنین باشد آنچه را به تو دادیم، جز از سر رحمت ندادیم و بنابراین، محو نخواهیم کرد. و یا استدراک از <لئن شئنا> باشد و عبارت چنین فرض شود: <و لکن لانشاء ذلک رحمه> (ولی زایل کردن معارف عطا شده را

نمی خواهیم به خاطر رحمت به تو)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۲۰،۲۱

۲۰- حضرت ابراهیم (ع) ، لطف و عنایت ویژه خداوند به خود را ، پشتوانه پذیرش استغفار خود می دانست .

سأستغفر لک ربّی إنّه کان بی حفیًّا

۲۱- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم (ع) ، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت او

قال سلم علیک . .. إنّه کان بی حفیًّا

جمله <إنّه کان بی حفیّاً> پاسخ ابراهیم(ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد؛ یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرطنین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد؛ یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیّاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۵،۶

۵- برکت یافتن هر سرزمین ، درگرو خواست و عنایت خدا است .

إلی الأرض التی برکنا فیها

۶- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند

به آن

إلی الأرض التی برکنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۶

۶- عدم امکان برخورداری زکریا (ع) از فرزند ، طبق عوامل طبیعی و بدون لطف الهی

و زکریّا إذ نادی ربّه . .. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه

از این که زکریا(ع) گفت: <خدایا مرا از تنهایی نجات ده به من فرزند عطا کن>، می توان استفاده کرد که اگر خداوند دعای او را مستجاب نمی کرد ایشان از داشتن فرزند محروم می شد و تا آخر عمر تنها می ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۷ - ۲

۲- مورد لطف و مرحمت قرار گرفتن انسان ، فلسفه دین و حکمت فرستاده رسولان

و ما أرسلنک إلّا رحمه للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، نشأت یافته از رحمت و لطف الهی به انسان ها است .

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلّی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشداری است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب

رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، ناشی از رحمت و لطف او بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی وی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و فرجام اخروی مشرکان، هشداری است به شرک پیشگان صدراسلام که اگر بر آنان عذاب نازل نمی شود، نه از ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمت او بر مردمان است و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریز ناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، معلول رحمت و لطف وی بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده; نه از باب ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ،

معلول رحمت و لطف او است ; نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۵

۵ - تسلط انسان بر زمین و بهره گیری گسترده وی از نعمت های آن ، تدبیری الهی و نشان دهنده الطاف خداوند در حق وی

و یجعلکم خلفاء الأرض

اسناد <جعل> به خداوند، برای یادآوری این واقعیت است که اگر شما بر گرده زمین سوارید و از آن سود می جویید، امری اتفاقی نیست; بلکه در آن رموز و مناسبات زیادی به کار رفته که همه وابسته به تدبیر خداوند است و بر این اساس است که قادر به تصرف در زمین و تسلط بر آن هستید. تعبیر <خلفاء الأرض> اشاره به همین تصرف و تسلط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۱۱،۱۲

۱۱ - لطف و آگاهی همه جانبه خداوند ، منشأ صدور احکامی خاص برای همسران پیامبر

قل لأزوجک . .. ینساء النبیّ ... و اذکرن ... إنّ اللّه کان لطیفًا خبیرًا

۱۲ - علم و لطف خداوند ، منشأ اعطای عصمت به اهل بیت پیامبر (ص)

إنّما یرید

اللّه لیذهب عنکم الرجس أهل البیت . .. إنّ اللّه کان لطیفًا خبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - بهشتیان ، رهایی خود از پیامد های هلاکت بار هم نشینی با کافران دوزخی را ، مدیون لطف خدا و به توفیق او می دانند .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

۲ - توفیق نجات از پیامد های هلاکت بار معاشرت با افراد فاسد و منحرف ، نعمت و لطف الهی است .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

۳ - رهایی انسان از جبر محیط اجتماعی و نیز از پیامد های سوء معاشرت با افراد فاسد و منحرف جامعه ، در سایه ایمان به خدا و لطف و عنایت او ، امری ممکن است .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

۴ - انسان ها در جامعه فاسد و محیط منحرف ، بدون ایمان به خدا و لطف او ، در معرض انحراف و هلاکت اند .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۹

۱۹ - بدون کمک و عنایت خداوند ، صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشته شدن در راه خداوند ، ممکن نیست .

إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. قال یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من

مسأله ذبح اسماعیل(ع) چنان که در آیه بعد به صراحت آمده است یک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء اللّه

من الصابرين)، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۸

۸ - رهایی انسان از گرفتاری ها و مصیبت ها ، در گرو مشیت خداوند و بسته به لطف و رحمت او است .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منیبًا إلیه ثمّ إذا خوّله نعمه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - اخطار و بیم دادن خداوند به بندگانش ، از روی لطف و مرحمت او است .

ذلک یخوّف اللّه به عباده یعباد فاتّقون

تعبیر <ای بندگان من> نشانگر اظهار لطف خداوند به بندگان خویش است. گفتنی است که اظهار لطف پس از تهدید به آتش دوزخ، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ; نه از استحقاق آنان .

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند; می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل

بعید . اللّه لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۰ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و سلب بهرهوری های دنیوی ایشان است ; ولی ریزنگری ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است .

لفی ضلل بعید . .. لطیف ... یرزق من یشاء و هو القویّ

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ گویی به یک پرسش نهفته است و آن این که: اگرمنکران معاد و گمراهان، برباطل اند پس چرا خداوند روزی خود رااز آنان دریغ نمی دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست ناپذیر او>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۸

۸ - لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

اللّه لطیف بعباده . .. و هو القویّ العزیز ... و یمح اللّه البطل

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ - < نعمت ها > برخاسته از لطف و رحمت الهی و < مصائب و سختی ها > نتیجه عملکرد خود آدمی است .

و إنّا إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه . .. و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۴

۴ - کلمه توحید ، کلمه ای ماندگار در نسل ابراهیم (ع) ، به اراده و لطف الهی

إنّنی براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی ... و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

فاعل <جعل> به قرینه آیه بعد می تواند خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۹

۹ - امکان فرزنددار شدن زن کهنسال و نازا ، در پرتو لطف و عنایت الهی

و بشّروه بغلم علیم . .. قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۱،۴،۵

۱ - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

۴ - بهشتیان ، قدردان لطف الهی اند ; نه مغرور به عمل خویش .

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

توجه پارسایان به امتنان الهی و تکیه آنان بر لطف حق، می رساند که آنان تنها عمل خویش را مایه سعادت نمی دانند و مغرور به کردار خود نیستند.

۵ - انسان ها ، بدون لطف و رحمت خداوند ، در معرض ابتلا به عذاب دوزخ اند .

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۹ – ۵

۵ – پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه کهانت و جنون ، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فما أنت

بنعمت ربّک بکاهن و لامجنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۵ – ۴

۴ – رونق کشاورزی ، نشانه لطف و رحمت الهی به انسان ها است .

لو نشاء لجعلنه حطمًا . فظلتم تفکّهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۷ – ۱۲

۱۲ – امید بستن به حل مشکلات زندگی مشترک و تبدیل شدن سختی ها به آسانی ها در پرتو لطف و عنایت خداوند امیدی شایسته و بجا برای مؤمنان

سیجعل اللّه بعد عسر یسرًا

آیه شریفه، ضمن امید بخشیدن به مردان و زنان درگیر با مشکلات زندگی مشترک، آنان را به رفع شدن مشکلاتشان در پرتو عنایت و لطف خداوند، امیدوار ساخته و به این امیدواری تشویق و ترغیب کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲ – ۵

۵ – لطف و عنایت خداوند ، سبب مصونیت انسان از جنون و هرگونه اندیشه نادرست و دور از عقل و خرد

ما أنت بنعمه ربّک بمجنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۹ – ۲،۳

۲ – نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

۳ – نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدركه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۳

۳ - هیچ کس به صورت مستقل و بدون عنایت الهی ، به حقایق پنهانی و امور غیبی آگاه نیست .

فلایظهر علی غیبه أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۵

۵ - برخورداری از توجّهات و عنایت های خداوند ، مایه خشنودی انسان و دست یافتن او به فرجامی پسندیده و رضایت بخش

ابتغاء وجه ربّه . .. و لسوف یرضی

استمرار لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۱

۱ - لطف و رحمت پیوسته خداوند نسبت به بندگان خویش

اللّه لطیف بعباده

اقرار به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - اعتراف آرزوکنندگان ثروت قارونی به لطف و رحمت خداوند در حق ایشان ، به خاطر گرفتار نساختن آنان به سرنوشت قارون (فرو نبردن آنان در

زمین)

لولا أن منّ اللّه علینا لخسف بنا

الگوی امیدواران به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۴

۴ - امیدواران به لطف خدا و معتقدان به روز جزا ، بهره مند از الگو های شایسته و الهی

لقد کان لکم فیهم . .. لمن کان یرجوا اللّه

امیدواران به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۴

۴ - امید پیامبران و تبلیغ کنندگان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما

أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

امیدواری به لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۵ – ۵

۵- بشارت دادن و امیدوار ساختن افراد بی فرزند به فرزنددار شدن در پرتو لطف و عنایت خداوند ، کاری پسندیده و ارزشمند

إنا نبشّرک بغلم . .. فلاتکن من القنطین ... من رحمه ربّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۷ – ۶

۶- رهبران الهی و مصلحان جامعه اسلامی ، در معرض تبلیغات سوء و استهزای دشمنان بوده و باید به حمایت و لطف الهی امیدوار باشند .

المستهزءین . .. و لقد نعلم أنک یضیق صدرک بما یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵ – ۱۰

۱۰- لطف و رحمت خاص الهی ، تنها نقطه امید زکریا دربرخوردارشدن از فرزند بود .

فهب لی من لدنک ولیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۵ – ۵

۵ – تنها در سایه پرهیز از گناه و توبه از خطا های گذشته ، می توان به رحمت و لطف خدا امیدوار بود .

و إذا قیل لهم اتّقوا . .. لعلّکم ترحمون

به کار رفتن کلمه <لعلّ> که برای ترجّی و امیدواری است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۸ – ۶

۶ – توبه خالصانه ، موجب امیدواری بندگان به لطف و عنایت خداوند است .

توبوا إلى اللّه توبه نصوحًا عسى ربّكم

مطلب

یاد شده، از تعبیر <عسی ربّکم> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۱

۱ - امیدواری باغداران یمنی پس از توبه و پشیمانی به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو لطف پروردگار

عسی ربّنا أن یبدلنا خیرًا منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن <حیوان> بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - دل بستن به لطف خداوند ، خود از نعمت های الهی و سزاوار پاسخ گویی و سپاس گزاری است .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزی . إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

چنانچه استثنا در این آیه، متصل باشد، <ابتغاء> از مصادیق <نعمه تجزی> خواهد بود. در نتیجه مفاد دو آیه، این می شود که: کسی نزد انفاق گر نعمتی ندارد، جز یک نعمت [که خداوند عطا کرده است] و آن حالت <ابتغاء> است. بنابراین وجود علاقه و دل بستگی به <وجه اللّه> که مایه <ابتغاء> است نعمتی است که باید بهوسیله سپاس گزاری جزا داده شود (نعمه تجزی).

اهمیت امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ -

۲- توصیه فرشتگان به ابراهیم (ع) بر مأیوس نشدن از لطف و رحمت خداوند در زندگی

قالوا . .. فلاتکن من القنطین

<قنوط> به معنای ناامید شدن از خیر است.

اهمیت لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ – برخورداری از لطف و توجّه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلاّ ابتغاء وجه ربّه الأعلی

تحصیل لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۷ – ۷

۷ – نیل به هدایت و دستیابی به رحمت و الطاف الهی ، بشارت و مژده خداوند به صبرپیشگان راه ایمان

و بشر الصبرین . .. أولئک ... هم المهتدون

جمله <أولئک علیهم . ..> می تواند بیانگر بشارت و مژده ای باشد که <و بشر الصابرین> بدان اشاره داشت; یعنی: بشرهم بأن علیهم صلوات و ...

تداوم لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۴ – ۲

۲ – خداوند ، با نوید آخرتی بهتر از دنیا برای پیامبر (ص) ، آن حضرت را به تداوم عنایت های خویش و نبود هیچ بغض و نفرتی نسبت به او ، مطمئن ساخت .

ما ودّعک . .. و للأخره خیر لک من الأولی

تفاوت مشمولان لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۱ – ۳

۳- برخورداری همه انسان ها از فیض و عطای الهی ، به صورت یکسان و مساوی نیست .

کلاًّ نمدّ

هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربّک . .. انظر کیف فضّلنا بعضهم علی بعض

حتمیت لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵ – ۱

۱ – افراط و زیاده روی مردم عصر بعثت در مخالفت با پیامبر (ص) ، مانع لطف خدا در فرستادن وحی نبود .

أفنضرب عنکم الذکر صفحًا أن کنتم قومًا مسرفین

با توجه به مقام آیه که مسأله وحی را مطرح می کند مراد از <اسراف>، افراط و زیاده روی در مخالفت با وحی خواهد بود.

ذکر لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴ – ۱۲

۱۲– برشمردن لطف و عنایت های مکرر خداوند درگذشته عمر ، زمینه جلب رحمت و لطف الهی و از آداب دعا است .

قال ربّ . .. لم أکن بدعائک ربّ شقیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۲ – ۱۰

۱۰ – لزوم توجه همیشگی انسان به امداد ها و الطاف خداوند در حق وی

قلیلاً ما تذکّرون

لحن آمیخته با سرزنش جمله <قلیلاً ما. ..> می رساند که خداوند خواهان توجه همیشگی انسان به او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۳ – ۳

۳ – توجّه پیامبر (ص) ، به ربوبیت و عنایت ویژه خداوند به او ، مایه اطمینان آن حضرت به قطع نشدن ارتباط الهی با او است

.

ما ودّعك ربّك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۲

۸ - توجّه به عنایت های خداوند در رفع مشکلات رسالت ، مایه اطمینان پیامبر (ص) به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی . .. و وضعنا عنک وزرک

زمینه لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۹

۱۹ توجه انسان به خدا و فرمانهایش ، زمینه ساز جلب لطف و رحمت او

نسوا اللّه فنسیهم

با استفاده از مفهوم جمله <نسوا اللّه . .. > برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱۲

۱۲- برشمردن لطف و عنایت های مکرر خداوند درگذشته عمر ، زمینه جلب رحمت و لطف الهی و از آداب دعا است .

قال ربّ . .. لم أکن بدعائک ربّ شقیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۶

۶ - انقطاع کامل آدم (ع) از غیر خدا و معطوف شدن تمام توجه او به خداوند ، زمینه ساز عنایت دوباره خداوند به آن حضرت بود .

اجتبه ربّه فتاب علیه

حرف <فا> گویای تفریع <تاب علیه> بر جمله قبل است که بر گردآمدن و جمع شدن همه علایق و وابستگی های آدم(ع) در توجه به خداوند دلالت داشت .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۱ - ۸

۸- لطف خداوند بر انسان ، بر اساس لياقت و شايستگى او است .

و لقد ءاتينا إبرهيم رشده و كنّا به علمين

برداشت ياد شده با

توجه به القای خصوصیت از مورد (حضرت ابراهیم(ع)) قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۹

۹- توسل و التجای ایوب (ع) به رحمت گسترده خداوند ، برای جلب لطف و عنایت او

و أیّوب . .. و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۹

۹- بهره مندی از عنایات خاص الهی ، نیازمند به تلاش و عمل خود انسان است .

کلّ من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۷۸

۷- بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند بودن زمینه های لایق و مستعد است .

۸ - عفت و پاک دامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا

برداشت یاد شده به خاطر این است که عفت و پاک دامنی مریم(س) موجب شد که او رشد پیدا کند و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار گشته و روح بلند حضرت مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۲

۲ دعا و عبادت ، موجب توجه و عنایت خدا به انسان است .

قل مایعبؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۴

۴ - ایمان به

خدا و همراهی با پیامبران ، مایه نجات و بهره مندی از لطف و رحمت الهی

و نجّنی و من معی من المؤمنین . فأنجینه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۴

۴ - ایمان به خداوند ، مایه جلب لطف و رحمت او

و نجّینه و أهله . .. إنّه من عبادنا المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۴

۴ - ایمان به خدا ، مایه جلب لطف و رحمت او

فبشّرنه بغلم حلیم . .. کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۲ - ۴

۴ - ایمان به خدا ، مایه جلب لطف و رحمت او

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما ... إنّهما من عبادنا المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۲ - ۴

۴ - ایمان به خدا ، موجب لطف و رحمت او

و ترکنا علیه فی الأخرین . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۶

۶ – عبودیت خداوند ، موجب بهره مندی از لطف و امداد الهی

ألیس اللّه بکاف عبده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۳ – ۲۲

۲۲ – مودت اهل بیت پیامبر (ص) ، زمینه ساز برخورداری انسان از غفران و لطف الهی

قل

لا أسئلكم عليه أجرًا إلّا الموده فى القربى . .. غفور شكور

با توجه به این که <إنّ اللّه غفور شكور> پس از طرح محبت اهل بیت ذکر گردیده، مطلب بالا را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۵

۵ - ایمان و عمل نیک ، زمینه بهرهوری از فضل و عنایات فزون تر خداوند

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و يزيدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - شمول لطف و رحمت الهی ، نسبت به گنه کاران ، در صورت اقدام عملی آنان به جبران گناهان

قل للمخلّفين من الأعراب . .. فإن تطيعوا يؤتكم اللّه أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۳

۳ - بهره مندی از لطف و رحمت خداوند ، منوط به شایستگی اعمال خود انسان

إنّا كنّا قبل فى أهلنا مشفقين . فمنّ اللّه علينا

از ارتباط <فمنّ اللّه. ..> با <كنّا قبل...>، استفاده می شود که عمل خود انسان زمینه ساز بهرهوری او از رحمت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۸،۱۰

۸ - عفّت و پاک دامنی مریم (س) ، زمینه ساز برخورداری او از عنایات ویژه الهی

الّتى احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا

تقدیم عبارت <الّتى أحصنت فرجها> بر <فنفخنا فيه من روحنا>، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۰ - عفّت و پاکدامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه

ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

الّتی أحصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که عفّت و پاکدامنی مریم(س)، موجب شد که او رشد کرده و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار باشد و روح بلند مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۸

۸ – توجّه به ربوبیت خداوند ، وادارسازنده انسان به تلاش برای کسب رضایت و لطف او است .

ابتغاء وجه ربّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نصر – ۱۱۰ – ۳ – ۲۲

۲۲ – تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز جلب عنایت و توجّه خداوند

فسبّح بحمد ربّک و استغفره إنّه کان توّابًا

تواب بودن خداوند، ممکن است به معنای رجوع به بندگان باشد; به این معنا که به آنان تفضل کرده آنان را بپذیرد. (برگرفته از قاموس)

سرزنش یأس از لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۵ – ۳

۳– یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتکن من القنطین

شدت لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۷

۷ - لطف و عنایت خداوند به بندگانش ، بسیار شدید است .

قل یعبادی الذین أسرفوا

برداشت بالا از ندا کردن گنه کاران با عنوان عبودیت و نیز اضافه شدن <عباد> به ضمیر جلاله <ی> به دست می آید.

شرایط بهره مندی از لطف خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۹

۹ - بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند داشتن زمینه های شایسته و مستعد است .

الّتی أحصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا

عمومیت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۰ - ۲

۲- لطف و عطای خداوند در دنیا ، فراگیر همه انسان ها از مؤمن و کافر و نیک و بد

کلًّا نمدّ هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربّک

عوامل امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خداترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

عوامل محرومیت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۴،۱۵

۱۴ غفلت از خدا و فرمان های او ، عامل سلب شدن عنایت خدا نسبت به انسان و نیازهایش

نسوا اللّه فنسیهم

۱۵ نقش اصلی عملکرد انسان ، در محرومیتش از لطف و عنایت الهی

نسوا اللّه فنسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۵

۵ - به تمسخر گرفتن مؤمنان و مضحکه قرار دادن آنان ، مایه محرومیت از لطف و رحمت الهی

فاتّخذتموهم سخریًّا . .. و کنتم منهم تضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ -

قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۲۶

۲۶ – رواج دادن فساد در جامعه ، موجب محرومیت از لطف و محبت خداوند است .

و لاتبغ الفساد فی الأرض إنّ اللّه لایحبّ المفسدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۲ – ۲

۲ – انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أرءیتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

غفلت از لطف خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۲ – ۹

۹ – انسان ها در بیشتر عمر خود ، غافل از الطاف الهی در حق خویش

قلیلاً ما تذکّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۰ – ۱

۱ – توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فلسفه لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۴

۴ فراخوانی انسان ها

به اسلام ، علت و فلسفه توجه و عنایت خداوند به آنان است .

قل مایعبؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم

لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۲

۲ - گسترش الطاف و رحمت خاص الهی بر مؤمنان صبور ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۲

۱۲ رأفت الهی به مؤمنان ، با خرید جانشان در برابر رضایت خویش

و من الناس . .. و اللّه رءوف بالعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۷

۷ نماز و حالات معنوی انسان ، زمینه دریافت الطاف خداوند

فنادته . .. و هو قائم یصلّی فی المحراب

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: انّ طاعه اللّه عزّ و جلّ خدمته فی الارض و لیس شیء من خدمته یعدل الصّلوه فمن ثمّ نادت الملائکه زکریّا و قو قائم یصلّی فی المحراب.

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۲، ب ۳۰ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۲ – ۸

۸ عنایت خاص خداوند به مریم (س)

یا مریم انّ اللّه اصطفیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۰ – ۵

۵ توجه و لطف خاص خداوند به اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا

با توجه به آیات قبل که

خطابِ مستقیم به اهل کتاب ندارد، ولی نسبت به اهل ایمان، خطابِ مستقیم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۸

۱۸ لطف و عنایت خاصّ خداوند نسبت به پیکارگران نبرد احد

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۲

۲ لطف و عنایت خداوند به کشته شدگان در راه او (شهیدان)

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۷

۷ توجّه خاصّ خداوند به مؤمنان واقعی و حمایت و پشتیبانی مستمر از آنان

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

ظاهراً مراد از <المؤمنین۹، مؤمنان خالص و واقعی می باشد و مخاطبانِ <انتم>، کلّ جامعه اسلامی اعم از خالص و ناخالص است. بنابراین معنای آیه چنین است: خداوند، مؤمنان واقعی را به حال خودشان رها نمی کند که همچنان با ناپاکان مختلط باشند و ناخالصان مشخّص نگردند. و این، حاکی از توجه خاص خداوند به مؤمنان واقعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳

۳ خردمندان مؤمن ، مورد لطف و عنایت پروردگار هستند .

فاستجاب لهم ربّهم

اجابت سریع دعای خردمندان مؤمن و نیز اضافه تشریفیّه در <ربّهم> (پروردگارشان)، دلالت بر عنایت و لطف خاصّ

خداوند به آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ –

نساء - ۴ - ۹ - ۱۲

۱۲ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورتِ رعایت حقوق یتیمان

ولیخش الّذین . .. ذریّه ضعافاً ... ولیقولوا قولاً سدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۴

۴ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت حفظ اموال یتیمان

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۸

۸ خداوند با لطف و تفضل خویش ، هر عمل نیکی را پاداشی عظیم عطا خواهد کرد .

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

لطف و تفضل از کلمه <من لدنه> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ لطف و عنایت و خیرخواهی خداوند نسبت به بندگان

انّ اللّه نعمّا یعظکم به

با توجّه به کلمه <موعظه> که در آن خیرخواهی و لطف و عنایت موعظه کننده نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۷

۷ ضعف روحیه دشمنان و ناتوانی آنان از رویارویی با مسلمانان ، از عنایات خداوند

و لو شاء اللّه لسلّطهم عليكم فلقاتلوكم

تقديم <سلطهم> بر <قاتلوكم> می رساند كه مراد از سلطه، جرأت و بيباكی است ; يعنی اگر خدا می خواست ترس را از آنان زايل می كرد و در نتيجه با شما می جنگيدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۳

۱۳ اهميت والای

نماز و زکات و عنایت ویژه الهی نسبت به اقامه کنندگان نماز

و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

منصوب آوردن <المقیمین> به تقدیر <امدح> و <اخص> برای تأکید بیشتر به اهمیت نماز و عنایت خاص خداوند به اقامه کنندگان آن است و ذکر زکات در بین دیگر عبادتها و واجبات، حکایت از اهمیت ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴۸

۴۸ بخشایش گناه بندگان از سوی خدا همراه با لطف و مهربانی بر ایشان است .

فإنّ اللّه غفور رحیم

در برداشت فوق <رحیم>، صفت برای <غفور> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۹

۱۹ عنایت خداوند به عزت و شوکت مسلمین در برابر یهود و نصارا

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او امر من عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۵

۵ الفت و مهربانی مؤمنان با یکدیگر ، و پرهیز از دشمنی ، مورد عنایت و خواست الهی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

نهی مؤکد خداوند از شرابخواری و قماربازی و معرفی شراب و قمار به عنوان عوامل تفرقه و دشمنی حکایت از آن دارد که الفت و مهربانی بین اهل ایمان مورد عنایت خاص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۴

۴ مرکزیت کعبه برای قوام مردمان ، لطف الهی به ایشان

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

لحن آیه حکایت از امتنان خداوند بر بندگان دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۹

۹ عنایت ویژه الهی به برخی هدایت یافتگان یا مستقر ساختن آنان بر راه مستقیم

یجعله علی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۹،۱۲،۱۳

۹ خداوند در عین آگاهی بر کردارهای آدمیان، به آنان لطف دارد.

هو یدرک الأبصر و هو اللطیف الخبیر

از معانی <لطیف> رفق و لطف است و مقتضای کنار هم آمدن دو صفت لطیف و خبیر، خصوصاً در صورتی که <الخبیر> صفت <اللطیف> باشد، برداشت فوق است.

۱۲ عن أبی الحسن(ع) فی حدیث: . .. انما قلنا اللطیف للخلق اللطیف و لعلمه بالشیء اللطیف او لاتری إلی اثر صنعه فی النبات اللطیف ... و من الحیوان الصغار ... و ما هو اصغر منها ما لا یکاد تستبینه العیون ... .

از ابوالحسن (امام رضا یا امام هادی علیهما السلام) روایت شده است: . .. اطلاق وصف <لطیف> بر خداوند به سبب آن است که آفریننده اشیایی لطیف است و به اشیای لطیف علم دارد. آیا نشانه آفرینش او را در گیاهان لطیف، حیوانات ریز و کوچکتر از آنها که به چشم نمی آید مشاهده نمی کنی ... ؟

۱۳ عن أبی الحسن الرضا(ع): . .. و اما اللطیف فلیس قله و قضافه و صغر، و لکن ذلک علی النفاذ فی الاشیاء و الامتناع من ان یدرک ... و کذلک لطف الله تبارک و تعالی عن ان یدرک بحد او یحد بوصف ... و اما الخبیر فالذی لا یعزب عنه شیء و لا یفوته شیء، لیس للتجربه

و لا الاعتبار بالاشياء فيفيده التجربه و الاعتبار علما ... .

از امام رضا(ع) روايت شده است: . .. <لطيف> در صفات خداوند به معناى كمى و ريزى و كوچكى نيست، بلكه اطلاق اين صفت بر ذات اقدس او به سبب نفوذش در اشيا و ممكن نبودن درك ذات بارى است ... و اما <خبير> به معناى آن است كه هيچ چيز بر او پوشيده نيست و چيزى از حيطه آگاهى او بيرون نمى باشد. آگاهى و علم خداوند از راه تجربه و اكتساب حاصل نمى شود ... .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۲

۲ ارائه آگاهى به انسان، پرتوى از ربوبيت و لطف الهى است.

قد جاءكم بصائر من ربكم

تكرار ضمير <كم> و اضافه رب به آن بيانگر لطف خداوند به بندگانش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۲

۲ پيامبر(ص) از لطف و عنايت ويژه خداوند برخوردار است.

اليك من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۴

۴ موسى (ع) با تكيه بر لطف خداوند به بنى اسرائيل در نجات بخشى آنان از شكنجه فرعونيان ، لزوم پرستش خداى يگانه و پرهيز از گرايش به شرك را به آنان گوشزد كرد .

قال أغير اللّه أبغيكم إلهاً . .. و إذ أنجينكم من ءال فرعون

برداشت فوق بر اين اساس است كه مفاهيم ذكر شده در آيه مورد بحث برگرفته از سخنان موسى باشد و مخاطبان اصلى آن همان مردمى باشند كه

پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۰ - ۴

۴- نعمت ها و امکانات مادی ، لطف و عطای خداوند و امداد او برای آدمیان است .

کلاًّ نمدّ . .. من عطاء ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهرهوری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - پیدایش دوستی و محبت میان انسان ها ، برخاسته از لطف و عنایت خداوند و از آیات او است .

و من ءایته . .. و جعل بینکم مودّه و رحمه

نکته فوق بنابر این احتمال است که خطاب <و جعل بینکم مودّه. ..> خطاب به همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۶

۶ - هشدار خداوند از فریب خوردن به وسیله عوامل اغواگر (همچون شیطان) درباره خدا و لطف و بخشش او

و لایغرنّکم باللّه الغرور

<باء> در <باللّه> برای

ملابست است که بر سر مضاف مقدر (مانند <بشأن اللّه>) وارد شده است و مراد از <الغرور> به قرینه آیه بعد شیطان می باشد. طبق نظر مفسران، مقصود از فریب خوردن درباره خدا، می تواند این باشد که شیطان انسان را به عفو و بخشش خداوند مغرور می سازد و او را به تکرار گناه، روی آوردن به متاع های دنیا و غفلت از آخرت سوق می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲۰

۲۰ - عزت و اقتدار خداوند ، توأم با رحمت و لطف او است .

و هو العزیز الغفور

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <غفور> صفت برای عزیز باشد.

محرومان از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت لطف خویش را از کتمان کنندگان احکام و معارف دین دریغ کرده و با آنان سخن نخواهد گفت .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه . .. لایکلمهم اللّه یوم القیمه

جمله <ولایکلمهم اللّه> کنایه از خشم خدا و دریغ کردن لطف و رحمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۱۳

۱۳ منافقان ، محروم از عنایت و توجه خدا به خاطر نسیان و غفلت آنان از او

المنفقون و المنفقت . .. نسوا اللّه فنسیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۶

۶– کافران دوزخی ، از هر گونه لطف و رحمت خداوند محروم اند .

و لا هم ینظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد و از ماده <نظره> باشد که به معنای رحمت است (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۲ – ۵

۵ – طرد شدن از لطف و رحمت حق ، فرجام شوم فرعونیان و پیشوایان کفر در روز رستاخیز

و جعلنهم أئمه یدعون إلی النار . .. و یوم القیمه هم من المقبوحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۱۶

۱۶ – انسان های مغرور و سرمست ، محروم از لطف و محبت خداوند

إنّ اللّه لایحبّ الفرحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۲۷

۲۷ – فساد گران ، از لطف و محبت خداوند محروم اند .

و لاتبغ الفساد فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۴ – ۲،۳

۲ – کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قیل الیوم ننسیکم

۳ – محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است

.

و قیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که <کما> در <کما نسیتم> برای تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۸

۸ - کافران و روی گردانان از عبادت خداوند ، دور ماندگان از هدف آفرینش و عنایت حق *

و ما خلقت . .. إلّا لیعبدون

از این که هدف الهی از آفرینش انسان، پرستشگری حق دانسته شده، استفاده می شود که کافران از هدف عالی خلقت که مورد نظر حق بوده دور مانده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۳ - ۳

۳ - مدعیان بی عمل ، مبغوض خداوند و بی بهره از لطف و مهر او

کبر مقتًا عند اللّه أن تقولوا ما لاتفعلون

<بغض> نقطه مقابل <حبّ> است. به همین جهت در آیه بعد، نسبت به مؤمنانی که به گفته های خود پایبند می باشند، فعل <یحبّ> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقًا لأصحب السعیر

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۱۰

۱۰ - جوامع اسرافگر ، مستحق محرومیت از برکات و الطاف الهی

أن کنتم قومًا مسرفین

آیه شریفه،

نشانگر آن است که مسرفان، استحقاق محرومیت از نزول وحی را دارند; ولی لطف بی کران الهی موجب شده است که وحی ادامه یابد.

محرومیت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

مراتب لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۶

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد للّه الذی نجّنا من القوم الظلمین

مشمولان لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۱

۱ - الطاف و عنایت های خداوند ، ثناء و درود او و رحمت خاصش همواره بر مؤمنان صبرپیشه ، سایه گستر است .

أولئک علیهم صلوت من ربهم و رحمه

صلاه به معنای توجه کردن و مورد مهر قرار دادن است. (الکشاف)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتمون . .. لایکلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله

<إن الذين . .. لايكلمهم اللّه> استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۴۳ – ۳

۳ پيامبر (ص) ، برخوردار از لطف و محبت ويژه خداوند

عفا اللّه عنك

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۳۱ – ۲

۲– بندگان راستين و مؤمن برخوردار از لطف و عنايت ويژه خداوند و داراى مقام و منزلتى خاص در پيشگاه او

قل لعبادى

برداشت فوق بر اين اساس است كه اضافه در <عبادى> تشريفيه باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۳۴ – ۱۰

۱۰– انسان ، مورد لطف و عنايت خاص خداوند و داراى مقام و مرتبه ويژه در پيشگاه اوست .

و ءاتيكم من كلّ ما سألتموه و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۳ – ۷

۷– حضرت ابراهيم (ع) برخوردار از عنايت ويژه خداوند و بقاى نسل او ، مورد توجه خاص الهى بود .

قالوا لاتوجل إنا نبشّرك بغلم عليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۱ – ۲

۲- خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلمّا جاء ءال لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خانـدان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداونـد به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۳

۳- پیامبر (

ص) دارای شخصیتی والا در نزد پروردگار و برخوردار از عنایت و لطف ویژه او

فوربّک

از اینکه خداوند در سوگند خویش پیامبر(ص) را مخاطب قرار داد و فرمود: <سوگند به پروردگار تو. ..> برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۹ - ۵

۵- پیامبر (ص) تحت تربیت و عنایت ویژه خداوند

و اعبد ربّک حتی یأتیک الیقین

اضافه صفت <رب> به کاف خطاب که مرجع آن پیامبر است با توجه به این نکته که خداوند <رب> همه بندگان است، می تواند به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۵

۱۵- انسان ، بهره مند از لطف خاص خداوند و برخوردار از کرامت و مقام ویژه در جهان

و الله جعل لکم من بیوتکم . .. و جعل لکم من الجبال ... لعلّکم تسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۱،۲،۵

۱- حمایت و لطف الهی ، همراه تقواپیشگان است .

إن الله مع الذین اتّقوا

۲- نیکوکاران ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

إن الله مع . .. الذین هم محسنون

۵- هدایت گران و مبلغان صابر دین ، در قبال مکر ها و اذیت و آزار دشمنان ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

و اصبر . .. إن الله مع الذین اتّقوا و الذین هم محسنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۰ – ۴

۴– نعمت ها و امکانات مادی ، لطف

و عطای خداوند و امداد او برای آدمیان است .

كلاًّ نمدّ . .. من عطاء ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۰ – ۷

۷- پیامبر (ص) ، تحت ربوبیت و عنایت ویژه خداوند

إن ربّک أحاط بالناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۴ – ۲

۲- پیامبر (ص) ، در مواضع دینی اجتماعی خویش به عنایت خداوند معصوم بود .

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۵ – ۱۰

۱۰- پیامبر (ص) ، تحت عنایت ویژه و ربوبیت خاص خداوند

من أمر ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۵ – ۲

۲- ذوالقرنین ، در پرتو لطف پروردگار ، برخوردار از امکانات مادّی بسیار ، بهره مند بود .

قال ما مکّنّی فیه ربّی خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲ – ۶،۷

۶- بنده نوازی و مهرورزی خداوند ، مایه برخورداری پیامبر (ص) از تربیت ها و الطاف او است .

ذکر رحمت ربّک عبده

این که خداونـد، رحمت بر بنـده اش زکریـا را با تعبیر <ربّک> خطاب به پیامبر(ص) بیان کرد، اشاره به این نکته دارد که او در راستای تربیت آن حضرت نیز از رحمت بر بنده خود دریغ نخواهد کرد.

۷- < کهیعص > ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیعص

. ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

گفته اند: <کهیعص> می تواند مبتدا باشد و <ذکر>، خبر آن. در این صورت خود <کهیعص>، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۷

۷- یحیی (ع) درپرتو عنایت های خداوند ، دوست دار او و سرشار از اشتیاق به وی بود .

حنانًا من لدنّا

دراین برداشت، وصف <حناناً> بیانگر مهر و محبتی است که خداوند آن رانسبت به خود، به یحیی(ع) عطا فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۶

۶- حضرت مریم (س) مورد عنایت ویژه خداوند و دارای کرامت بود .

و هزّی إلیک . .. تسقط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۸،۱۹،۲۱

۱۸- حضرت ابراهیم (ع) ، پیوسته مشمول نیکی و لطف ویژه خداوند بود .

إنّه کان بی حفیًّا

<حفیّ> یعنی کسی که کمال نیکی و گرامیداشت را در حق دیگری دارد (برگرفته از <لسان العرب>) و <کان> در این موارد، مفید ثبوت و دوام است، لذا مضمون جمله چنین است که خداوند همواره مرا مورد عنایت و لطف خویش قرار داده است. از معانی <حفیّ>، <عالم> نیز می باشد، ولی آنچه ذکر شد، با آیه تناسب بیشتری دارد.

۱۹- پیامبران و بندگان محبوب خداوند ، مشمول نیکی و لطف بسیار او هستند .

إنّه کان بی حفیًّا

۲۱- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم (ع) ، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت

او

قال سلم علیک . .. إنّه کان بی حفیًّا

جمله <إنّه کان بی حفیّاً> پاسخ ابراهیم(ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد; یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۲

۲- خداوند ، عطاکننده بهشت به تقواپیشگان است .

نورث من عبادنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۶

۶- خداوند به پیامبر (ص) عنایت و لطف خاص داشته و او در قبال انکارکنندگان معاد ، دلجویی کرده است .

فوربّک لنحشرنّهم والشیطین

ضمیر <فوربّکَ> خطاب به پیامبر(ص) است. عنایت به آن حضرت هنگام قسم خوردن خداوند به نام مقدس خویش، نوعی اظهار لطف و دلجویی از پیامبر(ص) در قبال خیره سری های کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۰

۱۰- عنایت ویژه خداوند به پیامبر (ص) در خطاب های قرآنی

عند ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۷ - ۳

۳ - خداوند نسبت به موسی (ع) لطف و عنایت ویژه ای داشت .

و ما تلك بیمینک یموسی

روشن است که پرسش خداوند از موسی(ع) به جهت کسب اطلاع نبوده است، بلکه این سؤال می تواند آغاز باب گفت وگو باشد و علاوه بر توجه دادن موسی به استثنایی نبودن عصایش، اضطراب و هراس آن حضرت را نیز برطرف سازد; طرح این پرسش

و نیز خطاب دو باره <یاموسی> نشانه ابراز لطف و عنایت الهی به موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۹ - ۲

۲ - مکالمه خداوند با موسی (ع) ، همراه با ابراز لطف و رأفت به آن حضرت بود .

یموسی . .. قال ألقها یموسی

تکرار اسم، نشانه ابراز کمال علاقه به مخاطب است. در این آیات، علاوه بر لحن محبت آمیز آیات، نام موسی(ع) در خطاب الهی چند بار تکرار گردیده است که نشان از لطف و عنایت خاص خداوند به آن حضرت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۷

۷ - موسی (ع) ، بسیار مورد عنایت خداوند بود .

یموسی

اجابت سریع خواسته های موسی(ع) و تکرار تصریح به نام وی، بر توجه و عنایت خداوند به موسی(ع) دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۲،۳

۲ - موسی (ع) پیش از گام نهادن در وادی طوی نیز مورد لطف و عنایت و مشمول نعمت سنگین خداوند شده بود .

و لقد مننّا علیک مرّه أُخری

۳ - برخورداری موسی (ع) از نعمت بزرگ خداوند در گذشته ، مایه اطمینان او به اجابت حتمی خواسته هایش در وادی طوی بود .

و لقد مننّا علیک مرّه أُخری

تعبیر <لقد> نشانه سوگند است. خبر از گذشته همراه با تأکید، برای ایجاد اطمینان نسبت به وعده های مربوط به آینده (أُوتیت سؤلک) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ -

طه - ۲۰ - ۳۸ - ۲

۲ - موسی (ع) از طفولیت ، مورد عنایت ویژه خداوند قرار داشت .

إذ أوحینا إلی أُمّک مایوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۱۶

۱۶ - محبوبیت یافتن در دل ها ، لطف و عنایتی الهی است .

و ألقیت علیک محبّه منّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۵،۶

۵ - بنی اسرائیل ، مورد عنایت و لطف الهی ، در عصر ستم دیدگی و شکنجه شدن از سوی فرعونیان

أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، به جهت تکریم بنی اسرائیل و اظهار لطف به آنان است. این امر، زمانی صورت گرفته که آنان در بند حکومت فرعون و شکنجه های او بودند. خداوند با تعبیر <عبادی> بر رفتار فرعونیان که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته بودند خط بطلان کشیده و آنان را تنها بنده خود معرفی کرده است.

۶ - بندگان مظلوم و تحت شکنجه حکومت های ظالم ، مورد عنایت و لطف خداوند

أسر بعبادی

یادکردن از بنی اسرائیل به عنوان <عبادی> در حالی که تحت ستم و شکنجه های فرعون قرار داشتند; دلالت براین نکته دارد که بندگان تحت شکنجه ظالمان (در صورتی که خواستار رهایی باشند) مورد نظر و عنایت خداوند قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۳

۳- حضرت موسی و هارون (ع) ، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند .

و لقد ءاتينا موسى و

هرون الفرقان

با توجه به معنای لغوی <فرقان> (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۱،۴

۱- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده

۴- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <من قبل> پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۴،۵

۴- ابراهیم (ع) از امداد و لطف ویژه الهی در انجام رسالت خویش برخوردار بود .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

۵- مبلّغان و دعوت کننـدگان به توحید و معارف الهی ، در شرایط حساس و خطیر از لطف و امداد خداوند برخوردار خواهند شد .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

نقل داستان نجات ابراهیم از آتش، می توانـد به منظور دلداری به پیامبراسلام(ص) و مؤمنانی باشد که در شرایط دشوار مکه زنـدگی می کردنـد. همچنین برای بیان این نکته باشد که چنین امدادی، شامل حال تمامی یکتاپرستان و مبلغان دین توحیدی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۹

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند

از لطف ویژه خداوند

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

نجات خانـدان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداونـد به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است; زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذّبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۳۸

۳- حضرت سلیمان (ع) ، مورد توجه و عنایت خداوند ، حتی در زمان داوود (ع)

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث . .. ففهّمنها سلیمن

۸- داوود (ع) برخوردار از مقام والا در پیشگاه خداوند و بهره مند از لطف ویژه او

و سخّرنا مع داود الجبال یسبّحن و الطیر

از آن جـایی که خداونـد، کوه هـا و پرنـدگان را برای هم آوایی با داوود(ع) در تسبیـح الهی تسـخیر و رام کرد با آن که همه پدیده ها در حال تسبیح او هستند می تواند برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۰

۱۰- زکریا (ع) از عنایت و لطف ویژه خداوند برخوردار بود .

فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا

تکرار <له> (برای او)، می تواند حاکی از عنایت خاص خداوند به زکریا(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۶

۶- عفت و پاک دامنی مریم (س) ، زمینه ساز برخورداری وی از عنایات ویژه الهی بود .

التی أحصنت فرجها

فنخنا فیها من روحنا

تقدم عبارت <والتی أحصنت فرجها> بر <فنفخنا فیها من روحنا> می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا . .. أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۵

۵ مسلمانان ، مورد توجه و عنایت خدا هستند .

قل مایعبؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونی ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به این که آیه پیش به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام اشاره دارد، در این آیه پیامبر مورد خطاب قرار گرفته

که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت و لطف

ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت مشرکان صدراسلام، این آیه پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد. (چنان که دشمنان هود(ع) را سرکوب کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به بیان سرگذشت صالح(ع) و ثمودیان و فرجام هلاکت بار آنان در آیات پیشین و تعریض آیه قبل به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام، در این آیه خطاب را متوجه پیامبر(ص) نموده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت شرک پیشگان صدراسلام، در این آیه پیامبر را مخصوص به خطاب قرار داده; می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران

نباش، زیرا ما همان گونه که لوط(ع) را مورد حمایت قرار دادیم و قوم فاسدش را از میان برداشتیم، تو را نیز در حمایت خویش قرار خواهیم داد و با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

ذکر آیه <إنّ ربّک. ..> پس از بیان ماجرای شعیب(ع) و مردم ایکه،این پیام را دارد که ای پیامبر! همان گونه که خداوند، شعیب(ع) را تحت حمایت خود قرار داد و مردم ایکه را از میان برداشت; تو را نیز در حمایت ویژه خود قرار خواهد داد و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا و قالا الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۹

۹ - الطاف الهی در حق داوود و سلیمان (ع) ، الطافی آشکار برای همگان

و قال یأیّها الناس . .. إنّ هذا لهو الفضل المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۵

۵ - مادر موسی ، برخوردار از منزلتی بلند در پیشگاه خداوند و

مورد لطف و عنایت ویژه او

و أوحینا إلی أُمّ موسی . .. و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

مادر موسـی، در این بخش از آیات محور داسـتان موسی قرار گرفته است و این می تواند حاکی از منزلت و جایگاه بلند او در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، برخوردار از لطف و رحمت ویژه خداوند

و لکن رحمه من ربّک

نکره آمدن <رحمه> نشانگر ویژه بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۰ - ۶

۶ - زندگی هدایت یافتگان در جهان آخرت ، زندگی در جوار لطف و رحمت بیکران خداوند است .

و ما عند اللّه خیر و أبقی

با توجه به قید <عنداللّه> (نزد خدا) که می تواند کنایه از لطف و رحمت واسعه او باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

و ربّک یخلق

اضافه در <ربّک> تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۹ – ۱

۱ – پیامبر (ص) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

و ربّک یعلم

اضافه در <ربّک> تشریفیه و رساننده مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۶ – ۷

۷ – پیامبر (ص)

، از لطف و عنایت ویژه خداوند برخوردار بوده است .

إلاّ رحمه من ربّک

تعبیر <ربّک> به صورت اضافه تشریفی <ربّ> به <کاف>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۶ - ۱

۱ - مسلمانان مکه ، مورد توجه ویژه خداوند بودند .

یعبادی الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۶ - ۷

۷ - مؤمنان راستین ، تحت عنایت و توجه ویژه پروردگارند .

یدعون ربّهم

اضافه <ربّ> به ضمیر <هم> که مرجع آن مؤمنان است با توجه به این که پروردگار، ربّ همه انسان ها است، می تواند به نکته یاد شده اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) تحت توجه و عنایت ویژه خداوند بود .

إنّ ربّک هو یفصل

اضافه <ربّ> به ضمیر مخاطب که مرجع آن پیامبراکرم(ص) است می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۷

۷ – پیامبر (ص) از عنایت ویژه خداوند ، برخوردار بود .

ما یوحی إلیک من ربّک

اضافه شدن <ربّ> به ضمیر مخاطب مفرد که مرجع آن پیامبر(ص) است با توجه به این که خداوند، ربّ همه مؤمنان و انسان ها است، از عنایت ویژه خداوند به آن حضرت حکایت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱،۱۱

۱

- خداوند ، عطاکننده فضیلت هایی برای سلیمان (ع)

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و لسلیمن

<لسلیمان> عطف به <داود> در آیه قبل و متعلق به فعل محذوف <سخّرنا> است.

۱۱ - مسخّر و رام بودن جنّیان برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا فضلاً . .. و لسلیمن ... و من الجنّ من یعمل بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۷

۷ - مترفان ، خود را مورد عنایت ویژه خدا می دانند .

و قالوا نحن أکثر أمولاً و أولدًا و ما نحن بمعذّبین

به قرینه جوابی که خداوند در آیه ۳۷ به مترفان داده است، به دست می آید که این کلام از ناحیه آنان، احتمالاً به منظور نکته یاد شده گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

قل إنّ ربّی یبسط الرزق

سفارش خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر اعلام منشأ قبض و بسط روزی بندگان، با عبارت <ربّی> آمده است. چنین تعبیری حکایت از این حقیقت می کند که خداوند، در صدد معرفی موقعیت پیامبر(ص) در پیشگاه خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، مورد توجه و عنایت ویژه پروردگار

إنّ ربّی

گفتنی است که سفارش خداوند به پیامبر(ص) برای اعلام منشأ قبض و بسط روزی بندگان، با عبارت <إنّ ربّی> آمده است.

چنین

تعبیری، حکایت از این حقیقت می کند که خداوند، در صدد معرفی موقعیت پیامبر(ص) در پیشگاه خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۴

۴ - پیامبر اکرم (ص) ، تحت عنایت ویژه خداوند

قل إنّ ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۸

۸ - پیامبراکرم (ص) ، مورد عنایت ویژه خداوند

فبما یوحی إلیّ ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - انسان ، مورد لطف خداوند و برخوردار از جایگاه ویژه در پیشگاه او

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها و أخرجنا منها حبًّا فمنه یأکلون

احیای زمین و رویاندن دانه ها از آن برای تغذیه انسان، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . .. و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

برداشت

یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۷ - ۳

۳ - بقای نسل نوح (ع) برای همیشه تاریخ ، از نعمت ها و الطاف ویژه الهی به ایشان

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۸ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۴،۶

۴ - لطف و عنایت خدا ، موجب شکست توطئه مشرکان علیه ابراهیم (ع) و پیروزی آن حضرت در برابر آنان

فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

<أسفل> (مفرد <أسفلین>) در اصل به معنای فروتر است؛ ولی در آیه شریفه کنایه از شکست و به معنای مغلوب می باشد؛ زیرا انسانِ غالب، احساس برتری و انسان مغلوب، احساس فروتری می کند.

۶ - جبهه حق ، برخوردار از امداد های غیبی و لطف و کمک الهی

فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

برداشت یاد شده به خاطر این

نکته است که ذکر داستان ابراهیم(ع) برای مسلمانان، به عنوان الگو و نمونه ای از دو جریان حق و باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۲

۲ - برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۱

۱ - ابراهیم و اسحاق (علیهماالسلام) ، برخوردار از برکات و فیوضات الهی

سلم علی إبرهیم . .. و برکنا علیه و علی إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون(علیهماالسلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود; ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها

و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهماالسلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام بر شمردن نعمت های خدا به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۳،۵

۳ - یونس (ع) ، مورد لطف ویژه خداوند و برخوردار از امداد او

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

۵ - دعا و تسبیح یونس (ع) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنّه کان من المسبّحین . .. و أنبتنا علیه شجره من یقطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۵

۵ - شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین ، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - خداوند ، خانواده از دست

رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از <و وهبنا له أهله> چیست; میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی برآنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. ۲ برخی دیگر برآنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند; ولی از اطراف او که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلاـ بود پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۲ – با عنایت خداوند ، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به سوی آن حضرت بازگشتند .

و وهبنا له أهله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۴ – ۴

۴ – ایوب (ع) و همسرش ، مورد لطف و عنایت خداوند بودند .

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) برای وفای به سوگند خود به شکلی آسان، در حقیقت لطف و عنایت الهی به ایشان بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۴ – ۳

۳ – برخوردار شدن تقواپیشگان از بهشت و نعمت های جاویدان آن ، براساس لطف و عنایت خدا به ایشان است ; نه به خاطر استحقاق و حق آنان بر خدا .

جنّت عدن . .. هذا لرزقنا ما له من نفاد

تصریح بر خدادادی بودن بهشت و نعمت های آن در حالی که خدادادی بودن آن بر کسی پوشیده نیست

می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۳

۳ - بندگان مؤمن ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند .

یعباد الذین ءامنوا

برداشت بالا از تعبیر <یعباد> (ای بندگان من) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۶

۶ - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقواپیشگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید; زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً ـ زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۴،۵،۸

۴ - بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده; ولی در عین حال فرموده است: پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز در صورت صالح بودنشان وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد می تواند نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

۵ - قرب و منزلت مؤمنان تائب و پیرو دین در پیشگاه

خداوند و لطف ویژه الهی به آنان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

۸ - بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

یاد کردن مسأله بودن پدران و. .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حدی نیستند که مانند مؤمنان باشند (هرچند صلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد; زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

و أورثنا بنی إسرءیل الکتب

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره اعطای کتاب به دست می آید; زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده است تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - مصون ماندن امت پیامبر (ص) از نابودی و کیفر دنیوی ، در پرتو عنایت ربوبی خداوند به آن حضرت است . *

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <هم> در <بینهم>، مربوط به کفار عصر بعثت باشد و نه قوم موسی. و از آن جا که خداوند در موارد امهال، تعبیر به <ربّک>

نموده است که نشانه عنایت ویژه خداوند به پیامبر(ص) می باشد مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۸

۸ - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لکم من أنفسکم أزوجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعید . اللّه لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از قرب خداوند و مورد عنایت ویژه او در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۶،۲۰

۱۶ - جبران کاستی اعمال نیک مؤمنان ، از سوی خداوند

و من یقترف حسنه نزد له فیها حسنًا

برداشت یاد شده بنابر نظر عده ای از مفسران است که <نزد له فیها حسناً> را بدین معنا گرفته اند: اگر در انجام عمل نیک

نقص و کاستی باشد، خداوند آن را جبران نموده و بر حسن آن می افزاید.

- ۲۰

پذیرش کمترین عمل نیک مؤمنان از سوی خداوند ، نشانی از ارج گذاری او به بندگان خود

و من یقترف حسنه . .. إنّ اللّه غفور شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۶

۶ - لطف بی کران الهی نسبت به آدمیان ، حتی انسان های گنه کار

یقبل التوبه عن عباده

از این که خداوند توبه همه گنه کاران را می پذیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۶

۶ - انسان ها ، با وجود گناه کاری و ناسپاسی ، برخوردار از فضل و عنایت بی کران الهی

و یعف عن کثیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۶

۶ - عنایت خداوند به هدایت تمامی انسان ها ، حتی مشرکان ستیزه جو

أفنضرب عنکم الذکر صفحًا أن کنتم قومًا مسرفین

آیه شریفه، نشانگر لطف و رحمت الهی است; بدین صورت که خداوند، حتی با مخالفت فراوان مشرکان، از فرو فرستادن قرآن دریغ نورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۵

۵- بنی اسرائیلِ گرفتار در چنگال فرعونیان ، مورد عنایت و عطوفت پروردگار

فأسر بعبادی

به کار رفتن تعبیر <عبادی> در حق بنی اسرائیل، بیانگر مطلب یادشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۵

۵- دور ماندن بهشتیان از ناگواری های جهنم ، در پرتو لطف و حمایت خداوند

و وقهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۸

۸ - نعمت ها و منافع دریا ، نمود لطف و فضل الهی برای آدمیان

سخّر لکم البحر . .. و لتبتغوا من فضله

از این که بر منافع نهفته در دریا <فضل الهی> اطلاق شده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، قومی برگزیده و مورد عنایات الهی در گذشته تاریخ

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۴

۴- شهیدان ، برخوردار از آسودگی خاطر در پرتو عنایت خداوند *

و یصلح بالهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <بال>، به معنای قلب و خاطر باشد و <إصلاح> به معنای زدایش نگرانی ها و آرامش بخشیدن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۲

۲- دلدادگان به وحی و سخنان رسول (ص) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند در ره یابی به حق

و منهم من یستمع إلیک . .. و الذین اهتدوا زادهم هدًی

<والذین اهتدوا> معرف چهره هایی است که برخلاف هواپرستان و قلب های مهر شده، با استماع سخنان پیامبر(ص) و پیام قرآن، بر هدایتشان افزوده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۸ – ۱۲

۱۲ – حضرت ابراهیم (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه الهی و بقای نسل او مورد توجه خداوند

و بشّروه بغلم علیم

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۷

۷ - بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فکهین بما ءاتیهم ربّهم و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۷

۷ - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذین ءامنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمن ألحقنا بهم ذرّیّتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۱

۱ - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فمنّ اللّه علینا و وقینا عذاب السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۶

۶ - پیامبراکرم (ص) ، مورد عنایت ویژه پروردگار و برخوردار از نعمت خاصه او

فما أنت بنعمت ربّک بکاهن و لامجنون

<باء> در <بنعمت> برای ملابست و <بنعمت ربّك> حال از ضمیر <أنت> است; یعنی، <حالکونك مصاحباً نعمت ربّك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، در پرتو ربوبیت ویژه الهی و در منظر عنایت و حمایت او

و اصبر لحکم ربّک فإنّک بأعیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت

از مهلکه طوفان ; و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات. ..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود; اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۴

۴ - پیامبراکرم (ص) مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و یبقی وجه ربّک

با این که خداوند پروردگار همه انسان ها است ، اضافه <ربّ> به ضمیر <ک> اضافه تشریفی و بیانگر لطف و عنایت ویژه خداوند نسبت به آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۱

۱ - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً . .. لأصحب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۴ – ۷

۷ – پیامبر (ص) ، مورد عنایت و توجه ویژه خداوند

فسبّح باسم ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر <ک> اضافه تشریفی و بیانگر مطلب بالا

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۶ – ۷

۷ – پیامبراکرم (ص) ، مورد عنایت و توجه ویژه خداوند

فسبّح باسم ربّک

اضافه <ربّ> به <کاف>، اضافه تشریفی و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۹ – ۸

۸ – صدیقان و شهدا (گواهان) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

الصدّیقون و الشّهداء عند ربّهم

اضافه <ربّ> به ضمیر <هم> اضافه تشریفی و بیانگر توجه خاص و عنایت ویژه خداوند به صدیقان و شهدا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۸ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، در قیامت به مؤمنان تقواپیشه نوری عطا خواهد کرد که در پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۷ – ۱۲

۱۲ – پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه ... و اللّه شکور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق

گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۱،۱۳

۱۱ - زنان مطلّقه و شوهران تنگ دست آنان در صورت رعایت آموزه ها و رهنمود های الهی مورد عنایت

و حمایت خدا قرار می گیرند .

سیجعل اللّه بعد عسر یسرًا

۱۳ - عنایت و لطف ویژه خداوند ، نسبت به قشر آسیب پذیر و محروم جامعه در تعالیم و تکالیف خویش

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه . .. سیجعل اللّه بعد عسر یسرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <سیجعل اللّه . ..> ناظر به تنگدستان (من قدر علیه رزقه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۱

۱ - اظهار لطف و شفقت خداوند ، نسبت به پیامبر (ص)

یأیّها النبیّ لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک

در دیدگاه برخی از مفسران، ندای <یا أیّها النبیّ>، برای تشریف و تکریم پیامبر(ص) است. بر این اساس، عتاب <لِمَ تحرّم> عتاب حقیقی و برای سرزنش نیست; بلکه نوعی اظهار لطف و شفقت به آن حضرت است. از این رو خداوند اجازه فرمود که سوگند خود را بشکند و از قید آن آزاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ - عنایت ویژه خداوند به پیامبر (ص) ، با آگاه کردن ایشان از امور پنهانی علیه آن حضرت

و أظهره اللّه علیه . .. قال نبّأنی العلیم الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، تحت تربیت خداوند و مورد عنایت و لطف ویژه او

بنعمه ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۹ – ۱

۱ –

یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۲ - ۶

۶ - پیامبر اسلام (ص) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

فسبّح باسم ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر <ک>، اضافه تشریفی و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۶

۶ - انسان و آفرینش او ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا . لتسلکوا منها سبلاً فجاجًا

خداوند، کره زمین را به گونه ای آفریده که برای بشر قابل بهرهوری باشد و نیز آن را در جهت مصالح و منافع او آفریده است. از این نکته می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

یأیّها المزّمّل

خطاب به پیامبر(ص) در حال استراحت و جامه به خود پیچیده به جای خطاب با عنوان رسول و بنی می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

یأیّها المدّثّر

خطاب به پیامبر(ص) در حالی که آن حضرت ردا بر تن پیچیده است به جای خطاب با عنوان رسول و نبیّ می تواند

بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۲ – ۳

۳ – پیامبر (ص) ، مورد عنایت ویژه خداوند در روز رستاخیز و انتقام گیرنده از دشمنان آن حضرت

إلی ربّک یومئذ المستقرّ

اضافه <ربّ> به ضمیر مخاطب (پیامبر(ص)) می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۳ – ۲

۲ – مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی چشم دوخته اند .

إلی ربّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلی ثواب ربّها ناظره>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۶ – ۳

۳ – ابرار ، بندگان خاص خدا و مورد عنایت ویژه او

عینًا یشرب بها عباد اللّه

تعبیر آوردن از <ابرار> به <عباد اللّه>، بیانگر برداشت بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۸

۸ – ابرار ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند و دارای جایگاه بلند در پیشگاه او

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

از این که آیه شریفه، کار نوشاندن را به خداوند نسبت داده است، می توان به برداشت یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - رحمت و لطف خداوند به مؤمنان و کیفر و عذاب ظالمان از سوی او ، براساس علم و حکمت او است .

إنّ اللّه کان علیمًا حکیمًا . یدخل من

يشاء فى رحمته و الظلمين أعدّ لهم عذابًا أ

برداشت ياد شده، بر اين فرض مبتنى است كه جمله <يدخل من يشاء. ..>، خبر براى <إنّ> در <إنّ اللّه> و جمله <كان اللّه عليماً حكيماً>، معترضه و يا حال باشد. بر اين اساس توصيف خداوند به علم و حكمت، اشاره به اين دارد كه كار خدا (رحمت يا عذاب)، مبتنى بر علم و حكمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۶ - ۱

۱ - آگاهى پيامبر (ص) بر وحى و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن ، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنايت ويژه او بود .

سنقرئك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - برخوردارى از لطف و توجّه خداوند ، شايسته ترين پاداش براى انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقى . الذى يؤتى ماله ... إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ضحى - ۹۳ - ۳ - ۶

۶ - با وجود ربوبيت و عنايت ويژه خداوند به پيامبر (ص) ، موردى براى خشم و بى مهرى به آن حضرت وجود نداشت .

ربّك و ما قلى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ضحى - ۹۳ - ۴ - ۲،۵

۲ - خداوند ، با نويد آخرتى بهتر از دنيا براى پيامبر (ص) ، آن حضرت را به تداوم عنايت هاى خويش و نبود هيچ بغض و نفرتى نسبت به او ، مطمئن ساخت .

ما ودّعك .

.. و للأخره خیر لک من الأولی

۵ - قرآنْ پیشاپیش ، رهایی پیامبر (ص) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

و للأخره خیر لک من الأُولی

مراد از <آخرت> و <اُولی> چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر(ص) چنانچه برخی از مفسران احتمال داده اند آیه شریفه سلامت کامل پیامبر(ص) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱،۳،۴،۵،۶

۱ - زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

۳ - عطیه های خداوند به پیامبر (ص) در جهان آخرت ، جلوه ربوبیت او و در راستای رشد و کمال آن حضرت است .

یعطیک ربّک

۴ - خرسندی پیامبر (ص) در جهان آخرت ، مرهون عطای بی شمار الهی است .

یعطیک . .. فترضی

حرف <فاء> دلالت دارد که آنچه رضایت پیامبر(ص) را در پی خواهد داشت، عطای مداومی است که فعل <یعطیک> بر آن دلالت دارد. گفتنی است که در آیه شریفه، دو نکته نهفته است: ۱. خداوند، عطای خود را به رسول اللّه(ص) افزایش می دهد تا حدی که او را راضی سازد. ۲. خداوند، هر چه را پیامبر(ص) دوست دارد و به آن راضی است، در اختیار آن حضرت می

نهد.

۵ - عطا های رضایت بخش خداوند در آخرت ، دلیل برتری زندگی اخروی پیامبر (ص) بر دنیای آن حضرت است .

و للأخره خیر لک من الأُولی . و لسوف یعطیک ربّک فترضی

۶ - دنیا ، فاقد زمینه مناسب برای بهره بردن پیامبر (ص) از عطا های ویژه الهی و رسیدن آن حضرت به خرسندی کامل

و للأخره خیر لک من الأُولی . و لسوف یعطیک ربّک فترضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۶

۶ - خداوند ، با یادآوری الطاف خود در دوران کودکی پیامبر (ص) ، آن حضرت را به عطا های آینده خویش اطمینان بخشید .

و لسوف یعطیک . .. ألم یجدک یتیمًا فاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، با بیان زدودن فقر از زندگی پیامبر (ص) ، آن حضرت را به دوری از قهر و خشم خویش ، اطمینان بخشید .

و وجدک عائلاً فأغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱،۲

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لک صدرک

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده <صدر>

اعم از <قلب> است; زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

۲ - خداوند ، برخورداری پیامبر (ص) را از شرح صدر ، به او یادآور شده ، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند .

ألم نشرح لک صدرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۱،۶

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را در عصر بعثت ، نامدار و بلندآوازه ساخت و آن حضرت را در اوج شهرت قرار داد .

و رفعنا لک ذکرک

۶ - خداوند ، با توجه دادن پیامبر (ص) به نعمت خوش نامی ، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند .

و رفعنا لک ذکرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۶

۶ - عنایت ویژه خداوند به قبیله قریش

لإیلف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجّتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لإیلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

موجبات لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۶

۶- تقواپیشگی و احسان ، دو عامل جلب حمایت و عنایت الهی است .

إن الله مع

الذین اتّقوا و الذین هم محسنون

ذکر تقواپیشگی و احسان، به صورت دو جمله مستقل، بیانگر این نکته است که هر یک از آن دو عاملی مستقل در جلب حمایت خدایند.

نشانه های لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۸

۸ فراوانی و رفاه و آسایش همواره نشانه لطف و عنایت الهی نیست.

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۸،۱۷

۸- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السّماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقًا لکم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الاءنسان لظلوم کفّار> در دو آیه بعد (آیه ۳۴) مؤید برداشت فوق است.

۱۷- مسخّر و رام بودن نهر ها و رود ها ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

و سخّر لکم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۵

۵- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق . .. و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم الّیل

و النهار

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوّق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الإنسان لظلوم كفّار> در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۰

۳۰ - برخی از سختی های زندگانی ، نعمت خداوند بر انسان و نشانه لطف او است .

و لقد مننّا . .. و فتنّك فتونًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۸

۸ - تسخیر دریا های مواج ، نمود بارز عنایت خداوند در مسلط ساختن انسان بر طبیعت

ألم تر أن اللّه سخّر لكم ما فى الأرض و الفلك تجرى فى البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۷

۷ - امکان بهرهوری گسترده بشر از دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما كنّا عن الخلق غفلين . .. و إنّ لكم فى الأنعم لعبره ... و منها تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۱

۱ - مال و فرزند بسیار ، نشانه لطف و مهر خداوند در دیدگاه شرک پیشگان مرفه صدراسلام

أيحسبون . .. من مال و بنين . نسارع لهم فى الخيرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۲ – ۴

۴ – تکالیف

آسان ، جلوه امتنان الهی نسبت به انسان ها

و لانكلّف نفسًا إلاّ وسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۲

۲ - هدایت خلق به وسیله کتاب آسمانی ، بارزترین نمود لطف و رحمت الهی بر آنان

و إنّه لهدًی و رحمه

از این که خداوند پس از مطرح ساختن بُعد هدایتی قرآن، تنها به یک صفت دیگر (رحمت بودن آن) بسنده کرده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۷

۷ - مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، جلوه لطف خدا به انسان ها است .

أوَلم یروا . .. أنعمًا فهم لها ملكون

از آمدن جمله <فهم لها مالكون> (با فاء تفریع) می توان برداشت بالا را استفاده کرد; زیرا خداوند علاوه بر آن که انعام را برای بهره مندی انسان ها آفریده، مالکیت را نیز به انسان ها بخشیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخرّ کردن دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنها لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - جلوه فضل و لطف الهی در پاداش دادن به محسنان

ليكفّر اللّه عنهم أسوأ الذى عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذى كانوا يعملون

ملاک قرار گرفتن پاداش بهترين اعمال در

وقت جزا و پاداش، و بدترین اعمال در وقت عفو و چشم پوشی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۶

۶ - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقواپیشگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورثنا الأرض نتبوّأ من الجنّه

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید; زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً ـ زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - اعطای روزی به خلق ، نمودی از لطف و رحمت و آگاهی خداوند به بندگان خویش

اللّه لطیف بعباده یرزق من یشاء

۵ - برخورداری گمراهان از روزی خداوند ، نمود لطف او به بندگان خویش است ; نه نشانه استحقاق آنان

لفی ضلل بعید . اللّه لطیف بعباده یرزق من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۰ - ۳

۳ - همسران زیبا ، نمود لطف الهی به بهشتیان

و زوّجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۷

۷ - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذين ءامنوا و اتّبعتهم ذرّيّتهم بإيمن ألحقنا بهم ذرّيّتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۸ – ۱

۱ – بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی

به اصحاب الیمین

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً . .. لأصحب الیمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۷ – ۱۲

۱۲ – پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه ... و اللّه شکور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۷ – ۸

۸ – اموال ، توانایی ها و امکانات بشر ، همگی داده خداوند و جلوه لطف او است .

فلینفق ممّا ءاتیه اللّه لایکلّف اللّه نفسًا إلاّ ما ءاتیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۵ – ۳،۵

۳ – حرکت انسان ها ، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جعل لکم الأرض ذلولاً فامشوا فی مناکبها

مقصود از <مناکب> (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

۵ – وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً . .. و کلوا من رزقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۵

۵ - برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه . .. فجعله من الصلحین

نیاز به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۵

۵- تمامی انسان ها ، حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۷

۷ - نیاز انسان به لطف و حمایت خدا ، در قیامت

و لاتخزنی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۰

۲۰- نیاز همیشگی انسان ، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا . .. کفّر عنهم سیّئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر(ص)، نوید غفران داده است; استفاده می شود که حتی چنین مؤمنانی نیز نیازمند غفران خداوند هستند.

وسعت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۵ – ۶

۶ – لطف بی کران الهی نسبت به آدمیان ، حتی انسان های گنه کار

یقبل التوبه عن عباده

از این که خداوند توبه همه گنه کاران را می پذیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۴ – ۵

۵ – رفق و مدارای خداوند ، نسبت به عموم انسان ها

و هو اللطیف

لعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۳

۳ - صد تازیانه ، حد زنانی که با لعان (سوگند) همسران شان ، زنای آنان ثابت شده است .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه

مفهوم جمله <و یدرؤا عنها العذاب; عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود> این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می شود; ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

احکام لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - < عن الصادق (ع) عن أبیه عن جدّه (ع) أنّ علیاً (ع) قال ، لیس بین خمس من النساء و بین أزواجهنّ ملاعنه . . . والمجلود فی الفریه لأنّ اللّه عزّوجلّ یقول : و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً . . . ;

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاعنه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود). .. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند; زیرا خداوند فرمود: <و لاتقبلوالهم شهاده أبداً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۲،۳،۵

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم

یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۵ - < خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم > ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زنای همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذین یرمون أزوجهم . .. فشهده أحدهم أربع شهدت باللّه إنّه لمن الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

۲ - < لعنت خدا بر من باد اگر دروغ می گویم > ، متن سوگند نامه پنجم شوهر است که مدعی مشاهده زنای همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

۴ - با سوگند پنجم شوهر ، زنای همسر ثابت

گشته و حد زنا بر او جاری می شود .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

با سوگند پنجم شوهر که در آن پذیرای لعنت خدا می شود دو چیز به اثبات می رسد: ۱ زنای همسر و در نتیجه محکومیت او به حد زنا. ۲ صدق و راستگویی شوهر و در نتیجه سقوط حد قذف از وی.

۵ - با اعلام پذیرش لعنت خدا در پنجمین سوگند از سوی شوهر مدعی زنای همسرش ، حد قذف و دیگر کیفر های آن ، از وی ساقط می شود .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۱،۲،۳،۴

۱ - زن متهم به زنا ، پس از تحقق لعان از سوی شوهرش ، متقابلاً حق لعان دارد .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه

۲ - زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه إنّه لمن الکذبین

الف ولام <العذاب> ذکری و اشاره به <مأئه جلده> است که در آیه دوم آمده بود.

۳ - صد تازیانه ، حد زنانی که با لعان (سوگند) همسران شان ، زنای آنان ثابت شده است .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه

مفهوم جمله <و یدرؤا عنها العذاب; عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود> این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می

شود; ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

۴ - < خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است > متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهدت باللّه إنّه لمن الكذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۱،۲،۴

۱ - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

۲ - < لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد > ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

۴ - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یا رد لعان

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه . .. والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقی

تشریع لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۱

۱ تحریم أکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) وتشریع < لعان > ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانیه و الزانی

فاجلدوا. .. والذین یرمون المحصنت ...فاجلدوهم ... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه که در مقام امتنان است پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

سوگند در لعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶ – ۳

۳ – با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلّا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلّا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۷ – ۱

۱ – وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۸ – ۲،۴

۲ – زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد

کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه إنّه لمن الکذبین

الف ولام <العذاب> ذکری و اشاره به <مأْئه جلده> است که در آیه دوم آمده بود.

۴ - < خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است > متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهدت باللّه إنّه لمن الکذبین

سوگند دروغ در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۳

۳ - زن زناکاری که با سوگند دروغین ، سوگند شوهرش بر این عمل زشت را رد و تکذیب کند ، مستحق غضب خدا است .

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

کیفیت سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۵

۵ - < خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم > ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زنای همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذین یرمون أزوجهم . .. فشهده أحدهم أربع شهدت باللّه إنّه لمن الصدقین

کیفیت لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۲

۲ - < لعنت خدا بر من باد اگر دروغ می گویم > ، متن سوگند نامه پنجم شوهر است که مدعی مشاهده زنای همسرش باشد

و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۸ – ۴

۴ – < خـدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسـته است > متن سوگنـد زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهدت باللّه إنّه لمن الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۹ – ۱

۱ – وجوب درخواست غضب خـدا به عنوان پنجمین سوگنـد ، پس از ادای چهـار سوگنـد ، از سوی زن متهم به زنـا از جـانب شوهرش

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

کیفیت لعان زن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۹ – ۲

۲ – < لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد > ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

لعان قاذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴ – ۱۵

۱۵ – < عن الصـادق (ع) عن أبیه عن جـدّه (ع) أنّ علیـاً (ع) قـال ، لیس بین خمس من النسـاء و بین أزواجهنّ ملاعنه . . . والمجلود فی الفریه لأنّ اللّه عزّوجلّ یقول : و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً . . . ;

امـام صـادق(ع) از پـدرش و او از جـدش روایت کرده است که حضـرت علی(ع) فرمود: بین پنـج دسـته از زنان با شوهرانشان ملاعنه نیست

(یعنی قانون لعان اجراء نمی شود). .. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند; زیرا خداوند فرمود: <و لاتقبلوالهم شهاده أبداً>.

واجبات لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۱

۱ - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۱

۱ - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أنّ غضب اللّه علیها إن کان من الصدقین

لعب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لعب

آثار لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۷

۷ اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الأخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۲۳

۲۳ – بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أنّما الحیوه الدنیا لعب . .. و تکاثر ... و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده

است می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

آثار لهو و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیه قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

اجتناب از لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۴

۴ - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ; نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم و جنّه

خدا و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- اراده خداوند ، به انجام کاری به منظور بازیچه و سرگرمی خویش تعلق نمی گیرد .

و ما خلقنا . .. لعبین . لو أردنا أن نتّخذ لهوًا

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <لو> امتناعیه باشد براین اساس معنای آیه چنین می شود: <اگر ما چیزی را بر فرض محال و صرف نظر از غیر ممکن بودن آن و یا دون شأن ما بودن آن به منظور بازیچه و سرگرمی خویش می گرفتیم. ..>. گفتنی است که برخی از مفسران <إن> در <إن کنّا فاعلین> را نافیه دانسته اند; که در این صورت مؤید برداشت یاد شده

خواهد بود.

۲- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش

نیستند .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا إن كنّا فعلین

۳- توانایی بر آفریـدن جهان کنونی برای بازیچه و سـر گرمی خویش ، تنها در قلمرو قـدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا

برداشت یاد شـده مبتنی بر این نکته است که <من لدنّا>، معنای <من جهه قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسـران بزرگ بر این نظرنـد). و یا این که <من لـدنّا> ظرف مختص در قبال <من لـدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سـر گرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خـدایان ادعایی مشـرکان و یا دیگر قـدرت ها; پس قـدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خـدا است>. گفتنی است آمـدن <لـدنّا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

۴- اگر خداوند برفرض محال به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید ، جهان طبیعت ، شایسته این منظور نبود ; بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا إن كنّا فعلین

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که <من لدنّا>به معنای <ممّا عندنا> باشد و یا معنای <ممّا یلیق بحضرتنا. ..> را افـاده کنـد; یعنی، بر فرض انتخـاب سـر گرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمـان است و مقرّب تر به مـا و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و ...) برمی گزیدیم.

لعب در زندگی دنیوی

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۳

۳ – حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

أنّما الحیوه الدنیا . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

واژه <أنّما> (به فتح همزه) نظیر <إنّما> (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین <أنّما الحیوه الدنیا...> معادل <ما الحیاه الدنیا إلاّ لهو و لعب...> است; یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از <لعب>، <لهو>، <زینت>، <تفاخر> و <تکاثر> نمی باشد.

متقین و لعب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۸

۸ تقواپیشگان از لهو و لعب و غفلت از آخرت دور هستند.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الأخره خیر للذین یتقون

موارد لعب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۱،۳

۱ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

۳ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا

می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و

لهو معنای دیگری ندارد.

لعن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لعن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ تحقق مباهله پس از شرکت مباهله کنندگان ، با درخواست لعنت از خداوند برای طرفِ باطل صورت می گیرد .

ثم نبتهل فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۲

۲ لعن و نفرین ، از شیوه های برخورد با مرتدان

اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّه و الملئکه و النّاس اجمعین

آثار لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۷

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۵

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوك ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰،

ح ۲۴۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

آثار لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۶،۱۰،۱۳

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۱۰ - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

فاء تفریع در <فقلیلاـ ما . ..> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

۱۳ - دور شدن از رحمت خدا و گرفتار آمدن به لعنت او ، مستلزم جبر به عدم ایمان نخواهد شد .

لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئک یلعنهم اللّه . .. إلاّ

الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸،۲۹

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

۲۹ لعنت الهی ، زمینه محرومیت از هدایت و ایمان

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۶

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۵،۲۳،۲۴

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا . .. و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جمله <و القینا . ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

۲۴ جوامع گرفتار به لعنت الهی ، همواره در خطر دشمنی و کینه توزی با یکدیگر

و لعنوا بما قالوا . .. و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی

یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمی أبصرهم

اجابت دعای مشمولان لعن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۷ – ۵

۵- امکان اجابت دعای مطرودین درگاه الهی و لعن شدگان

فاخرج منها . .. و إن علیک اللعنه ... قال ربّ فأنظرنی ...قال فإنک من المنظرین

احکام لعن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۰ – ۸

۸ – نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و یلعنهم اللعنون. إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۴ – ۴

۴ – لعن بر کافر ، جایز و روا است .

إنّ اللّه لعن الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳،۵

۳- جواز لعن و نفرين حق گريزانِ فسادانگيز و فاقد عواطف انسانى

أولئک الذين لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گريزان، نشانگر آن است كه لعن آن گروه، مورد رضاى الهى و هماهنگ با اراده او است.

۵- جواز لعن و نفرينِ حاكمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانى

إن تولّيتم . .. أولئک الذين لعنهم اللّه

برداشت ياد شده بنابراين نكته است كه مشاراليه <أولئک> به قرينه آيه قبل <إن

تولّیتم> کسانی باشند که در صورت رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی، جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

ایمان لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

بنابر اینکه <قلیلاـ> استثناء از فاعل <یؤمنون> باشد، مفهوم جمله <لعنهم اللّه> چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

ایمان مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - آدمی ، می تواند حتی در زمان گرفتاریش به لعنت خدا ، خود رابه سوی ایمان گرایش داده و اهل ایمان گردد .

لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

تفریع جمله <فقلیلا ما یؤمنون> بر <لعنهم اللّه بکفرهم> می رساند که: کفر ورزی و دور شدن از رحمت خدا، بسیاری از زمینه های ایمان را از بین می برد نه همه آنها را; یعنی، با وجود لعنت الهی انسان می تواند خود را به سوی ایمان گرایش دهد.

بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۵،۹،۱۰

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یاوری نخواهند داشت .

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری

می دهند، بنابراین جمله <فلن تجد . .. > ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

روز لعن بر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۷

۷- < یزیدبن سلام . . . سأل رسول الله (ص) . . . قال : فالخمیس ، قال : هو یوم خامس من الدنیا و هو یوم . . . لعن فیه إبلیس . . . ;

یزیدبن سلام از رسول خدا(ص) پرسید: پنجشنبه یعنی چه؟ حضرت فرمود: پنجشنبه پنجمین روز از دنیاست و آن روزی است که . .. ابلیس در آن مورد لعن قرار گرفت...>.

زمینه لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۹

۹- ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئك الذین لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمی أبص

هر چند فعل های <أصمّ> و <أعمی> به خداوند نسبت داده شده، امااین مستلزم جبر نیست; زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود; بلکه در پی یك سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

گمراهی مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۸

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

لعن ابدی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱،۲

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئک علیهم لعنه اللّه . .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه اللّه . ..> (در آیه قبل) بازگردد.

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذین یکتمون . .. أولئک علیهم لعنه اللّه ... خلدین فیها

لعن اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئک یلعنهم اللّه . .. أولئک علیهم لعنه اللّه

جمله <أولئک یلعنهم اللّه> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذین تابوا . ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئک علیهم لعنه اللّه> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۴

۴ آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از

زمره ستمکاراننـد و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

لعن اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ ستمگران در قیامت ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین

لعن اخروی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - قوم ابراهیم ، در قیامت همدیگر را لعن می کنند .

ثمّ یوم القیمه . .. و یلعن بعضکم بعضًا

لعن اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرنـد و مردم را از پـذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

لعن اخروی مانعان از دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۹ – ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرنـد و مردم را از پـذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

لعن انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده –

۵ - ۸۰ - ۹،۱۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۹ گرفتار شدن آدمی به لعنت پیامبران ، نشاندهنده خشم و غضب الهی بر وی

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود . .. ان سخط اللّه

لعن بر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۴ - ۷

۷- < أبالحسن علی بن محمدالعسکری (ع) : معنی الرجیم انه مرجوم باللعن . . . لایذکره مؤمن إلاّ لعنه و ان فی علم الله السابق انه إذا خرج القائم (ع) لایبقی مؤمن فی زمانه إلاّ رجمه بالحجاره کما کان قبل ذلک مرجوماً باللعن ;

امام علی نقی(ع) فرمود: معنای <رجیم> این است که ابلیس هدف لعن قرار می گیرد . .. هیچ مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آن که او را لعن می کند و در علم ازلی خدا بوده است که وقتی که حضرت قائم(ع) ظاهر شد، مؤمنی نمی ماند مگر اینکه ابلیس را با سنگ هدف قرار می دهد; چنان که او قبل از این هدف لعن قرار می گرفت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۱،۲،۶

۱- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده

بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

۲- طرد از درگاه الهی و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنک رجیم . و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

۶- بازگشت همه لعن ها ، به ابلیس است . *

و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ال> در <اللعنه> برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۱،۲

۱ - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

و إنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

۲ - طرد از درگاه خداوند و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنّک رجیم . و إنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس آن هم با آمدن قید <إلی یوم الدین> مربوط به کیفر دنیایی او است.

لعن بر اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۶،۱۷

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۱۳

۱۳

مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . .. .

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

لعن بر امت های گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت . ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت أولی> نسل قبل و مراد از <امت أخری> نسل بعدی می باشد.

لعن بر امت های مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد،

در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت . ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت أولی> نسل قبل و مراد از <امت أخری> نسل بعدی می باشد.

لعن بر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۵،۹

۵ گروهی از اهل کتاب ، گرفتار لعنت و غضب خداوند

من لعنه اللّه و غضب علیه

۹ گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه من لعنه . .. و عبد الطغوت

کلمه <مثوبه> (سزا و جزا) می رساند که غضب و . .. به عنوان

پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

لعن بر بدخواهان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (ص) و مؤمنان ، مورد طرد و لعن خداوند هستند .

یتربّص بکم الدوائر علیهم داثره السوء

ظاهراً جمله <علیهم داثره السوء> در مقام نفرین می باشد نه صرفاً إخبار از آینده.

لعن بر بدخواهان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (ص) و مؤمنان ، مورد طرد و لعن خداوند هستند .

یتربّص بکم الدوائر علیهم داثره السوء

ظاهراً جمله <علیهم داثره السوء> در مقام نفرین می باشد نه صرفاً إخبار از آینده.

لعن بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . .. .

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین،

ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع) ، به دلیل کفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما عیسی فلعن الذین انزلت علیهم المائده ثم کفروا بعد ذلک.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گنهکاران

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

از حضرت علی(ع) روایت شده: . .. و لما وقع التقصیر فی بنی اسرائیل جعل الرجل منهم یری اخاه علی الذنب فینهاه فلاینهی فلایمنعه ذلک من ان یکون اکیله و جلیسه و شریبه حتی ضرب اللّه عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فیهم القرآن حیث یقول عزوجل <لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل ... کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه ... .>

ثواب الاعمال مترجم، ص ۵۹۷، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۲.

لعن بر بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱

۱- عناصر بیماردلِ روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض . .. فهل عسیتم إن تولّیتم ... أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت یاد شده

بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئك>، کسانی باشند که <تولّیتم> خطاب به آنان است و <تولّی> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

لعن بر پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت . ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت أولی> نسل قبل و مراد از <امت أخری> نسل بعدی می باشد.

لعن بر تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱

۱- عناصر بیماردلِ روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض . .. فهل عسیتم إن تولّیتم ... أولئك الذین لعنهم اللّه

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئك>، کسانی باشند که <تولّیتم> خطاب به آنان است و <تولّی> به معنای روی

گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

لعن بر حاکمان مفسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۴،۵

۴- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض . .. أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت بالا بنابراین نکته است که <أولئک> اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب <إن تولّیتم أن تفسدوا. ..> قرار گرفته اند.

۵- جواز لعن و نفرینِ حاکمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانی

إن تولّیتم . .. أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مشارالیه <أولئک> به قرینه آیه قبل <إن تولّیتم> کسانی باشند که در صورت رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی، جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

لعن بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئک الذین لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز

نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدّر

لعن بر دروغگویان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۷ – ۳

۳ – مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

لعن بر دین ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۹ – ۴

۴ – جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدّر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۰ – ۴

۴ – جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدّر

لعن بر رهبران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۸ – ۶

۶ – کافران پیرو ، از خداوند ، خواهانِ مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان ، خواهند بود .

و قالوا . .. ربّنا ... و العنهم لعنًا کبیرًا

<کبیر> صفت مفعول مطلق <إلْعَن> است. در آیه، این واژه به معنای <شدت> و مراد از آن، کثرت و زیادت است.

لعن بر شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۸ – ۱

۱ شیطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۸ – ۱۴

۱۴- < عن علی بن محمدالعسکری (ع

) یقول : معنی الرجیم انه مرجوم بااللعن مطرود من مواضع الخیر لایذکره مؤمن إلاّ لعنه و إن فی علم الله السابق انه إذا خرج القائم (ع) لایبقی مؤمن فی زمانه إلاّ رجمه بالحجاره کما کان قبل ذلک مرجوماً باللعن ;

از امام هادی(ع) روایت شده است که در باره <رجیم> می فرمود: او (شیطان) با لعن مورد رجم واقع شده و از درهای خیر رانده و مطرود گشته است. مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آنکه او را لعن می کند و چون در علم الهی از پیش روشن بود که هر گاه حضرت قائم(ع) خروج کرد، هیچ مؤمنی در زمان او نیست مگر آنکه شیطان را با سنگ رجم می کند; چنان چه قبل از آن با لعن رجم می شد.

لعن بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه اللّه علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ < عن رسول الله (ص) : . . . وأما الکافر فیقرأ ذنوبه علی رؤوس الأشهاد ، < هؤلاء الذین کذبوا علی ربّهم ألا لعنه الله علی الظالمین > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: . .. اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۶

۶ - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعدًا للقوم الظلمین

نصب <بُعداً> به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد; یعنی، <بعدوا بُعداً>. گفتنی است که <بُعداً> از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید; یعنی، دور باد[از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۷

۷ - ستمگران ، گروهی مطرود و محروم از رحمت خداوند در قیامت

و لهم اللعنه

لعن بر علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

لعن بر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتمون ما أنزلنا . .. أولئك يلعنهم اللّه و يلعنهم اللعنون

لعن بر عهدشكنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۷

۷ كسانى كه به پيمان هاى الهى پايبند نباشند ، به لعنت خدا و دورى از رحمت او گرفتار خواهند شد

.

والذین ینقضون عهد الله . .. أُولئک لهم اللعنه

لعن بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۱

۱ فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

و أُتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه

ضمیر در <اُتبعوا> به فرعون و قوم وی باز می گردد. <اتباع> (مصدر اُتبعوا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین <واُتبعوا ...>; یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۱

۱ - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

لعن بر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۱

۱ فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

و أُتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه

ضمیر در <اُتبعوا> به فرعون و قوم وی باز می گردد. <اتباع> (مصدر اُتبعوا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین <واُتبعوا ...>; یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۱

۱ - لعنت خدا و دوری

از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

لعن بر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱

۱ - قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

لعن بر قاطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئک الذین لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

لعن بر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۱

۱

قوم عاد ، در دنیا به لعنت خدا گرفتار شدند و در آخرت نیز از رحمت او محروم خواهند بود .

و أُتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیمه

لعن بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۳

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئک علیهم لعنه اللّه . .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه اللّه . ..> (در آیه قبل) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ مسخ کافرانِ به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً . .. او نلعنهم ... و کان امر اللّه مفعولا

۲۲ مسخ و یا لعنت کافرانِ به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و کان امر اللّه م

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۵

۵ کافران مستحق لعن و

نفرین و دوری از رحمت خداوند

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ < عن رسول الله (ص) : . . . وأما الکافر فیقرأ ذنوبه علی رؤوس الأشهاد ، < هؤلاء الذین کذبوا علی ربّهم ألا لعنه الله علی الظالمین > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: . .. اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۹

۹ - جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعدًا لقوم لایؤمنون

کلمه <بُعداً> منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف; یعنی، <بعدوا بُعداً>. گفتنی است که <بُعداً> از مصادرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۵

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعْ أذیهم . .. إنّ الذین

يؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۴ – ۱،۴

۱ – همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إنّ اللّه لعن الكفرين

<ال> در <الکافرین> می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

۴ – لعن بر کافر ، جایز و روا است .

إنّ اللّه لعن الكفرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۹ – ۴

۴ – جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل كيف قدّر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۰ – ۴

۴ – جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل كيف قدّر

لعن بر کافران حق ناپذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۹ – ۱۳،۱۴

۱۳ – کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه اللّه على الكفرين

۱۴ - جواز لعنت و نفرين بر آنانى كه از سر عناد و لجاجت ، به پيامبر (ص) و قرآن كافر مى شوند .

فلعنه اللّه على الكفرين

لعن بر كتمان كنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۹

۹ - ضرورت نفرين و لعنت بر كسانى كه حقايق كتاب هاى آسمانى را از مردم پنهان مى كنند .

أولئك . .. يلعنهم اللعنون

تكرار فعل <يلعن> به تفاوت لعنت خدا و لعنت ديگران اشاره دارد. لعنت خدا به معناى مطرود ساختن از رحمت

است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۸

۸ - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و یلعنهم اللعنون. إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئک یلعنهم اللّه . .. أولئک علیهم لعنه اللّه

جمله <أولئک یلعنهم اللّه> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذین تابوا . ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئک علیهم لعنه اللّه> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۲

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذین یکتمون . .. أولئک علیهم لعنه اللّه ... خلدین فیها

لعن بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم اللّه . . .

إلاّ الذين تابوا و أصلحوا و بينوا

لعن بر مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۱

۱۱ - منافقان و مشركان ، مورد خشم و نفرين الهى و به دور از رحمت او

و غضب اللّه عليهم و لعنهم

لعن بر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرين حق گريزانِ فسادانگيز و فاقد عواطف انسانى

أولئک الذين لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گريزان، نشانگر آن است كه لعن آن گروه، مورد رضاى الهى و هماهنگ با اراده او است.

لعن بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ منافقان و كافران ، مورد لعن و نفرين خداوند و محروم ابدى از رحمت او

المنفقين . .. و الكفار ... لعنهم اللّه

۱۱ جواز لعن و نفرين بر منافقان و كافران

المنفقين . .. و الكفار ... لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۵

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعْ أذیهم . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۱

۱۱ - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب اللّه علیهم و لعنهم

لعن بر ولید بن مغیره

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۹ – ۱

۱ – ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدّر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۰ – ۱

۱ – ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثمّ قتل کیف قدّر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثمّ> برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

لعن بر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۴،۶،۱۰

۴ – خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

۶ – قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی

آنـان به وجود آمـده نه اینکه فطرتـاً این گونه باشـند و این چنین نفهمیـدنی - که خود آدمی زمینه سـاز آن باشـد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۱۰

- گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

فاء تفریع در <فقلیلاـ ما . ..> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۰،۲۱،۲۷،۲۸

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذین هادوا . .. لعنهم اللّه بکفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم . .. الّا قلیلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم اللّه> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۹،۱۰

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم میثقهم . .. و قتلهم الأنبیاء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم . ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف

<لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷،۸

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۱۴

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفراً

واقع شدن جمله <و ليزيدن . ..> پس از بيان پندار باطل يهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهى بر اثر آن، مى رساند

که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ < عن أبی عبدالله (ع) انه قال فی قول الله عزوجل : < و قالت الیهود یدالله مغلوله > : لم یعنوا أنه هکذا ، و لکنّهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلایزید و لاینقص فقال الله جل جلاله تکذیباً لقولهم : < غلّت أیدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء > ألم تسمع الله عزوجل یقول : < یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: <و قالت الیهود ید الله مغلوله> فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غُلّ بسته است ; بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سخن آنان فرمود: <دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ; بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد>.آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: <یمحوا الله مایشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب>.

لعن بر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور

و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

لعن برمفسدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۵ – ۹

۹ فسادگران در زمین به لعنت خداوند و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

و الذین . .. یفسدون فی الأرض أُولئک لهم اللعنه

لعن جایز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۹ – ۱۴

۱۴ – جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۹ – ۴

۴ – جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدّر

لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹

- ۱۲،۱۳

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئک یلعنهم اللّه . .. إلاّ الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۰،۲۱،۲۷

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذین هادوا . .. لعنهم اللّه بکفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم اللّه بكفرهم . .. الّا قليلا

بنابر اينكه <قليل> استثناء از مفعول در <لعنهم اللّه> باشد. نصب <قليلا> اين احتمال را تأييد مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۵،۱۶،۱۸

۱۵ هشدار خداوند به اهل كتاب

در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۸ لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم اللّه . .. فلا یؤمنون ... او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۱۰

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

۴ همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنهم اللّه

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یاوری نخواهند داشت .

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله

<فلن تجد . .. > ناظر به غايت و هدف يارى رسانى است. يعنى بر فرض اينكه همديگر را يارى دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ كارساز نبودن يارى براى مشمولان لعن الهى ، از سنت هاى خداوند

و من يلعن اللّه فلن تجد له نصيراً

كلمه <لن>، كه دلالت بر نفى ابدى دارد، مى رساند كه اين معنا از سنتهاى الهى است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۹۳ – ۱

۱ خلود در جهنّم ، غضب و لعنت الهى ، كيفر كشتن مؤمن از روى عمد

و من يقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فيها و غضب اللّه عليه و لعنه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۸ – ۱

۱ شيطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۹،۱۰

۹ يهود ، مورد نفرين و غضب خداوند به سبب پيمان شكنى ، انكار آيات الهى و كشتن پيامبران

فبما نقضهم ميثقهم . .. و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر اين اساس است كه <بما نقضهم . ..> به قرينه آيات مشابه، متعلق به فعلى محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمى يهود در برابر دعوت انبيا ، موجب گرفتارى آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷۸

۷ کفرورزی یهود

با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۳،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

۱۶ گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان

، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه اللّه و غضب علیه و جعل منهم . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۱۴

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن . ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی

بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضـمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشـرکان بیان مصداقی دیگر از عصـیان و تجاوز گری بنی اسـرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه اللّه علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۳

۳ لعنت الهی و دور شدن از رحمت او ، عطایی شوم و سزایی ناگوار است .

بئس الرفد المرفود

کلمه <الرفد> (عطیه و بخشـش) فاعل برای <بئس> است و <ال> در آن <ال> جنسـیه می باشد و <المرفود> (عطیه و بخشش) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذکری بوده و اشاره به لعنت و دوری از رحمت خداست. بنابراین <بئس الرفد المرفود>; یعنی، آن عطیه (گرفتاری به لعنت خدا) بد عطیه و بخششی است.

لعن داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۱۵،۱۳،۱۱،۲،۱

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع)

و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن> داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی> به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

۲ داود و عیسی (ع) ، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی اسرائیل *

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

بدان احتمال که فاعل محذوف <لعن>، اللّه باشد. گفتنی است که لعنت خداوند نسبت به کافران بنی اسرائیل بر لسان داود(ع) و عیسی(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

۱۱ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۳ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . .. .

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن

حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

لعن در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۱

۱ - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (ص) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إنّ الذین یؤذون اللّه و رسوله لعنهم اللّه فی الدنیا و الأخره

لعن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۵

۵ هر امتی پس از ورود به جهنم، امت هم مسلک خویش را لعنت می کند و بر او نفرین می فرستد.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

لعن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها . .. قالت أخريهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنـانچه مخاطب <ادخلوا> به قرينه آيه ۳۵ همه بنی آدم باشـد، مراد از <أمم قد خلت . ..> انسانها و جنيان مشـركی خواهد بود كه پيش از نسل بنی آدم می زيسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهايی باشد كه پس از نزول قرآن به وجود آمده

و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت أولی> نسل قبل و مراد از <امت أخری> نسل بعدی می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثمّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض و یلعن بعضکم بعضًا

لعن دنیوی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۱ – ۵

۵ – کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئک یلعنهم اللّه . .. أولئک علیهم لعنه اللّه

جمله <أولئک یلعنهم اللّه> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذین تابوا . ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئک علیهم لعنه اللّه> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

لعن شدگان مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۷ – ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّه و الملئکه و النّا

۶ کسانی از یهود و

نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

لعن شدگان ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۷ – ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّه و الملئکه و النّا

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

لعن عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۱،۲،۱۱،۱۴،۱۵

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن> داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی> به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

۲ داود و عیسی (ع) ، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی

اسرائیل *

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

بـدان احتمـال که فاعـل محـذوف <لعن>، اللّه باشـد. گفتنی است که لعنت خداونـد نسـبت به کـافران بنی اسـرائیل بر لسـان داود(ع) و عیسی(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

۱۱ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع) ، به دلیل کفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما عیسی فلعن الذین انزلت علیهم المائده ثم کفروا بعد ذلک.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

۱۵ مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

لعن مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۳،۷

۳ – فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را

که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

لعن مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ کسانی که به خداوند دروغ می بندند ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم ألا لعنه الله علی الظلمین

لعن ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱،۳،۷

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنه اللّه و الملئكه و الناس أجمعين

محروميّت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۶

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

محمد(ص) و لعن کافران مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۷ – ۱

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهّل الکفرین أمهلهم رویدًا

<مَهِّل> و <أمهِل> به یک معنا است; گرچه برخی گفته اند: <مَهِّل> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و <أمهل> فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رَوْد> (مهلت دادن) باشد; یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

مراتب لعن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۷ – ۱۸

۱۸ لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم اللّه . .. فلا یؤمنون ... او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

مشمولان لعن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹

- ۱۲،۱۳

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئک یلعنهم اللّه . .. إلاّ الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱،۵،۷

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئک یلعنهم اللّه . .. أولئک علیهم لعنه اللّه

جمله <أولئک یلعنهم اللّه> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذین تابوا . ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئک علیهم لعنه اللّه> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

۷ - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱،۲

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئک علیهم لعنه اللّه . .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه اللّه . ..> (در آیه قبل) بازگردد.

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذین یکتمون . .. أولئک علیهم لعنه اللّه ... خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۰

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۶،۱۷

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱،۲،۳،۶

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئك الّذين لعنهم اللّه

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . .. اولئك الّذين لعنهم اللّه و من يلعن اللّه فلن تجد له نصيراً

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر

الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه اللّه علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۴

۴ آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ پندار فرزند داشتن خدا ، انحراف از مسیر حق بوده و معتقدان به آن ، گرفتار لعن و نفرین خدا خواهند بود .

و لا یدینون دین الحق . .. و قالت الیهود عزیر ابن اللّه ... قتلهم اللّه أنی یؤفکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقين . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۸ – ۱۰

۱۰ آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (ص) و مؤمنان ، مورد طرد و لعن خداوند هستند .

یتربّص بکم الدوائر علیهم داثره السوء

ظاهراً جمله <علیهم داثره السوء> در مقام نفرین می باشد نه صرفاً إخبار از آینده.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۸ – ۱۰،۱۱،۱۴

۱۰ ستمگران در قیامت ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین

۱۱ کسانی که به خداوند دروغ می بندند ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم ألا لعنه الله علی الظلمین

۱۴ < عن رسول الله (ص) : . . . وأما الکافر فیقرأ ذنوبه علی رؤوس الأشهاد ، < هؤلاء الذین کذبوا علی ربّهم ألا لعنه الله علی الظالمین > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: . .. اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۰ – ۱

۱ قوم عاد ، در دنیا به لعنت خدا گرفتار شدند و در آخرت نیز از رحمت او محروم خواهند بود .

و أُتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۹

١ فرعون و پيروان وى در عرصه دنيا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

و أُتبعوا فى هذه لعنه و يوم القيمه

ضمير در <أُتبعوا> به فرعون و قوم وى باز مى گردد. <اتباع> (مصدر أُتبعوا) به معناى ملحق كردن و به دنبال فرستادن است. بنابراين <وأُتبعوا ...>; يعنى ، فرعون و قوم او در دنيا و آخرت ، لعنت و نفرين را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - رعد - ١٣ - ٢٥ - ٧،٨،٩

٧ كسانى كه به پيمان هاى الهى پايبند نباشند ، به لعنت خدا و دورى از رحمت او گرفتار خواهند شد .

والذين ينقضون عهد الله . .. أُولئك لهم اللعنه

٨ آنان كه به برقرارى پيوندهايى كه خداوند به برقرار ساختن آنها فرمان داده ، ملتزم نباشند ، به لعنت و دورى از رحمت گرفتار خواهند شد .

والذين . .. يقطعون ما أمر الله به أن يوصل ... أُولئك لهم اللعنه

٩ فسادگران در زمين به لعنت خداوند و دورى از رحمت او گرفتار خواهند شد .

و الذين . .. يفسدون فى الأرض أُولئك لهم اللعنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - رعد - ١٣ - ٣٩ - ١٣

١٣ < عن أبى عبدالله (ع) انه قال فى قول الله عزوجل : < و قالت اليهود يدالله مغلوله > : لم يعنوا أنه هكذا ، و لكنّهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلايزيد و لاينقص فقال الله جل جلاله تكذيباً لقولهم : < غلّت أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يداه

مبسوطتان ینفق کیف یشاء > ألم تسمع الله عزوجل یقول : < یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب > ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که دربـاره قول خـدای عزوجل: <و قالت الیهود یـد الله مغلوله> فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دسـتهای خدا در غُلّ بسـته است ; بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سـخن آنان فرمود: <دسـتهای خودشان در غل بسـته باد و به خاطر سـخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ; بلکه دسـتهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد>.آیا نشـنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: <یمحوا الله مایشاء و یثبت و عنده اُمّ الکتاب>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- < عن أبی عبـدالله (ع) قال : إن المؤمن إذا اُخرج من بیته شیّعته الملائکه إلی قبره . . . و إن کان کافراً خرجت الملائکه تشیّعه إلی قبره تلعنونه . . . ثمّ یـدخل علیه ملکـا القبر . . . فیقولان له : من ربّک ؟ فیتلجلـج و یقول : قـد سـمعت الناس یقولون فیقولان له : لادریت و یقولان له : ما دینک ؟ فیتلجلـج فیقولان له : لادریت و یقولان له : من نبّیک ؟ فیقول : قد سـمعت الناس یقولون فیقولان له لادریت و یسأل عن إمام زمانه . . . و هو قول الله عزّوجلّ : < . . . و یضلّ الله

الظالمین و یفعل الله ما یشاء > ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: آن گـاه که [جنـازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برنـد، ملائکه او را تا قبرش تشـییع می کنند . .. و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشیع و لعنت می کنند ... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند ... پس به او می گوینـد: پروردگـارت کیست؟ پس او [در پاسـخ] مردد می شـود و می گویـد: شـنیده ام مردم [این گـونه] می گوینـد. پس به او می گوینـد: [آیا] نـدانستی؟ به او می گوینـد دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گوینـد: [آیا] نـدانستی؟ پس به او می گوینـد: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شـنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا]ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سـخن خداوند عزّوحلّ است: ... یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۵ – ۶

۶- بازگشت همه لعن ها ، به ابلیس است . *

و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ال> در <اللعنه> برای جنس باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۸ – ۱،۲

۱ – ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

و إنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

۲ – طرد از درگاه خداوند

و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنّک رجیم . و إنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

خداونـد در هشت آیه بعـد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس آن هم با آمدن قید <إلی یوم الدین> مربوط به کیفر دنیایی او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۲ – ۷

۷ – ستمگران ، گروهی مطرود و محروم از رحمت خداوند در قیامت

و لهم اللعنه

مشمولان لعن اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۹ – ۳،۶

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرنـد و مردم را از پـذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

۶ کسانی که درپی منحرف ساختن دین و معارف الهی هستند ، ستمکارند و در آخرت به لعنت خدا گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین ... یبغونها عوجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۳ – ۱

۱ – قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<محصـنات> به معنـای زنـان عفیف و پاکـدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی

باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به

کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

مشمولان لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۱

۱- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۶

۶ - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعدًا للقوم الظلمین

نصب <بُعداً> به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد; یعنی، <بعدوا بُعداً>. گفتنی است که <بُعداً> از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید; یعنی، دور باد[از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۹

۹ - جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعدًا لقوم لایؤمنون

کلمه <بُعداً> منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف; یعنی، <بعدوا بُعداً>. گفتنی است که <بُعداً> از مصادرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ – مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۱

۱ - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۱،۴،۵،۶

۱ - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (ص) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إنّ الذین یؤذون اللّه و رسوله لعنهم اللّه فی الدنیا و الأخره

۴ - کسانی که وارد منزل پیامبر (ص) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لامستئنسین لحدیث إنّ ذلکم کان یؤذی النبیّ . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعن

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعْ أذیهم . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

۶ - مذاکره کنندگان بی پرده و رو در رو با همسران پیامبر که موجب آزار دادن رسول خدا (ص) است مشمول لعن خداوندند .

و إذا سألتموهنّ متعًا فسئلوهنّ من وراء حجاب. .. و ما کان لکم أن تؤذوا رسول اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۱

۱ - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إنّ اللّه لعن الکفرین

<ال> در <الکافرین> می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ –

۱- عناصر بیماردلِ روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض . .. فهل عسیتم إن تولّیتم ... أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئک>، کسانی باشند که <تولّیتم> خطاب به آنان است و <تولّی> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

۴- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض . .. أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت بالا بنابراین نکته است که <أولئک> اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب <إن تولّیتم أن تفسدوا. ..> قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۱

۱۱ - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب اللّه علیهم و لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقًا لأصحب السعیر

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدّر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی

به کار می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۰ – ۱

۱ – ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثمّ قتل کیف قدّر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثمّ> برای دلالت بر تفاوت رتبه است; یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۷ – ۸

۸ – < عن أمیرالمؤمنین (ع) . . . < قتل الإنسان ما أکفره > أی لعن الإنسان ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که در معنای <قتل الإنسان ما أکفره> فرمود: یعنی لعنت بر این انسان [چقدر ناسپاس است]>.

مشمولان لعن دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۳ – ۱

۱ – قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

مظاهر لعن خدا

فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۲ – ۶

۶ – عذاب اخروی ، جلوه ای از لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

أولئک علیهم لعنه اللّه . .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جمله <لایخفف عنهم العذاب> پس از <خالدین فیها> بیانگر آن است که: اثر لعنت الهی در قیامت، عذاب دوزخ است.

ممنوعیت لعن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ – ممنوعیت طعنه زدن به دیگران و عیب جویی از ایشان

و لا تلمزوا أنفسکم

<لمز> (مصدر <تلمزوا>) به معنای عیب جویی کردن است.

موجبات لعن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۱ – ۳

۳ – فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۱ – ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجّک . .. فنجعل لعنت اللّه على الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۱،۲۷،۲۸

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا . .. لعنهم اللّه بكفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن

لعنهم اللّه بكفرهم . .. الّا قليلا

بنابر اينكه <قليل> استثناء از مفعول در <لعنهم اللّه> باشد. نصب <قليلا> اين احتمال را تأييد مى كند.

۲۸ گرفتارى يهود به لعنت الهى ، موجب دورى آنان از ايمان به پيامبر (ص) و اسلام

لعنهم اللّه بكفرهم فلا يؤمنون الّا قليلا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۴۷ – ۱۵،۱۷،۲۱

۱۵ هشدار خداوند به اهل كتاب در مورد گرفتارى آنان به لعن الهى در صورت كفر به قرآن

يا ايها الذين اوتوا الكتب . .. او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۷ كافران به قرآن در خطر گرفتارى به لعنتى ، همسان لعنى كه اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . .. او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السَّبت

۲۱ مسخ كافرانِ به قرآن و يا گرفتارى آنان به لعنت ، سنت الهى

من قبل ان نطمس وجوهاً . .. او نلعنهم ... و كان امر اللّه مفعولا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱،۲،۴

۱ اهل كتاب (علماى يهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشى و همسويى با كفار عليه مسلمانان

الم تر . .. اولئك الّذين لعنهم اللّه

۲ ايمان به جبت و طاغوت (كفر و شرك) موجب لعن خداوند

الم تر . .. اولئك الّذين لعنهم اللّه و من يلعن اللّه فلن تجد له نصيراً

۴ همسويى با كافران عليه مسلمانان ، از موجبات لعن الهى است .

يقولون . .. هؤلاء اهدى من الّذين امنوا سبيلا. اولئك الّذين لعنهم اللّه

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۹

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم میثقهم . .. و قتلهم الأنبیاء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم . ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۹

۹ نسبت دادن فحشا و بی عفتی به پاکدامنان (قذف) ، حرام و موجب دوری از رحمت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن> داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی> به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده

- ۵ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گنهکاران

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل . .. کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

از حضرت علی(ع) روایت شده: . .. و لما وقع التقصیر فی بنی اسرائیل جعل الرجل منهم یری اخاه علی الذنب فینهاه فلاینهی فلایمنعه ذلک من ان یکون اکیله و جلیسه و شریبه حتی ضرب اللّه عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فیهم القرآن حیث یقول عزوجل <لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل ... کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه ... .>

ثواب الاعمال مترجم، ص ۵۹۷، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱ - تداوم تعرض به زنان مسلمان ، از سوی منافقان ، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً. ملعونین

<ملعونین> حال برای

ضمیر فاعلی <لایجاورون> است.

۲ - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان ، از سوی بیماردلان ، موجب سخت گیری پیامبر (ص) بر آنان ، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ

۳ - ادامه شایعه پراکنی ، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (ص) و در نتیجه ، آواره شدن همراه با لعن بود .

لئن لم ینته . .. و المرجفون ... لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً . م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۷

۷ - تکبر ، خودبرتربینی و سرپیچی از فرمان خداوند ، زمینه ساز لعن و نفرین ابدی

إلاّ إبلیس استکبر . .. و إنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

موجبات لعن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۵

۵ ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون.کانوا لایتناهون

موجبات لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۹

۹ ناتوان پنداشتن خداوند بر تدبیر جهان ، موجب گرفتار شدن به لعنت و دور ماندن از رحمت وی

و قالت الیهود یداللّه مغلوله . .. و لعنوا بما قالوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۹ – ۵

۵ ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون.کانوا لایتناهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۰ – ۳

۳ انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران ، موجب لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

و أُتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیمه ألا إن عادًا کفروا ربهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۹ – ۲

۲ نپذیرفتن رسالت پیامبران ، مایه گرفتار شدن به لعنت خدا و دوری از رحمت او در دنیا و آخرت است .

و لقد أرسلنا موسى . .. و أَتبعوا فى هذه لعنه و يوم

القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۶

۶ - نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

نجات از لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۱

۱ - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أولئک یلعنهم اللّه . .. إلا الذین تابوا

هدایت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

بنـابر اینکـه <قلیلا_> اسـتثناء از فاعـل <یؤمنـون> باشـد، مفهـوم جمله <لعنهم اللّه> چنین می شـود که عـده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

لعن خدا

آثار لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۳،۱۰،۶

۶ - قرار گرفتـن حجـاب بر قلـب و انـدیشه یهودیـان ریشـه در فطرت و خلقـت آنـان نـدارد بلکه کفرورزی و دور شـدنشان از رحمت الهی

موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بكفر هم فقليلا

چنـانچه گـذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> اسـتفاده می شود و آن معـذور بودن یهود به خاطر نفهمیـدن است. کلمه <بل> معـذور بودن یهود را نفی می کنـد و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنـان به وجود آمـده نه اینکه فطرتـاً این گونه باشـند و این چنین نفهمیـدنی - که خود آدمی زمینه سـاز آن باشـد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۱۰ - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم اللّه بكفر هم فقليلا ما يؤمنون

فـاء تفریع در <فقلیلاـ مـا . ..> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شـده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

۱۳ - دور شدن از رحمت خدا و گرفتار آمدن به لعنت او ، مستلزم جبر به عدم ایمان نخواهد شد .

لعنهم اللّه بكفر هم فقليلا ما يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئک يلعنهم اللّه . .. إلاّ الذين تابوا و أصلحوا و بينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸،۲۹

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم اللّه بكفرهم فلا يؤمنون الّا قليلا

۲۹ لعنت الهی ، زمینه

محرومیت از هدایت و ایمان

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۶

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۵،۲۳،۲۴

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیاناً و کفراً

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا . .. و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جمله <و القینا . ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

۲۴ جوامع گرفتار به لعنت الهی ، همواره در خطر دشمنی و کینه توزی با یکدیگر

و لعنوا بما قالوا . .. و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمى أبصرهم

زمینه لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد

- ۴۷ - ۲۳ - ۹

۹-ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئک الذین لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمی أبص

هر چند فعل های <أصمّ> و <أعمی> به خداوند نسبت داده شده، امااین مستلزم جبر نیست; زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود; بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۶

۶ - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئک یلعنهم اللّه . .. إلاّ الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۱ – ۱

۱ – کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت

فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنه اللّه و الملئكه و الناس أجمعين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۶ – ۲۰،۲۱،۲۷

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم اللّه بكفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا . .. لعنهم اللّه بكفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم اللّه بكفرهم . .. الّا قليلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم اللّه> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۷ – ۱۵،۱۶،۱۸

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

يا ايها الذين اوتوا الكتب . .. او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۶ گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۸ لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم اللّه . . فلا يؤمنون ... او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السَّبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱۰،۹،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه و من یلعن اللّه فلن

تجد له نصيراً

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

۴ همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنهم اللّه

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یاوری نخواهند داشت .

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله <فلن تجد . .. > ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱

۱ خلود در جهنّم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من یقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فیها و غضب اللّه علیه و لعنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۸ – ۱

۱

شیطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۹،۱۰

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم میثقهم . .. و قتلهم الأنبیاء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم . ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷،۸

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ،

کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۳،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹

۱۳ گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

۱۶ گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

۱۷ بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه اللّه و غضب علیه و جعل منهم . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران <مکاناً> را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

۱۸ طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه اللّه . .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۱۴

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن . ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه اللّه علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از

رحمت او

المنفقين . .. و الكفار ... لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۳

۳ لعنت الهى و دور شدن از رحمت او ، عطايى شوم و سزايى ناگوار است .

بئس الرفد المرفود

كلمه <الرفد> (عطيه و بخشش) فاعل براى <بئس> است و <ال> در آن <ال> جنسيه مى باشد و <المرفود> (عطيه و بخشش) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذكرى بوده و اشاره به لعنت و دورى از رحمت خداست. بنابراين <بئس الرفد المرفود>; يعنى، آن عطيه (گرفتارى به لعنت خدا) بد عطيه و بخششى است.

مشمولان لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۱

۱- ابليس ، به دليل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدى خداوند قرار گرفت .

و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۶

۶ - ستم كاران ، مورد لعن و نفرين خداوند

فبعدًا للقوم الظلمين

نصب <بُعداً> به عنوان مفعول مطلق براى فعل محذوف مى باشد; يعنى، <بعدوا بُعداً>. گفتنى است كه <بُعداً> از جمله مصدرهايى است كه همواره به جاى فعل مى آيد; يعنى، دور باد[از رحمت خدا] گروه ستم كاران!

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۴ – ۹

۹ – جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعدًا لقوم لایؤمنون

کلمه <بُعداً> منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف; یعنی، <بعدوا

بُعداً>. گفتنی است که <بُعداً> از مصادرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۷ – ۳

۳ – مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۲ – ۱

۱ – لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۷ – ۱،۴،۵،۶

۱ – آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (ص) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إنّ الذین یؤذون اللّه و رسوله لعنهم اللّه فی الدنیا و الأخره

۴ – کسانی که وارد منزل پیامبر (ص) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لامستئنسین لحدیث إنّ ذلکم کان یؤذی النبیّ . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعن

۵ – منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعْ أذیهم . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

۶ – مذاکره کنندگان بی پرده و رو در رو با همسران پیامبر که موجب آزار دادن رسول خدا (ص) است مشمول لعن خداوندند .

و إذا سألتموهنّ متعًا فسئلوهنّ من وراء حجاب. .. و

ما كان لكم أن تؤذوا رسول اللّ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۴ – ۱

۱ – همه كافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إنّ اللّه لعن الكفرين

<ال> در <الكافرين> مى تواند براى استغراق باشد. بنابراين، همه كافران را شامل مى شود.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۱،۴

۱- عناصر بيماردلِ روى گردان از جهاد و دستورات الهى ، مورد نفرين خداوند

رأيت الذين فى قلوبهم مرض . .. فهل عسيتم إن تولّيتم ... أولئك الذين لعنهم اللّه

برداشت ياد شده بنابر اين نكته است كه مشاراليه <أولئك>، كسانى باشند كه <تولّيتم> خطاب به آنان است و <تولّى> به معناى روى گردانى از جهاد و يا مجموعه فرمان هاى حق باشد.

۴- واليان و حاكمان فسادگر و بى عاطفه ، مورد نفرين الهى

إن تولّيتم أن تفسدوا فى الأرض . .. أولئك الذين لعنهم اللّه

برداشت بالا بنابراين نكته است كه <أولئك> اشاره باشد به همه متوليان امر كه فسادگر و قطع كننده رحم اند و گروهى از آنان در آيه قبل، مخاطب <إن تولّيتم أن تفسدوا. ..> قرار گرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۶ – ۱۱

۱۱ – منافقان و مشركان ، مورد خشم و نفرين الهى و به دور از رحمت او

و غضب اللّه عليهم و لعنهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقًا

لأصحب السعير

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدّر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثمّ قتل کیف قدّر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثمّ> برای دلالت بر تفاوت رتبه است; یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۸

۸ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) . . . < قتل الإنسان ما أکفره > أی لعن الإنسان ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که در معنای <قتل الإنسان ما أکفره> فرمود: یعنی لعنت بر این انسان [چقدر ناسپاس است]>.

مظاهر لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۶

۶ - عذاب اخروی ، جلوه ای از لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

أولئك عليهم لعنه اللّه . .. خلدين فيها لايخفف عنهم العذاب

جمله <لايخفف عنهم العذاب> پس از <خالدين فيها> بیانگر آن است که: اثر لعنت الهی در قیامت، عذاب دوزخ

است.

موجبات لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۹

۹ ناتوان پنداشتن خداوند بر تدبیر جهان ، موجب گرفتار شدن به لعنت و دور ماندن از رحمت وی

و قالت الیهود یداللّه مغلوله . .. و لعنوا بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۵

۵ ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون.کانوا لایتناهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۳

۳ انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران ، موجب لعنت خدا و دوری از

رحمت اوست .

و أُتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیمه ألا إن عادًا کفروا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۲

۲ نپذیرفتن رسالت پیامبران ، مایه گرفتار شدن به لعنت خدا و دوری از رحمت او در دنیا و آخرت است .

و لقد أرسلنا موسی . .. و أُتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۶

۶ - نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

نجات از لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۱

۱ - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أولئک یلعنهم اللّه . .. إلا الذین تابوا

لعن شدگان

{لعن شدگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۱،۲

۱ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر مرتدّان

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

۲

لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

ایمان لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

بنابر اینکه <قلیلا> استثناء از فاعل <یؤمنون> باشد، مفهوم جمله <لعنهم اللّه> چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱۰،۹،۵

۵ لعنت شدگان الهی ، هرگز یاوری نخواهند داشت .

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

۹ کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله <فلن

تجد . .. > ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

۱۰ کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

کلمه <لن>، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

لعن شدگان مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۷ – ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّه و الملئکه و النّا

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

لعن شدگان ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۷ – ۱،۶

۱ بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّه و الملئکه و النّا

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

محرومیّت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۶

۶ مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

هدایت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۶

۲۶ امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لکن لعنهم اللّه بکفرهم فلا یؤمنون الّا قلیلا

بنابر اینکه <قلیلاً> استثناء از فاعل <یؤمنون> باشد، مفهوم جمله <لعنهم اللّه> چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

لغزش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لغزش}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۴

۴ رهبران الهی ، حتّی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

آثار لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۷

۷ - خطا ها و لغزش ها ، زمینه ابتلای مؤمنان به رنج ها و سلطه کافران است . *

ربّنا لاتجعلنا فتنه . .. و اغفرلنا

ارتباط <واغفر لنا> با <لاتجعلنا فتنه. ..>، ممکن است از این جهت باشد که یکی از عوامل <فتنه> (مفتون و معذّب شدن) گناهان است. از این رو در تکمیل دعای <لاتجعلنا...>، طلب آمرزش شده است.

آثار لغزش در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۶

۶ لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد ،

موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد .

و یوم حنین . .. ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها

آثار لغزش مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۶

۶ لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد ، موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد .

و یوم حنین . .. ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها

آمرزش لغزش متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۱۵

۱۵– راه یافتن تقواپیشگان به بهشت ، پس از غفران لغزش های دنیوی آنان از سوی پروردگار

الجنّه الّتی وعد المتّقون فیها . .. و مغفره من ربّهم

با توجه به این که در بهشت، زمینه لغزش و گناه نیست; تعبیر <مغفره> نظر به خطاهای دنیوی دارد که به هر حال حتی همه اهل تقوا از آن مصون نیستند.

اجتناب از لغزش قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۳ – ۳۰

۳۰ – قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

خطر لغزش انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۱۰

۱۰ – همه انسان ها در معرض گناهو لغزش اند .

و استغفر لذنبک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱

- ۱۸ - ۳

۳ - انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم یستغفرون

زمینه لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۳

۳ ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۹

۹ انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال للّه و الرسول فاتقوا اللّه

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۶

۶ وجود زمینه های لغزش و گناه در بهرهوری از غنایم

فلکوا . .. و اتقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۴ - ۵

۵- فراوانی مال و فرزند ، زمینه لغزش و غرور انسان است .

لأحدهما جنّتين . .. فقال لصحبه و هو يحاوره أنا أكثر منک مالاً و أعزّ نفرًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدين و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصّينا الإنسن بولديه إحسنًا

توصيه الهی به لزوم احسان به والدين علی رغم طبيعی و فطری بودن چنين پيوند و تمايلی در وجود انسان نشانگر اهميت و

حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) و مؤمنان واقعی ، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۸

۸ - لزوم پرهیز از زمینه های لغزش وابتلا به گناه

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم

در آیه شریفه برای این که خداوند مؤمنان را از بسیاری از گمان ها پرهیز دهد، به آنان یادآور شده که این مسیر، اصولاً امن نیست و در مواردی به گناه منتهی می شود. مفهوم این استدلال، این است که هر راهی که ناامن و در معرض گناه قرار دارد، باید از آن پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۴

۴ - انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرونهادن مسؤولیت ها *

لکلّ أوّاب حفیظ

واژه <أوّاب> در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد و نیازمند به آن باشد که خویش را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۲

۲ - وابستگی و دلبستگی به اموال و اولاد ، زمینه ساز لغزش انسان

ها و ممانعت از دین داری است .

إنّما أمولکم و أولدکم فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - قدرت اقتصادی ، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

تقدیم ذکری <ماله> بر <ولده>، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

زمینه لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ - اهل زمین ، در طبیعت زمینی خود بدون بهره گیری از وحی و شریعت الهی مبتلا به لغزش و گمراهی اند .

کذلك یوحی . .. و یستغفرون لمن فی الأرض

زمینه لغزش اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۲

۱۲- سلطه اولیای مقتول بر قاتل ، زمینه لغزش و زیاده روی آنان در اعمال سلطه خویش

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل

نهی الهی، نوعی هشدار است و هشدار، نشانگر وجود لغزشگاه می باشد و <فاء> در <فلایسرف> که برای نتیجه است نیز تأیید دیگری است بر مطلب فوق.

زمینه لغزش در ارزیابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۸

۸ - تصوّر ، شیفتگی نسبت به ترسیم و تحلیل های ذهنی خود ، زمینه لغزش در محاسبات

بل ظننتم . .. و زیّن ذلک فی قلوبکم

زمینه لغزش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری -

۸ - ۱۵ - ۴۲

۸ - رهبران جامعه اسلامی ، در خطر به سازش کشیده شدن و سستی در برابر فشار ها و تهدید های سخت دشمنان

و استقم کما أمرت و لاتتّبع أهواءهم

زمینه لغزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ . .. ربّکم أعلم ... إن تکونوا صلحین فإنه کان للأوّبین غفو

زمینه لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند تذکّر و هشدار مکرّر

یأیّها الذین ءامنوا أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول و لا تبطلوا أعملکم

از تکرار <أطیعوا> و نهی <لاتبطلوا> در مورد مؤمنان، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۱

۱۱ - امکان گرفتار آمدن مؤمنان به لغزش و خطا ; حتی با داشتن مراتب بالای ایمانی *

لیزدادوا إیمنًا . .. لیدخل المؤمنین ... و یکفّر عنهم سیّئاتهم

بنابراین که مراد از <سیّئات>، صرفاً گناهان و لغزش های قبل از ایمان نباشد; بلکه مطلق لغزش های قبل از ایمان و بعد از آن را دربرگیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۲

۲ - اهل ایمان ، در معرض خطر ایجاد ارتباط دوستانه با دشمنان خدا

یأیّها الذین ءامنوا لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء

نهی معمولاً در

جایی صورت می گیرد که زمینه ابتلا و ارتکاب به عملی وجود دارد; به ویژه که شأن نزول خبر از چنین مشکلی می دهد.

زمینه نگرانی از لغزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۶

۱۶- احاطه علم الهی بر احوال آدمی ، مقتضی نگرانی انسان از لغزش های خود و روی آوری به استغفار

و استغفر . .. و اللّه یعلم متقلّبکم و مثویکم

از ارتباط دو بخش آیه (<استغفر> و <و اللّه یعلم. ..>) مطلب بالا استفاده می شود.

عفو از لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۵

۱۵ ضرورت پرهیز از خرده گیری بر انسان های باگذشت

فمن تصدق به فهو کفاره له

خداوند به صاحبان حق قصاص در صورت گذشت آنان از حق خود، وعده آمرزش داده است و این درسی است به بندگان که از لغزش انسانهای باگذشت چشمپوشی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۴

۴ گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

عوامل لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ - لزوم استعاذه به خدا و یاری جستن از او برای دور ماندن از کردار های جاهلانه و لغزش های برخاسته از جهل

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

۲۲ - جهل و نادانی خطر

آفرین و منشأی برای لغزشهاست .

أعوذ باللّه أن أكون من الجهلین

پناه بردن، كه معنای عیاذ (مصدر أعوذ) است، به هنگامی است كه آدمی از شر چیزی در هراس باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳ – ۸

۸ – تعدّد زوجات ، لغزشگاهی برای انحراف از عدالت

فانكحوا . .. مثنی و ثلث و رباع فان خفتم الّا تعدلوا فواحده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۸ – ۲۰

۲۰ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی بس خطرناك برای حاكم و قاضی

فاحكم . .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۱۸

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۰ – ۷،۱۰

۷ زندگانی دنیا فریبنده و لغزشگاهی پر مخاطره است.

و غرتهم الحیوه الدنیا

۱۰ لزوم هشیاری در برابر فریبندگی زندگانی دنیا و لغزشگاههای پر جاذبه آن

و غرتهم الحیوه الدنیا

هدف از بیان این جمله (و غرتهم . ..)، که به عنوان عامل انحراف ذکر گردیده، هشدار به عموم مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۵،۷

۵ کمی رهپویان راه خدا نباید موجب تزلزل رهپویان در برابر اکثریت مردم گمراه گردد.

و إن تطع أکثر من فی الأرض یضلوک

۷

گرایش به همسویی و همشکل شدن با توده های مردم در عقاید و افکار، لغزشگاهی خطرناک برای رهروان حق است.

و إن تطع أکثر من فی الأرض یضلوک

نهی از پیروی از اکثریت، بیانگر جاذبه عظیم عقاید اکثریت و خطر لغزش به سوی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۱

۳۱ - رویارویی مستقیم زنان و مردان نامحرم ، لغزش آفرین است و باید از آن اجتناب کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

عوامل لغزش رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم

عوامل لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم

فراموشی لغزش های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۵

۱۵ - امتنان الهی بر مؤمنان بهشتی ، با زدودن یاد تلخ لغزش های دنیوی از خاطره آنان *

و یکفّر عنهم سیّئاتهم

بـا توجّه به این که مسأله تکفیر سـیّئات پس از ورود مؤمنان به بهشت مطرح شـده است در حالی که رتبه تکفیر، قبل از مرحله ورود به بهشت است احتمال می رود که

مراد از تكفير در اين جا، بخشش گناهان نباشد; بلكه پوشاندن گناهان مورد نظر باشد; به گونه اى كه بهشتيان ديگر از آن پس، با به ياد آوردن لغزش هاى گذشته شرمنده و مكدّر نشوند.

كيفر لغزش رهبران دينى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۳

۳- كمترين لغزش رهبران الهى از مواضع تعيين شده به وسيله وحى ، داراى كيفرى دو چندان در دنيا و آخرت

تركن إليهم شيئًا قليلًا. إذًا لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

لغزش آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - شيطان با ترغيب آدم (ع) و حوا به بهره گيرى از شجره منهيه ، آنان را به لغزش و نافرمانى خداوند كشانيد .

فأزلّهما الشيطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معناى: لغزانيدن و به گناه واداشتن است. ضمير در <عنها> مى تواند به <الجنه> برگردد; يعنى، شيطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نيز مى تواند به <الشجره> برگردد; يعنى، شيطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار كرد، گناهى كه سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومين احتمال است.

۵ - فاصله زمانى ميان سكونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله اى نسبتاً كوتاه و اندك بود .

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنه . .. فأزلّهما الشيطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آيه قبل به وسيله حرف <فا> مى تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

لغزش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۴

۴ انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت خداوند *

أولئک هم المؤمنون حقا لهم . .. مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - هشدار خداوند به قرار داشتن انسان در معرض عوامل متعدّد انحراف آفرین

فلاتغرّنّکم الحیوه الدنیا و لایغرّنّکم باللّه الغرور

لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۸

۴۸- همه انسان ها حتی مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت الهی

وعد اللّه الذین . .. مغفره

این که خداوند، به مؤمنان دارای عمل صالح نوید مغفرت داده است; در حقیقت می نمایاند که بعضی از لغزش ها، برای همگان متوقع است و در صورت حفظ ایمان و عمل صالح، قابل جبران و بخشش است.

لغزش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۶

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد

خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إنّ الذین ءامنوا . .. لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

لغزش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلّهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنه> برگردد; یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد; یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . .. فأزلّهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۳ – ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

لغزش در عقیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۱۵

۱۵ – خداوند به انسان ها درباره لغزش در عقیده و رفتار ناصحیح با والدین ، هشدار می دهد .

و إن جهداک علی أن تشرک بی . .. فلاتطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفًا و اتّبع سب

لغزش در مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۰ – ۱۶

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إنّ الذین ءامنوا . .. لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

لغزش در مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۰ – ۳

۳ مؤمنان در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول و نیازمند هشدار

یأیها الذین ءامنوا . .. و لا تولوا عنه

لغزش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۲ – ۲۵

۲۵ احتمال بیشتر لغزش و فراموشی زنان نسبت به مردان

ان تضلّ احدیهما فتذکّر احدیهما الاخری

جمله <ان تضلّ> در مقام تعلیل برای جایگزینی دو زن به جای یک مرد است.

لغزش قاضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۸ – ۲۰

۲۰ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی بس خطرناک برای حاکم و قاضی

فاحکم . .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءک من الحق

لغزش قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۳ – ۳۰

۳۰ – قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

لغزش کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۵ – ۹

۹– محرومان از هدایت الهی ، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند .

إذ جاءهم الهدی و یستغفروا ربّهم

این که می فرمایـد: <چرا مردمـان، با آمـدن هـدایت، اسـتغفار نمی کننـد؟>، نشان می دهـد که قبل از آمـدن هـدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

لغزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۲ - ۱

۱ - کفر و بی ایمانی ، راهی است لغزنده ، پرپیچ و خم و بی مقصدی روشن

أفمن یمشی مکبًّا علی وجهه أهدی

آیه شریفه، ضرب المثلی برای انسان های کافر و مؤمن است. عبارت <مکبّاً علی وجهه> (پی در پی به رو افتاده)، اشاره به

لغزنـده بودن راه کفر است و به قرینه <سویّاً> فهمیـده می شود که کافر، راه درست و مقصـد خود را نمی شـناسد و به قرینه <صراط مستقیم>، استفاده می شود که راه کفر، پرپیچ و خم و ناهموار است.

لغزش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۲

۲ امکان لغزش تقواپیشگان و ارتکاب گناه از سوی آنان

اعدّت للمتّقین . .. و الّذین اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم

لغزش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۷

۷ - انسان ها ، حتی محسنان ، در معرض ارتکاب لغزش ها و خطاهایند .

و یجزی الذین أحسنوا . .. الذین یجتنبون کبئر الإثم و الفوحش إلاّ اللّمم

لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۴

۴ انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت خداوند *

أولئک هم المؤمنون حقا لهم . .. مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۹،۱۰

۹ خداوند ، بخشنده گناهان و لغزش های مؤمنان حقیقی و راستین

لهم مغفره و رزق کریم

۱۰ همه انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، از خطا و گناه مصون نیستند و نیازمند مغفرت الهی هستند .

أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۴

۴ - مؤمنان ، از

لغزش و گناه ، مصون نیستند .

و الذین ءامنوا . .. لنکفّرنّ عنهم سیّئاتهم

<سیّئات> مطرح شده در آیه، می تواند مربوط به قبل از ایمان و می تواند مربوط به بعد از ایمان باشد. نکته بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۶

۶ - انسان های مؤمن نیز در معرض لغزش و نیازمند آمرزش اند . *

الذین ءامنوا . .. أُولئک لهم مغفره

این که خداوند فرموده است: برای مؤمنان قطعاً مغفرتی وجود دارد، به ملازمه دلالت بر وجود لغزش می کند و اگر نه آمرزیدن معنا نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۲

۱۲ - لغزش های مؤمنان ، مانع ورود آنان به بهشت نخواهد بود .

و یکفّر عنهم سیّئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۳

۳ - هشدار خداوند به مؤمنان ، نسبت به لغزش و نافرمانی کردن به خاطر دلبستگی و وابستگی به مال و فرزند

إنّما أمولکم و أولدکم فتنه

لغزش همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۲

۳۲ – همسران پیامبر مانند سایر زنان ، در معرض لغزش بودند .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

موانع لغزش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۷ – ۶

۶ – باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطا ها

و لغزشها

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

جمله <أتحدثونهم . .. لیحاجوکم> در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها - چه در خفا و چه آشکار - از لغزشها باز ایستند.

موانع لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۵

۵ - رحمت ، فضل ، توبه پذیری و حکمت خداوند ، جلوگیر مؤمنان از سقوط بر اثر لغزش ها و نادانی هایشان

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته و أنّ اللّه توّاب حکیم

جواب <لولا> محذوف است و آنچه می تواند محذوف باشد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۲۱ همان مضمونی است که در برداشت یاد شده آمده است.

مؤمنان و لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۶

۶- مؤمنان بدون عنایت خداوند در معرض لغزشند .

یثبت الله الذین ءامنوا بالقول الثابت فی الحیوه الدنیا و فی الأخره

از اینکه خداوند فرمود: مؤمنان را با سخن استوار ثابت قدم می داریم و تثبیت را به خود نسبت داده است، استفاده می شود که مؤمنان نیازمند به تثبیت هستند و بی عنایت خداوند در معرض لغزش و تزلزل خواهند بود.

لغزشگاهها

اهمیت شناخت لغزشگاهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۱۸ - ۱۹ - ۳۶

۳۶- لزوم آگاه ساختن مسؤولیّت پذیران از خطرات و لغزش گاه های منصب ها و موقعیت های اجتماعی آنان

ولیتلطّف و لایشعرنّ بکم أحدًا

لغو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لغو

آثار اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۱

۱ - دستیابی به سعادت اخروی ، مشروط به روی گردانی از کار های بیهوده و سخنان بی فایده است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم عن اللغو معرضون

<الذین> در آیه فوق عطف بر <الذین> در آیه پیش و در معنای نعت دیگری برای <المؤمنون> می باشد. <لغو> به سخن و کار بیهوده و عبث گفته می شود. <ال> در <اللغو>، <ال> جنس و مفید استغراق است. بنابراین <اللغو> شامل هر سخن بیهوده و هر کار عبث و بی فایده می شود.

آثار اعراض از عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۱

۱ - دستیابی به سعادت اخروی ، مشروط به روی گردانی از کار های بیهوده و سخنان بی فایده است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم عن اللغو معرضون

<الذین> در آیه فوق عطف بر <الذین> در آیه پیش و در معنای نعت دیگری برای <المؤمنون> می باشد. <لغو> به سخن و کار بیهوده و عبث گفته می شود. <ال> در <اللغو>، <ال> جنس و مفید استغراق است. بنابراین <اللغو> شامل هر سخن بیهوده و هر کار عبث و بی فایده می شود.

آثار اعراض از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۳ خشوع در نماز ، اجتناب از لغو (گفتاربیهوده و کردار عبث) ، پرداخت زکات ، عفت و پاک دامنی ، امانت داری ، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن ، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم ... أُولئک هم الورثون

آثار روانی لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۳

۳ - تأثیر سوء بیهوده گویی و نسبت های ناروا دادن ، در سلامت روحی و روانی جامعه

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

آثار سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۴

۴ - آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم عن اللغو معرضون

آثار عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۴

۴ - آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم عن اللغو معرضون

اجتناب از استماع سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۵ – ۴

۴ – پرهیز از گوش دادن به سخنان یاوه و دروغین ، حالتی پسندیده است .

لایسمعون فیها لغوًا

اجتناب از سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب

- ۳۳ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - همسران پیامبر ، به بر زبان جاری ساختن سخنانی درخور شأن شان و به دور از هرگونه خواسته و یا سخن بیهوده ، موظف بودند .

و قلن قولاً معروفًا

احتمال دارد که مراد از <قول معروف> به قرینه <إن کنتنّ تردن الحیاه الدنیا> خواسته ها و سخنانی باشد که در شأن همسری پیامبر نبوده و پرهیز از سخن گفتن باطل و پوچ باشد.

اجتناب از سوگند لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ رزق های خدادادی ، جواز بهره جویی از آنها و گذشت از سوگند های لغو ، نعمتی الهی و بایسته سپاسگزاری

و کلوا مما رزقکم اللّه حللا طیباً . .. کذلک یبین اللّه لکم ءایته لعلکم تشکرون

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد توجه از جمله <کذلک یبین اللّه لکم ءایته> مسایلی است که در آن آیات بیان شد از جمله خدادادی بودن روزیها و . .. .

اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از لغو (بی فایده گویی و بیهوده کاری) ، توصیه خداوند به اهل ایمان

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۵،۶،۱۰

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا

باللغو مرّوا کرامًا

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۱۰ < عن أبی عبداللّه (ع) : . . . و فرض علی السمع أن یتنزه عن الإستماع إلی ما حرّم اللّه . . . فقال فی ذلک : . . . و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً . . . ;

از امـام صادق(ع) روایت شـده که فرمود: . ..[خداونـد] بر گوش فرض نموده که از شـنیدن آنچه حرام گردیـده، پرهیز کنـد... پس در این باره فرموده است:... <و إذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً...>.

اعراض از عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از لغو (بی فایده گویی و بیهوده کاری) ، توصیه خداوند به اهل ایمان

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۸

۸ گذر از گفتار و کردار لغو و بیهوده و پرهیز از حضور در این گونه مجالس ، نشان کرامت و بزرگواری انسان است .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

اعراض از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۱ - ۴

۴ - پرهیز از گفتن و شنیدن سخنان نسنجیده ، بی ثمر و زشت ، کاری پسندیده و مطلوب است .

لاتسمع فیها لغیه

پیراسته خواندن بهشتیان از شنیدن گفتار <لغو>، بیانگر ناروا بودن آن است.

اهمیت اجتناب از سخن لغو

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۵ – ۳

۳ – لزوم پرهیز از گفتن سخن های یاوه و زشت

لایسمعون فیها لغوًا

توصیف بهشتیان به خصلت های نیک، ترغیب به کسب آن صفات در دنیا است.

اهمیت اجتناب از لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۵ – ۵

۵ – رعایت ادب در سخن گفتن و پرهیز از بیهوده گویی ، امری ستوده و مورد توصیه خداوند

و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

اهمیت اعراض از سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۲

۲– پرهیز از هرگونه سخن لغو و بیهوده ، لازم است .

لایسمعون فیها لغوًا

اوصاف بهشتیان علاوه بر جنبه توصیفی، می تواند حاوی توصیه ها و نکته هایی; از جمله زشتی سخن بیهوده و کار لغو و ضرورت پرهیز از آن باشد.

بهشتیان و سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۱

۱- در بهشت عدن ، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده . .. لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، کلام و یا هر چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث به قرینه <استماع> مراد از <لغو> کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۵ - ۵،۶،۷

۵ - گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از هر گونه سخن

زشت و بیهوده است .

لایسمعون فیها لغوًا

۶ – بهشتیان ، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذّابًا

<کذّاباً> یا به معنای <کَذِباً> (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد <و لا کذّاباً> این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود؛ زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

۷ – نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و کأسًا دهاقًا . لایسمعون فیها لغوًا و لا کذّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

بهشتیان و لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۱ – ۱،۲،۳

۱ – بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

لاتسمع فیها لغیه

<کلام لغو>؛ یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه <لاغیه>؛ یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که <لاغیه> اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد؛ یعنی، سخنی که حتی اندکی از <لغو> را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

۲ – اهل بهشت ، هیچ گونه سخن لغو و بیهوده ای در آن جا نمی گویند .

فی جنّه . .. لاتسمع فیها لغیه

شنیده نشدن

<لغو>، نشانه نبودن آن است.

۳ – نشنیدن سخن لغو و بیهوده ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . .. لاتسمع فیها لغیه

دعا با لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۵ – ۵

۵ آمیختنِ عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده ، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

روش برخورد با سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۲ – ۵،۶

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

زشتی لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۴

۴ – زشتی و ناروایی بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا به دیگران

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

سوگند لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۴ – ۴

۴ سوگند بر ترک کار های خیر ، تعهّدآور نیست .

و لا تجعلوا الله عُرضه لایمانکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۵ – ۱،۲،۵،۸

۱ خداوند کسی را به خاطر سوگند بیهوده اش مؤاخذه نمی کند .

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم و لکن

مراد از سوگند

لغو، سوگندهایی است که معمولا به خاطر عادت بر زبان جاری می شود; بدون اینکه یادکننده سوگند، نسبت به آن قصد قلبی داشته باشد. این معنا از مقابله <باللغو> با <بما کسبت قلوبکم> به دست می آید.

۲ سوگند های لغو و بیهوده ، تعهّدآور نیست .

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم

۵ ناپسندی سوگند های بیهوده و لغو *

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم . .. و اللّه غفور حلیم

از آیه مزبور استفاده می شود که یادکننده سوگندهای بیهوده، استحقاق مؤاخذه را دارد; ولی خداوند تفضّلا او را مؤاخذه نمی کند. این برداشت، مخصوصاً با تکیه بر صفت <غفور> که در پایان آیه آمده است، استفاده می شود.

۸ عدم مؤاخذه بر سوگند های لغو ، جلوه ای از مغفرت و حِلم پروردگار

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم . .. و اللّه غفور حلیم

ظاهراً مغفرت و حلم خدا مربوط به <لا یؤاخذ> است; نه <یؤاخذکم>. چون مغفرت با عدم مؤاخذه مناسب است; نه با مؤاخذه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱،۲،۲۷،۲۸

۱ سوگندهایی که بی هدف و لغو بر زبان جاری می شوند مؤاخذه ای را از سوی خداوند به همراه ندارند .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

<اَیمان> جمع یمین (قسم) و <فی أیمنکم> متعلق به <للغو> می باشد و سوگند لغو به سوگندهایی گفته می شود که از روی عادت و بدون توجه به محتوای قسم بر زبان جاری می شود.

۲ تفضل الهی بر اهل ایمان با برداشتن مؤاخذه و بازخواست از سوگند های لغو و بی هدف .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی

أیمنکم

لحن امتنانی جمله <لایؤاخذکم> می رساند که عدم مؤاخذه نسبت به سوگندهای لغو و بی هدف، برخاسته از تفضل و لطف خدا به مؤمنان است.

۲۷ سوگند بی هدف و غیر جدی به نام خداوند ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

امام صادق(ع) در توضیح معنی <لغو> در آیه فوق فرمود: اللغو قول الرجل <لاواللّه> و <بلی واللّه> و لایعقد علی شییء.

کافی، ج ۷، ص ۴۴۳، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۳.

۲۸ سوگند بر تحریم طیبات و لذاید بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم

از رسول خدا(ص) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: <فما بال اقوام یحرمون علی انفسهم الطیبات . .. فقاموا هولاء فقالوا یا رسول اللّه فقد حلفنا علی ذلک فانزل اللّه تعالی <لایؤاخذکم اللّه باللغو فی أیمنکم ...>.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۵، ح ۳۲۰.

عبادت با لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۵

۵ آمیختنِ عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده ، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

قرآن و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۴ - ۱

۱ - ساحت قرآن و آیات معاد ، از بذله گویی و سخنان سست و بی پایه ، مبرّا است .

و ما هو بالهزل

<هَزْل> و <هُزال> از یک ریشه

اند و بر ضعف و سستی دلالت دارند. <هَزل> نقطه مقابل <جِدّ> و <هُزال> نقطه مقابل <فربهی> است. (مقاییس اللغه)

لغو در اماکن مقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۶

۶ مکان های مقدس و مخصوص عبادت را نباید به سرگرمی ها و اموری لغو و بیهوده آلوده ساخت .

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلاّ قیلاً سلمًا سلمًا

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است; یعنی، <لایسمعون فیها إلاّ قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

لغو در عبادتگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۶

۶ مکان های مقدس و مخصوص عبادت را نباید به سرگرمی ها و اموری لغو و بیهوده آلوده ساخت .

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

لغو

در مسجد الحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۵ – ۴

۴ بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و انجام کار های بیهوده به عنوان نیایش و پرستش ، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجدالحرام . .. إلا مکاء و تصدیه ... بما کنتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای <کنتم تکفرون> رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است ; یعنی بازداری از مسجدالحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

لغو گواهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۱

۱ شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عثر علی انهما استحقا اثماً فاخران یقومان مقامهما

عَثْر و عُثور مصدر عُثِرَ به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و <استحقا> باب استفعال از <حق> می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از <استحقا> اراده شده است. بنابراین جمله <فان عثر ...> یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ... .

مراد از سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳ – ۶،۷

۶ – < عن أمیرالمؤمنین (ع) : کلّ قول لیس للّه فیه ذکر فلغو . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: هر سخنی که در آن یاد و ذکر خدا نباشد، لغو است. ..>.

۷ – < روی عن أبی عبداللّه

(ع) انه قـال : هو < اللغو > أن يتقوّل الرجـل عليـك بالباطل أو يأتيک بما ليس فيك فتعرض عنه للّه ، و فى روايه آخرى أنّه الغناء و الملاهى ;

از امـام صادق(ع) روايت شـده است كه فرمود: <لغو> اين است كه كسـى سـخن باطلى را به تو ببنـدد، يا چيزى را كه در تو نيست به تو نسبت دهد و تو براى خدا، از او اعراض كنى. و در روايت ديگرى آمده است كه <لغو> غنا و لهويات است.

مراد از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۶،۷

۶ - < عن أميرالمؤمنين (ع) : كلّ قول ليس للّه فيه ذكر فلغو . . . ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است: هر سخنى كه در آن ياد و ذكر خدا نباشد، لغو است. ..>.

۷ - < روى عن أبى عبداللّه (ع) انه قال : هو < اللغو > أن يتقوّل الرجل عليك بالباطل أو يأتيک بما ليس فيك فتعرض عنه للّه ، و فى روايه آخرى أنّه الغناء و الملاهى ;

از امـام صادق(ع) روايت شـده است كه فرمود: <لغو> اين است كه كسـى سـخن باطلى را به تو ببنـدد، يا چيزى را كه در تو نيست به تو نسبت دهد و تو براى خدا، از او اعراض كنى. و در روايت ديگرى آمده است كه <لغو> غنا و لهويات است.

موارد لغو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ كافران مكه به سبب انجام امورى لغو و بيهوده

در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

مؤمنان و سخن لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۳

۳– مؤمنان ، در دنیا از سخنان بیهوده مردم در آزارند .

لایسمعون فیها لغوًا

بیان تمام آنچه در بهشت انجام نمی گیرد نه ممکن است و نه مفید; ولی طرح بعضی از آن امور، مژده ای است به مؤمنان که آنچه در دنیا شما را آزار می داد، آن جا وجود ندارد.

ناپسندی لغو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۶ – ۳

۳ – بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا ، دو بیماری روحی روانی برای انسان ها

إلّا قیلًا سلمًا سلمًا

از تعبیر <سلاماً> استفاده می شود که <لغو> و <تأثیم> که در آیه پیش آمده دو گونه از بیماری است.

نفی سخن لغو در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۵ – ۱

۱ – تقواپیشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لایسمعون فیها لغوًا

<لغو>; یعنی، بی فایـده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سـخنان زشت نیز <لغو> نامیده می شود. (مفردات راغب).
نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است.

ضمیر <فیها> به <مفازاً> برمی گردد; به این اعتبار که مراد از آن <جنّه> (بهشت) باشد.

لقاءالله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لقاءالله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۲

۱۲ کلیه انسان ها ، خداوند را ملاقات خواهند کرد .

و اعلموا انکم ملاقوه

آثار تکذیب لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۲

۲ انکار لقای خدا ، دلبستگی به دنیا و غفلت از آیات الهی ، زمینه ساز اعمال نارواست .

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. أولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون

اشراف قوم نوح و لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۹

۱۹ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای < لقاءالله > و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم و لکنی أریکم قومًا تجهلون

اهمیت ایمان به لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۹

۹ ضرورت ایمان به قیامت و ملاقات خداوند

لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴- ایمان به معاد و لقای پروردگار ، در مجموعه اصول عقیدتی ، دارای اهمیت خاصی است .

کفروا بأیت ربّهم و لقائه . .. فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

تفریط مکذّبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا

تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منـادا قرار گرفتن حسـرت گویـای شـدت و عمق نـدامت است. ضـمناً مرجع ضـمیر <فیهـا>، <حیـات دنیا> گرفته شـده که مرجعی معنوی است.

تکذیب لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۷

۷ - انکار لقای پروردگار و نفی هرگونه مسؤولیت از انسان ، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است .

و قالوا أءذا . .. بل هم بلقاء ربّهم کفرون

حتمیت لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۱

۱ - انسان ها به ملاقات خدا خواهند رفت و تنها به سوی او باز خواهند گشت .

أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۶

۱۶ همه انسان ها با خداوند ملاقات خواهند کرد و به او خواهند رسید .

لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۴

۴ - ملاقات خداوند و حضور در پیشگاه او ، فرجام محتوم هر انسان و با هر نوع کردار است .

یأیّها الإنسن إنّک کادح . .. فملقیه

حسرت مکذّبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن

حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

خجلت اخروی مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران لقاء اللّه در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم

خواسته های مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدراسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أُنزل علینا الملئکه

<رجاء> در لغت به معنای امید است؛ ولی در جمله <لایرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

دلایل حقانیت لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۵

۵ - نزول کتابی آسمانی بر موسی (ع) ، دلیلی بر حقانیت و تحقق لقاءاللّه است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا. .. و لقد ءاتینا موسی الکتب فلاتکن فی مریه من

احتمال دارد به قرینه سیاق مراد از <لقاء>، روز قیامت و معاد باشد و مرجع ضمیر در <لقائه> واژه <بعث> باشد که مستفاد از آیه های ده و چهارده است. بنابراین، معنا چنین می شود: <تو در لقای ربّ که قرآن درباره آن سخن گفته تردیدی به خود راه نده! چرا که قرآن حاوی مسأله لقای ربّ

نازل شده از ناحیه کسی است که تورات را به موسی(ع) داده است.

روز لقاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۴ – ۱،۲،۴

۱ – به هنگام لقاءاللّه ، بر مؤمنان ، با واژه < سلام > ، تحیت گفته می شود .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که اضافه <تحیّت> به ضمیر <هم>، اضافه مصدر به مفعول اش باشد.

۲ – تحیّت بر مؤمنان ، به هنگام لقاءاللّه ، سلامتی و امنیت کامل داشتن است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

احتمال دارد که مراد از <سلام>، معنای اصطلاحی آن باشد که نوعی تحیّت گفتن است و احتمال دارد که معنای لغوی آن باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

۴ – تحیّت مؤمنان به هم ، هنگام لقاءاللّه ، با واژه < سلام > است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه <تحیّت> به ضمیر <هم>، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

روش تحصیل لقاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۹ – ۵

۵ – توحید و پرستش خدای یگانه ، راهی که به لقای خدا می انجامد .

سبیل اللّه

مراد از <سبیل اللّه> (راه خدا) توحید و یکتاپرستی است. تسمیه توحید به <راه خدا> یا بدان جهت است که آیین توحید، خطی است که از سوی خدا ترسیم شده و به وسیله پیامبران به مردم ارائه شده است و یا بدان جهت می باشد که توحید و

یکتاپرستی، راهی است که با پیمودن آن، می توان به خدا رسید و به لقای او دست یافت.

زمان

لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

زمینه لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پرستش خدای یگانه ، راهی به سوی خدا و منتهی به لقای او است .

و یصدّون عن سبیل اللّه

<سبیل اللّه> یعنی راه خدا <راه خدا> می تواند به معنای راهی باشد که <خدا برای اهل ایمان ترسیم و تعیین کرد> و یا می تواند به معنای راهی باشد که <به سوی خدا و به او منتهی می شود>. برداشت فوق بر پایه معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی وجود یافتن قیامت و ملاقات انسان ها در آن ، با خداوند است .

إلی ربّک کدحًا فملقیه

زیانکاری مکذّبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱،۵

۱ تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه

۵ کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <الساعه> می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق <الساعه> به معنی مرگ گرفته شده است.

ظن به لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۵

۵ - گمان

به لقای خدا و بازگشت به او ، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

به کارگیری <یظنون> (گمان دارنـد) در مسأله رجوع به خداونـد - که هر مسـلمانی بایـد اعتقاد جزمی به آن داشـته باشد - اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسـزایی داشـته و مایه فروتنی خواهد شد.

فرجام مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - انکـار لقـای پروردگار از سوی کافران ، باعث نمی شود که آنان در پیشـگاه خـدا حاضـر نشونـد ، بلکه به اجبار به سوی خدا باز خواهند گشت .

بل هم بلقاء ربّهم کفرون . .. ثمّ إلی ربّکم ترجعون

گناه تکذیب لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۲

۲ - تردید در معاد و انکار لقای پروردگار ، عملی مجرمانه است .

بلقاء ربّهم کفرون . .. إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم

<ال> در <المجرمون> عهد است و به <هم بلقاء ربّهم کافرون> برمی گردد.

لقاءالله در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۴

۴ - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذین . .. کذّبوا ... و لقاءِ الأخره

تعبیر از <تکذیب آخرت> به <تکذیب لقای آخرت>، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

لقاءالله در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

- ۲۹ - ۱۳

۱۳ امکان رسیدن به مقام لقای خداوند در دنیا

إنهم ملقوا ربهم

لقاءالله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۲

۲ قیامت صحنه ملاقات همگان با خداوند است.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه حتی إذا جاءتهم الساعه

<الساعه> از اسامی قیامت است و منظور از ملاقات، برخورد جسمانی نیست، زیرا چنین امری محال است. لذا مراد از آن شهود حاکمیت و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لایرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۴

۴ - قیامت ، ظرف تحقق لقاءاللّه و حضور در پیشگاه خداوند است .

من کان یرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

<لقاءاللّه> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان ها در پیشگاه خداوند است .

و إنّ کثیرًا من الناس بلقای ربّهم لکفرون

ذکر وصف ربوبیت در مورد لقاءاللّه می تواند ناظر به برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده

- ۳۲ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - معاد ، عرصه رجوع و حضور در محضر خدا است .

أءنّا لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربّهم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

۳ - حضور انسان ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

اضافه <لقاء> به وصف ربوبیت و نه دیگر اوصاف و اسمای الهی معنای بالا را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداوند، نمی تواند به معنای ندیدن با چشم باشد; زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

محرومان از لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إنّهم عن ربّهم يومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداونـد، نمی توانـد به معنـای ندیـدن بـا چشم باشـد; زیرا این امر به کافران اختصاص نـدارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه

های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

مقام لقاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۱۱،۱۹

۱۱ مؤمنان قوم نوح ، مردمی مقرب درگاه خدا و برخوردار از مقام لقای او

إنهم ملقوا ربهم

جمله <إنهم ملاقوا ربهم> می توانـد بیانگر حال فعلی پیروان نوح باشـد; یعنی ، هم اکنون به مقام لقای پروردگار رسـیدند و همچنین می تواند خبر از فرجام اخروی آنان دهد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۹ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای < لقاءالله > و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم و لکنی أریکم قومًا تجهلون

مکذبان لقاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۸ – ۹

۹ – بسیاری از مردم ، منکر معاد و لقاءاللّه اند .

و إنّ کثیرًا من الناس بلقای ربّهم لکفرون

مکذبان لقاءالله در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۶،۷

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده

که مرجعی معنوی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۲ – ۳

۳ – منکران لقاء اللّه در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم

موانع لقاءالله در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۷

۷ – گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذّب به إلّاکلّ معتد أثیم . .. إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

موجبات لقاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۵ – ۵

۵ مؤمنان با کشته شدن در راه خدا به جوار او بار خواهند یافت .

إنا إلی ربنا منقلبون

وصول به لقاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵ – ۱

۱ – امیدواران به لقای الهی ، حتماً ، آن را درک خواهند کرد .

من کان یرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

وقت لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۵،۶،۱۴

۵ لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از <یوم یلقونه> می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۶ قیامت ، روز ملاقات انسان با خدا

یوم یلقونه

۱۴ از علی (ع) روایت شده که : < و

اما قوله تعالى : . . . > إلى يوم يلقونه بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . . . يعنى البعث فسمّاه اللّه عز و جل لقائه ;

مراد از <يوم يلقونه> در آيه شريفه، روز رستاخيز است كه خداى عز و جل آن را روز لقاى خود ناميده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۷ - ۱

۱ قيامت ، روز ديدار با خداست .

إن الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۵ - ۵

۵ قيامت ، روز ديدار با خداوند

قال الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قيامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لايرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵ - ۲،۴،۵

۲ - لقاى الهى ، موعد مشخَّصى دارد .

من كان يرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

۴ - قيامت ، ظرف تحقق لقاءاللّه و حضور در پيشگاه خداوند است .

من كان يرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

<لقاءاللّه> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

۵ – لقاءاللّه ، پس از مرگ ، برای مشتاقان به آن ، تحقق پیدا می کند .

من كان يرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

<أجل> در اصل، به معنای <مدت تعیین شده برای هرچیز> است و در <مدت تعیین شده برای حیات انسان>

که از آن، به <مرگ> تعبیر می شود نیز استعمال می شود(مفردات راغب) بنابر معنای استعمالی آن، احتمال دارد مراد از <أجل اللّه> مرگی باشد که خداوند، برای انسان ها، مقرر کرده است. در این صورت، <فإنّ أجل اللّه لأت> اشعار دارد که لقاءاللّه، پس از مرگ، جامه عمل می پوشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

و إنّ كثيرًا من الناس بلقای ربّهم لكفرون

مراد از <لقاء ربّهم> برپایی قیامت است. اطلاق <لقاء ربّ> برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرفِ تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۴

۴ - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذين . .. كذّبوا ... و لقایِ الأخره

تعبیر از <تکذیب آخرت> به <تکذیب لقای آخرت>، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۸

۸ - قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

فملقيه

یأس مکذبان لقاءالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۳ – ۱

۱ – کافرانِ به آیات الهی و لقاءاللّه ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

و الذین کفروا بأیت اللّه و لقائه

أولئك يئسوا من رحمتى

يهود و لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱

۱ - يهود ، قومى هراسان از مرگ و غير مشتاق براى لقاى الهى

و لايتمنّونه أبدًا

لقمان از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

لقمان

امر به معروف در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۳

۳ - نماز و امر به معروف و نهى از منكر ، از زمره تعاليم شريعت عصر لقمان بود .

يبنىّ أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنكر

انقياد لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) يقول : حقّاً أقول : لم يكن لقمان نبيّاً و لكن كان عبداً كثير التفكر حسن اليقين أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك اللّه خليفه فى الأرض تحكم بين الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خيّرنى ربّى قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم علىّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ;

عبداللّه بن عمر مى گويد: از رسول خدا(ص) شنيدم كه مى گفت: <به حق مى گويم: لقمان، پيامبر نبود، لكن بنده اى بود اهل تفكر، داراى حسن يقين. خدا را دوست داشت و خدا نيز او را دوست داشت و با آموختن حكمت، او را مورد انعام خود

قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا

دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

اهمیت قصه لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۳

۳ – قصه لقمان حکیم ، قصه ای بس مهم است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

شروع قصه لقمان با لام قسم و حرف تأکید (قد)، حکایت از اهمیت آن می کند.

بینش لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۵

۵ – اقامه نماز ، از دید لقمان اهمیت ویژه ای دارد .

یبنیّ أقم الصلوه

از این که لقمان پس از توصیه پسرش به پرهیز از شرک (توحید) و یادآوری روز حساب به نماز می پردازد ، حکایت از اهمیت آن می کند.

پسر لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۳ – ۵

۵ – توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لإبنه و هو یعظه یبنیّ لاتشرک باللّه

از آن جایی که نهی <لاتشرک> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

تعالیم شریعت دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۳ – ۱۷ – ۳۱

۳ – نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

یبنیّ أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

تعقل لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ – < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا

به او حکمت داده شد>.

توصیه به لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۶

۶ - رهنمود الهی به لقمان ، برای شکر گزاری به درگاه خداوند

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر للّه

حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷،۱۸

۱۷ - < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند،

پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

۱۸ – < عن هشام بن الحکم قال : قال لی أبوالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . . یا هشام ! إنّ اللّه یقول فی کتابه . . . < و لقد آتینا لقمان الحکمه > قال : الفهم و العقل . . . ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: . ..ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید:... <و لقد آتینا لقمان الحکمه> می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...>.

خلافت لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ – < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی

شنیـد: ای لقمـان! آیـا دوست داری که خداونـد، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهـد تـا در میـان مردم، به حق قضـاوت کنی؟ لقمـان در جواب آن صـدا گفت: اگر پروردگـارم، مرا مخیّر کرده من عـافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

ذکر مواعظ لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۱

۱ - مواعظ لقمان به پسرش ، شایسته یادآوری است .

و إذ قال لقمن لإبنه و هو یعظه

بنابراین احتمال که <إذ> متعلق به <اُذکر> مقدر باشد، این نکته به دست می آید.

عظمت آیات سوره لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۳

۳ - آیه های سوره لقمان ، آیه هایی با عظمت و پر شأن و منزلت است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

مراد از <آیات> در این آیه، می تواند آیه های سوره لقمان باشد.

عقل لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - < عن هشام بن الحکم قال : قال لی أبوالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . . یا هشام ! إنّ اللّه یقول فی کتابه . . . < و لقد آتینا لقمان الحکمه > قال : الفهم و العقل . . . ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: . ..ای هشام! خداوند که در کتاب اش

می گوید:... <و لقد آتینا لقمان الحکمه> می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...>.

فلسفه اعطای حکمت به لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۸

۸ – فلسفه اعطای حکمت به لقمان ، شکرگزاری به درگاه خداوند بوده است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر للّه

احتمال دارد که <أن>، مصدری و به تقدیر <لام> تعلیل باشد. در این صورت، عبارت چنین می شود: <و لقد آتینا لقمان الحکمه للشکر للّه>; ما به لقمان حکمت دادیم تا خدا را شکر کند>.

فهم لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۱۸

۱۸ – < عن هشام بن الحکم قال : قال لی أبوالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . . یا هشام ! إنّ اللّه یقول فی کتابه . . . < و لقد آتینا لقمان الحکمه > قال : الفهم و العقل . . . ;

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: . ..ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید:... <و لقد آتینا لقمان الحکمه> می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...>.

قصه لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۱۷،۱۹

۱۷ – < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء

یـا لقمـان ! هـل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبـداللّه بن عمر می گویـد: از رسول خـدا(ص) شـنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خـدا را دوست داشت و خـدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیـده بود که صـدایی شـنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهـد تـا در میـان مردم، به حق قضـاوت کنی؟ لقمـان در جواب آن صـدا گفت: اگر پروردگـارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخـاب می کنم و نه گرفتـاری را و اگر بر من واجب می کنـد، پس سـرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

۱۹ - < عن رسول اللّه (ص) (انّه قال :) کان (لقمان) حبشیّاً ;

از رسول خدا روایت شده که گفت: لقمان، اهل حبشه بود>. حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

محبت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - < عن إبن عمر قال : سـمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسـن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان

نائماً نصف النهار إذ جاءه نـداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبـداللّه بن عمر می گویـد: از رسول خـدا(ص) شـنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خـدا را دوست داشت و خـدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیـده بود که صـدایی شـنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهـد تـا در میـان مردم، به حق قضـاوت کنی؟ لقمـان در جواب آن صـدا گفت: اگر پروردگـارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخـاب می کنم و نه گرفتـاری را و اگر بر من واجب می کنـد، پس سـرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

محبوبیت لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ – < عن إبن عمر قال : سـمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسـن الیقین أحبّ اللّه فـأحبّه و مَنّ علیه بـالحکمه . کـان نائماً نصف النهار إذ جاءه نـداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه

و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

مسؤولیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۶

۶ - رهنمود الهی به لقمان ، برای شکرگزاری به درگاه خداوند

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر للّه

مقامات لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۲

۲ - لقمان ، دارای مقامی والا نزد خداوند است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

ملیت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - < عن رسول اللّه (ص) (انّه قال :) کان (لقمان) حبشیّاً ;

از رسول خدا روایت شده که گفت:

لقمان، اهل حبشه بود>. حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

منشأ حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، عطاکننده حکمت (علم هستی شناسی و انجام دادن خیرات) به لقمان است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

مواعظ لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد ءاتینا لقمن . .. و إذ قال لقمن لإبنه ... لاتشرک باللّه

اگر <إذ> متعلق به <آتینا> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۵ - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لإبنه و هو یعظه یبنیّ لاتشرک باللّه

از آن جایی که نهی <لاتشرک> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱

۱ - تذکر به نظارت دقیق الهی بر اعمال انسان ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

احتمال دارد که ضـمیر <إنّها> ضـمیر قصه باشد و در نتیجه، مرجعی لازم نداشته باشد و احتمال دارد ضمیری باشد که مرجع آن، به قرینه سیاق، چیزی ماننـد <خصـلت پسـندیده و ناپسـند> و یـا <عمل خوب و بـد> و ماننـد آن باشـد. نکته بالا بنابر احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۱

۱ – اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلا ها ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

یبنیّ أقم الصلوه . .. و اصبر علی ما أصابک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۸ – ۱،۲،۵

۱ – پرهیز از روی گرداندنِ متکبرانه از دیگران ، از جمله رهنمود های لقمان به پسر خویش بود .

و لاتصعّر خدّک للناس و لاتمش فی الأرض مرحًا

<صَعْر> در لغت به معنای <متمایل کردن گردن به سویی است> و معنای باب تفعیل آن (تصعیر)، متکبرانه سرگرداندن و گردن فرازی کردن است (مفردات راغب).

۲ – سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... و لاتصعّر خدّک للناس

۵ – لقمان به پسرش سفارش کرد که از سرمستی کردن در زمین ، پرهیز کند .

و لاتمش فی الأرض مرحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۹ – ۱،۳،۴،۵

۱ – سفارش لقمان به پسر خویش ، برای رعایت اعتدال در راه رفتن

یبنیّ . .. و اقصد فی مشیک

<قصد> به معنای، حد میانی بین افراط و تفریط است (مفردات راغب) و نیز به معنای <اعتدال> است و <مشی>، انتقال از جایی به جایی است (مفردات راغب) که از آن، به <راه رفتن> تعبیر می شود.

۳ – پرهیز از رفتارِ همراهِ با ذلت و خواری و نیز اجتناب از رفتارِ

متکبرانه ، سفارش لقمان به پسر خویش است . *

یبنیّ . .. و اقصد فی مشیک

به قرینه آیه قبل که در آن، از رفتار و یا راه رفتن متکبرانه نهی شـده است احتمال دارد مراد از <و اقصد فی مشـیک> نهی از راه رفتن و یا رفتاری باشد که همراه با ذلت است.

۴ - کاستن از طنین صدا ، از سفارش های لقمان به پسر خویش است .

و اغضض من صوتک

۵ - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد ءایتنا لقمن الحکمه . .. و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

مهمترین مواعظ لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۵

۵ - توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لإبنه و هو یعظه یبنیّ لاتشرک باللّه

از آن جـایی که نهی <لاتشـرک> نخستین توصـیه از وصایـای لقمـان به فرزنـدش است، اسـتفاده می شود که آن، مهم ترین است.

نشانه های حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۴

۴ - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد ءاتینا لقمن . .. و إذ قال لقمن لإبنه ... لاتشرک باللّه

اگر <إذ> متعلق به <آتینا> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۹ - متوجّه کردن فرزند به علم و قدرت مطلق خداوند ، با استفاده از شیوه آموزشیِ قابل فهم ، نمودی از حکمت لقمان است .

لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه ... یأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۲

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... یبنیّ أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۲

۲ - سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... و لاتصعّر خدّك للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۵

۵ - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد ءایتنا لقمن الحکمه . .. و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

نماز در دوران لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۳

۳ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

یبنیّ أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

نهی از منکر

در دوران لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۳

۳ – نماز و امر به معروف و نهی از منکر ، از زمره تعالیم شریعت عصر لقمان بود .

یبنیّ أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

یقین لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ – < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر

بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

لنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لنگ

معذوریت لنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱

۱ - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

لَنگی

آثار لَنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱،۲۰

۱ - نابینـایی ، لنگی و مرض ، سه عامـل معاف شـدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سـلامت لازم است .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

برداشت یاد شـده مبتنی بر این است که جمله <و لا علی أنفسـکم أن تأکلوا. ..> استینافیه و جدا از جمله <لیس علی الأعمی حرج...> باشـد. بر این اساس جمله <لیس علی الأعمی...> درصدد بیان قانون و اصـلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکـام افرادی است که به شـکلی از برخی از تکـالیف معاف انـد;ماننـد زنان سالخورده که از حجاب معاف انـد و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

۲۰ - نقص عضو مانند نابینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، نابینایان و. .. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن است و باید از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

لَنگ

شخصیت لَنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۵

۵ - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و. ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است; زیرا اسلام خواسته است با چنین سنّتِ نادرستی مبارزه کند.

محدوده اختیارات لَنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۳،۴

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج . ..

أن تأكلوا من بيو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بيوتكم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج . .. أن تأكلوا من ... بيوت ءابائكم ... أو بيوت أخوتكم

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج . .. أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه أو صديقكم

همسفرگی با لَنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹،۳۸

۱۹ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز باخویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

ليس على الأعمى حرج . ..و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ... أ

۳۸ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله < ليس على الأعمى حرج و لا على الأعرج حرج و لا على المريض حرج > وذالك أن أهل المدينه قبل أن

یسلّموا کـانوا یعزلون الأعمی و الأعرج و المریض و کـانوا لایأکلون معهم و کان الأعمی و المریض یقولون : لعلّنا نوذیهم إذا أکلنا معهم فاعتزلوا مواکلتهم فلمّا قدم النبی (ص) سألوه عن ذالک فأنزل اللّه < لیس علیکم جناح أن تأکلوا جمیعًا أو أشتاتاً ;

از امـام باقر(ع) درباره سـخن خداونـد <لیس علی الأعمی حرج. ..> فرمود: اهل مـدینه قبل از آنکه مسـلمان شونـد، نابینایان، لنگان و بیماران را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید اگر ما با دیگران هم غـذا شویم، موجب اذیت آنان باشـیم. از این رو از هم غـذا شـدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: لیس علیکم جناح أن تأکلوا جمیعاً أو أشتاتاً>.

لواط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لواط

آثار شیوع لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - شیوع عمل لواط و راهزنی و رواج گناه علنی ، عذاب الهی را در پی دارد .

أئنّکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر فما کان جواب قومه

درخواست قوم لوط از حضرت لوط(ع) برای نزول عذاب، با جمله شرطی <إن کنت من الصادقین> نشان دهنده وعده عذاب از جانب لوط(ع)، به آنها است. گفتنی است وعـده عذاب از سوی پیامبری به قومی، به خاطر اعمال یاد شده، حکایت می کند که آن اعمال مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۸

۸

- رواج لواط و راهزنی و گناه علنی در جامعه ، درپی دارنده عذابی شکننده و سخت است .

أئنّکم لتأتون الرجال و . .. إنّا منزلون علی أهل هذه القریه رجزًا ... بما کانوا

آثار لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۲،۴،۷

۲ قوم لوط به سبب گرایش شدید به لواط ، همبستری با زنان خویش را ترک کردند .

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<شهوه>، مفعول مطلق برای فعل محذوف (یشتهونها) است و دلالت بر گرایش و علاقه شدید مردان قوم لوط به لواط دارد.

۴ قوم لوط به دلیل ارتکاب لواط ، مردمی متجاوز و اسرافگر

بل أنتم قوم مسرفون

۷ لواط ، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است .

شهوه من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۵

۵ جوامع مبتلا به لواط و فحشا ، جوامعی مجرم و در معرض نابودی با عذاب های سخت الهی

فانظر کیف کان عقبه المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۸

۸- عمل شنیع و ناپسند لواط و همجنس بازی ، مایه رسوایی و شرمساری است .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۹ – ۳

۳- رواج فحشا (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیداد گری ، زمینه ساز انتقام الهی است .

و إن کان أصحب الأیکه لظلمین . فانتقمنا منهم

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۷

۷ - هم جنس بازی و لواط ، تجاوز به حریم ارزش ها است .

أتأتون الذکران . .. بل أنتم قوم عادون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ظلم قوم لوط با لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، در پی دارنده هلاکت و عذاب برای آنان

أئنّکم لتأتون الرجال و . .. إنّا مهلکوا أهل هذه القریه إنّ أهلها کانوا ظلمین

آثار لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۵

۵ پیشینه تبه کاری قوم لوط و خو گرفتن با عمل شنیع لواط ، آنان را به سوی خانه لوط (ع) برای تعرض به مهمانانش ، گسیل داشت .

و جاءه قومه یهرعون إلیه و من قبل کانوا یعملون السیئات

جمله <و من قبل کانوا . ..> که حکایت از پیشینه تبه کاری و استمراربدکاری در میان قوم دارد - بیانگر فاعل محذوف از <یهرعون> می باشد; یعنی ، عامل و باعث هجوم قوم لوط به خانه لوط(ع) ، سابقه سوء و خوی بدکاری آنان بود.

آثار لواط قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۳

۳- عمل لواط و همجنس بازی قوم لوط ، زمینه ساز نزول عذاب بر آنها و نابودی شهر و دیار و هلاکت خودشان گردید .

و جاء أهل المدینه . .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه مشرقین .

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۹ - ۲

۲- آلودگی قوم لوط به فحشا و انحراف جنسی (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری مردم < ایکه > ، موجب انتقام الهی از آنان شد .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط ... و إن کان أصحب الأیکه لظلمین . فا

آمرزش لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ خداوند ، آمرزنده گناه زناکار و لواط کننده ، به شرط توبه و اصلاح

و الّذان یأتیانها منکم . .. فان تابا و اصلحا ... اِنّ اللّه کان توّاباً رحیماً

احکام لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱،۴،۶

۱ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الّذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

۶ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و لواط) ، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . ※

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنـابر اینکه جمله <فـان تابـا . .. > عطف بر جمله ای محـذوف باشـد ; یعنی <فاذوهمـا ان لم یتوبا فان تابا و اصـلحا فاعرضوا عنهما>.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۰ – ۵

۵ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

اولیت مبتلایان به لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۰ – ۷،۸

۷ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها ، جنیان و . . .) پیش از قوم لوط مبرّا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه <العلمین>، به مناسبت حکم و موضوع، مکلفان، اعم از جن و انس، است. تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

اولین مبتلایان به لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۸ – ۷،۸،۱۰

۷ – عمل لواط ، پیش از قوم لوط سابقه نداشته است .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

۸ – قوم لوط ، بدعتگذار عمل لواط بودند .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

۱۰ - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

بدعت لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴

- عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۸

۸ - قوم لوط ، بدعتگذار عمل لواط بودند .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

بی منطقی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۱

۱ قوم لوط فاقد هر گونه دلیل برای توجیه ارتکاب عمل شنیع لواط

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا

پلیدی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۹

۹ لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

تعزیر در لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱

۱ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شـده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الّذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

تنفر از لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۸ – ۲

۲ – حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إنّی لعملکم من القالین

توبه از لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۶ – ۶

۶ زنان و مردان مرتکب فحشا (زنا و

لواط) ، در صورت توبه و اصلاح نباید کیفر داده شوند . *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

بنابر اینکه جمله <فان تابا . .. > عطف بر جمله ای محذوف باشد ; یعنی <فاذوهما ان لم یتوبا فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما>.

حرمت لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۵

۵ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

زشتی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۱

۱ قوم لوط ، مردمی مبتلا به عمل بسیار شنیع لواط

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

فعل مضارع <تأتون> حکایت از استمرار لواط دارد که در برداشت از آن به <ابتلا> تعبیر شد.

زمینه لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۵

۵ شهوت پرستی بیش از حد قوم لوط ، موجب گرایش آنان به لواط شد .

إنکم لتأتون . .. بل أنتم قوم مسرفون

بدان احتمال که جمله <بل أنتم قوم مسرفون> به منزله علتی برای گرایش قوم لوط به لواط باشد. یعنی چون اسرافگر بودید به لواط مبتلا شدید. در این صورت مراد از اسراف، به مناسبت مورد، اسراف در شهوت جنسی خواهد بود.

سرزنش لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۶،۸

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته

می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توبیخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۶

۶ لواط ، عملی تجاوزکارانه و مرتکبان آن ، مردمانی متجاوز هستند .

بل أنتم قوم مسرفون

<اسراف> به معنای تجاوز کردن از حد میانه است.

شگفتی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱

۱ - عمل لواط ، امری شگفت آور و تعجب انگیز است .

أئنّکم لتأتون الرجال

همزه در <أئنّکم> برای استفهام تعجبی است.

شیوع لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۴

۴ - لواط (آمیزش با مردان) ، در میان قوم لوط رواج داشت .

إنّکم لتأتون الفحشه

<فاحشه> به هر <کردار زشت> اطلاق می شود و به قرینه آیه بعد، منظور از آن، لواط است.

ظلم لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۳ – ۸

۸ همجنس بازی ، ظلم است و جوامع مبتلا به آن ، در معرض عذاب های دنیوی اند .

و ما هی من الظلمین ببعید

مصداق مورد نظر برای <الظالمین> به قرینه آیات گذشته ، همجنس بازان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۱ – ۹

۹ – لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه

، عملی ظالمانه است .

أئنّكم لتأتون الرجال . .. إنّا مهلكوا أهل هذه القريه إنّ أهلها كانوا ظلمين

فساد لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۳

۳ - عمل لواط و راهزنی و ارتکاب علنی گناه ، از موارد افساد است .

أئنّكم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل و تأتون فى ناديكم المنكر . .. انصرنى على ال

فسق لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۴ - ۷

۷ - لواط و راهزنی و ارتکاب گناه علنی ، از مظاهر فسق است .

أئنّكم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل و تأتون فى ناديكم المنكر . .. بما كانوا يفس

کیفر لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱،۴،۵

۱ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الّذان يأتيانها منكم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الّذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّذان يأتيانها منكم فاذوهما

۵ لزوم تداوم ايذاى مرتكبين فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا . .. فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و مى رساند كه پايان آزار، توبه آنان است. بنابراين

آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۳ – ۱

۱ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته کانت من الغبرین

گناه لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۴

۴ لواط و همجنس بازی ، گناهی بزرگ و به منزله گناهانی بسیار است .

و من قبل کانوا یعملون السیئات

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <ال> در <السیئات> عهد ذهنی باشد. در این صورت مقصود از <السیئات> لواط است. اطلاق <سیئات> به صورت جمع بر یک گناه ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۷ – ۸

۸ – ارتکاب فحشا (زنا و لواط) ، از بدترین گناهان کبیره است .

الذین یجتنبون کبئر الإثم و الفوحش

ذکر <الفواحش> پس از ذکر <کبائر الإثم> با این که <کبائر الإثم> شامل فواحش نیز می شود نشانگر شدت زشتی و قبح آن در پیشگاه خداوند است. گفتنی است که تعبیر <فاحشه> از زنا و لواط در مواضع دیگر قرآن، قرینه بر این است که از مصادیق مورد نظر <الفواحش> زنا و لواط می باشد.

لواط آشکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۶

۶ - قوم لوط ، عمل لواط ، را در منظر و دید دیگران انجام می

دادند .

أئنّكم . .. و تأتون فى ناديكم المنكر

<ال> در <المنكر> براى عهد ذكرى است و مراد از <منكر>، آميزش با مردان است.

لواط در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۳،۸

۳ لواط ، عملى شايع در ميان قوم لوط بود .

أتأتون الفحشه

با توجه به آيه بعد معلوم مى شود مراد از <الفحشه>، لواط است.

۸ لوط (ع) با توصيف قومش به عنوان اولين مبتلايان به لواط ، آنان را توبيخ كرد .

أتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۱،۲

۱ قوم لوط ، مردمى مبتلا به عمل بسيار شنيع لواط

إنكم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

فعل مضارع <تأتون> حكايت از استمرار لواط دارد كه در برداشت از آن به <ابتلا> تعبير شد.

۲ قوم لوط به سبب گرايش شديد به لواط ، همبسترى با زنان خويش را ترك كردند .

إنكم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<شهوه>، مفعول مطلق براى فعل محذوف (يشتهونها) است و دلالت بر گرايش و علاقه شديد مردان قوم لوط به لواط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۲ – ۱

۱ قوم لوط فاقد هر گونه دلیل برای توجیه ارتکاب عمل شنیع لواط

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۲،۳،۲۴

۲ قوم لوط ، مردمی تبه کار و مبتلا به عمل شنیع

لواط (همجنس بازی) بودند .

و من قبل کانوا یعملون السیئات

از مصداقهای بارز برای <السیئات> به مناسبت مورد لواط و همجنس بازی است.

۳ قوم لوط علاوه بر لواط ، به گناهان فراوان دیگری نیز آلوده بودند .

و من قبل کانوا یعملون السیئات

برداشت فوق ، بر این اساس است که <ال> در <السیئات> برای جنس باشد. <ال> جنسیّه در صیغه جمع ، دلالت بر عموم و احیاناً حکایت از کثرت دارد.

۲۴ < عن أبی جعفر (ع) : إن قریه قوم لوط کانت علی طریق السیّاره إلی الشام و مصر فکانت السیّاره تنزل بهم فیضیّفونهم . . . فدعاهم البخل إلی أن کانوا إذا نزل بهم الضیف فضحوه . . . و إنما کانوا یفعلون ذلک بالضیف حتی ینکل النازل عنهم . . . فأورثهم البخل بلاء لایستطیعون دفعه عن أنفسهم . . . حتی صاروا یطلبونه من الرجال فی البلاد و یعطونهم علیه الجعل . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که آبادی لوط بر سر راه مسافرانی بود که به شام و مصر می رفتند. کاروانیان بر آن قوم وارد می شدند و مهمانشان می شدند. بخل آنان سبب شد که هر گاه مهمان بر آنان وارد می شد [با انجام عمل زشت]رسوایشان می کردند ... و این کار را بدین جهت انجام می دادندکه مهمان از آنان بهراسد وباز گردد. پس بخل سبب شد که آنان مبتلا به بلایی شدند (مرض ابنه) نمی توانستند آن را از خود دور کنند ... تا آن جا که از مردان شهرهادفع آن بلا را درخواست می کردند و به

آنهااجرت می پرداختند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۹ – ۲،۳

۲ ترک ازدواج و اطفای غریزه جنسی از طریق لواط ، به صورت یک سنت و اخلاق اجتماعی در میان قوم لوط بروز کرده بود .

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

از آن جا که قوم لوط ، ازدواج با دختران او را امری نابحق شمردند، معلوم می شود: ازدواج با زنان را ممنوع می دانستند و یا اخلاق جنسی آنان از سیر ۸طبیعی خود خارج شده بود به گونه ای که تمایل به جنس مخالف نداشتند.

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۳ – ۴

۴ قوم لوط ، به خاطر آلوده بودن به عمل شنیع لواط ، در پیشگاه خداوند مردمی ستمکار محسوب می شدند .

و ما هی من الظلمین ببعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۷ – ۳،۴

۳–قوم لوط انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) را ، کاری خوب می پنداشتند و به آن علاقه و تمایل شدیدی داشتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

از اظهار شادمانی و شادباش گویی قوم لوط به هنگام باخبر شدن از مهمانان حضرت لوط(ع)، استفاده می

شود که آنان از تجاوز جنسی خوشحال و آن را امری پسندیده می انگاشتند. گفتنی است که طبق آیه ۷۸ <هود> و نیز اشاراتی که در آیات بعد (۶۸، ۶۹ و ۷۱) آمده است، آنان مردمانی آلوده به انحراف جنسی بودند.

۴- انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) عملی رایج و علنی در میان قوم لوط

و جاء أهل المدینه یستبشرون

تصریح به آمدن <اهل مدینه> که شامل همه یا عموم مردم می شود، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱،۹

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

۹- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

جمله <إن کنتم فاعلین> به منزله جمله <إن فعلتم ما أقول لکم و ما أظنکم تفعلون> است; یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۳

۳ - لواط و همجنس بازی ، انحرافی ابداع شده توسط قوم لوط

أتأتون الذکران من العلمین

قید <من العالمین> می تواند متعلق به <تأتون> باشد; یعنی، <أتأتون أنتم من بین العالمین الذکران; آیا از میان مردم جهان، شما با مردان می آمیزید؟> مقصود این است که در دنیا، هیچ قومی را نمی یابید که چنین

رویه زشتی را برگزیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۵

۵ - قوم لوط ، مرتکب فحشا (لواط) ، به گونه ای آشکار و در برابر دیدگان همه

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

<إبصار> (مصدر <تبصرون>) به معنای دیدن است. بنابراین <و أنتم تبصرون> دلالت می کند که آن قوم، گناه لواط را در برابر چشم دیگران انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۱

۱ - مردان قوم لوط ، گرفتار هم جنس گرایی

أئنّکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۵،۷

۵ - لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط) ، مورد سرزنش قرار داد .

و لوطًا إذ قال . .. إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد

۷ - عمل لواط ، پیش از قوم لوط سابقه نداشته است .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۲،۳،۵،۶،۸،۹

۲ - عمل لواط ، در میان قوم لوط ، رواج داشت .

أئنّكم لتأتون الرجال

۳ - قوم لوط ، از آميزش با زنان اعراض كرده و به عمل لواط ، روى آورده بودند .

أئنّكم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل

مراد از <سبيل>، در اين آيه، احتمال دارد كه به قرينه مقام، راه ايجاد نسل باشد و احتمال دارد كه راهزنى باشد. برداشت بالا بنابر احتمال

نخست است. گفتنی است، بنابراین احتمال، <تقطعون السبیل> کنایه از قطع نسل، به سبب ترک آمیزش با زنان است.

۵ - قوم لوط ، راه ها را بر مسافران می بستند تا با آنان ، عمل لواط انجام دهند .

أئنّکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل

احتمال دارد که عطف <تقطعون. ..> بر <لتأتون> به منظور بیان یک واقعیت خارجی چنان که مفسران نیز گفته اند باشد و آن، این است که قوم لوط، راه را بر مسافران می بسته اند تا بر آنان دست بیابند و با آنان آمیزش کنند.

۶ - قوم لوط ، عمل لواط ، را در منظر و دید دیگران انجام می دادند .

أئنّکم . .. و تأتون فی نادیکم المنکر

<ال> در <المنکر> برای عهد ذکری است و مراد از <منکر>، آمیزش با مردان است.

۸ - لوط (ع) ، قوم اش را به جهت ارتکاب عمل لواط و راهزنی و ارتکاب آشکار منکر ، سرزنش کرد .

أئنّکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکر

۹ - لوط (ع) ، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط ، راهزنی و ارتکاب علنی منکر ، به عذاب الهی وعده داد .

أئنّکم لتأتون الرجال . .. فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا ائتنا بعذاب اللّه

مبارزه با لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۴

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۸ – ۱۰

۱۰ – لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

منشأ لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۵ – ۵

۵ – همجنس گرایی و لواط ، ناشی از بی فرهنگی و نادانی

لتأتون الرجال شهوه . .. بل أنتم قوم تجهلون

ناپسندی لواط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۰ – ۵،۶

۵ لواط ، کرداری حرام و بسیار زشت است .

أتأتون الفحشه

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توبیخی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۸ – ۶،۱۰

۶ – عمل لواط ، عملی بس زشت و ناروا است .

إنّكم لتأتون الفحشه

۱۰ – لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنّكم لتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمين

ناپسندی لواط در تاریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۰ – ۷

۷ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها ، جنیان و . . .

) پیش از قوم لوط مبرّا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه <العلمین>، به مناسبت حکم و موضوع، مکلفان، اعم از جن و انس، است. تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است.

نهی از لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

لوح محفوظ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{لوح محفوظ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۵

۵ - اعمال آدمیان ، در عین منزه بودن خداوند از جهل و فراموشی ، در کتابی بی کم وکاست (لوح محفوظ) ثبت و ضبط می شود .

علمها عند ربّی فی کتب لایضلّ ربّی و لاینسی

جمله <لایضلّ. ..> ممکن است در مقام دفع این توهم باشد که اگر اعمال آدمیان نوشته و ثبت می گردد، به این جهت نیست که چیزی از پروردگار جهان مخفی باشد و یا نسیان در او راه پیدا کند; بلکه جهات دیگری دارد. نکره آوردن <کتاب> بر تفخیم آن از لحاظ احاله کامل بر جزئیات، دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۴

۴ - مدت زمان اقامت انسان ها در برزخ ، امری مقدر و تعیین شده در کتاب الهی (لوح محفوظ) است

.

لقد لبثتم فی کتب اللّه إلی یوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - مقدار عمر تمامی انسان ها و کم و زیاد شدن آن ، در نوشته ای (لوح محفوظ) ثبت و مشخص است .

و ما یعمّر من معمّر و لاینقص من عمره إلاّ فی کتب

در این که مقصود از <کتاب> چیست، مفسران اختلاف نظر دارند و چند مصداق برای آن ذکر کرده اند; ولی بیشتر آنان یکی از مصادیق آن را <لوح محفوظ> دانسته اند.

آثار علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲،۳

۲ - آصف بن برخیا (آورنده تخت بلقیس) دارای بخشی از علم به کتاب (لوح محفوظ)

قال الذی عنده علم من الکتب أنا ءاتیک به قبل أن یرتدّ إلیک طرفک

عبارت <علم من الکتاب> با توجه به نکره بودن <علم> به معنای آگاهی داشتن به گوشه ای از دانش کتاب می باشد. گفتنی است که بر طبق روایات، آورنده تخت بلقیس آصف بن برخیا، وصی و وزیر سلیمان(ع) بوده است و مراد از <کتاب> بنابر گفته برخی از مفسران لوح محفوظ است.

۳ - امکان سلطه بر قوانین طبیعت با در اختیار داشتن گوشه ای از دانش کتاب الهی (لوح محفوظ)

قال الذی عنده علم من الکتب أنا ءاتیک به قبل أن یرتدّ إلیک طرفک

اختفای لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۵

٥ - لوح محفوظ

، از نظر ها پنهان داشته شده و اطلاع بر محتویات آن برای غیر خداوند ممکن نیست .

ما أصاب من مصیبه . .. إلاّفی کتب

نکره آمدن <کتاب> که همان لوح محفوظ است می تواند برای بیان مطلب یاد شده باشد.

امکان علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۷

۷ - امکان آگاهی به دانش های لوح محفوظ

قال الذی عنده علم من الکتب

در این که مراد از <کتاب> در آیه فوق چیست، میان مفسـران دو نظر هست: برخی آن را کتاب های آسمانی و عده ای لوح محفوظ دانسته اند. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

ثبت حوادث در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۲

۲ - هر رویـداد نـاگواری ، چه آنچه در زمین رخ می دهـد (ماننـد سـیل ، زلزله ، قحطی ، خشـکسالی و . . .) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود (مانند بیماری ، نقص عضو ، جراحت و . . .) ، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلاّفی کتب من قبل أن نبرأها

جامعیت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - همه قوانین نظام تشریع و تکوین و نیز اعمال آدمیان ، مکتوب در لوح محفوظ *

و لدینا کتب ینطق بالحقّ

برداشت های پیشین بر این اساس بود

که مراد از <کتاب> نامه اعمال آدمیان باشد. برخی از مفسران <کتاب> را به قرینه <لدنیا> به لوح محفوظ تفسیرکرده اند. برداشت فوق، بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۴

۴ - لوح محفوظ ، کتابی جامع و حاوی ریزترین و پنهانی ترین امور جاری در نظام هستی

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلاّ فی کتب مبین

ظاهراً مراد از <کتاب مبین> چنان که مفسران نیز گفته اند لوح محفوظ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۸

۸ - همه پدیده ها و حوادث عالم ، در < لوح محفوظ > از پیش شمارش و ثبت شده است .

و کلّ شیء أحصینه فی إمام مبین

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <إمام مبین>، <لوح محفوظ> است. از این رو به آن کتاب <إمام> گفته شد; چون این کتاب، اصل و مادر همه کتاب ها و دانش ها است و همه چیز در آن ثبت شده و همه کس و همه چیز تابع آن است. چنان که در قرآن از آن به <أم الکتاب> یاد شده است: <و إنّه فی أُمّ الکتاب لدینا لعلیّ حکیم> (زخرف، آیه ۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - هر رویداد ناگواری ، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل ، زلزله ، قحطی ، خشکسالی و . . .) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود

(مانند بیماری ، نقص عضو ، جراحت و . . .) ، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلّافی کتب من قبل أن نبرأها

۳ - لوح محفوظ ، دربرگیرنده همه رویداد ها و حوادث

ما أصاب من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلّافی کتب

در آیات دیگر، کتابی که در آن تقدیرهای الهی ضبط شده، <لوح محفوظ> نامیده شده است.

جایگاه لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۲

۲ - لوح محفوظ در نزد خداوند است .

أُمّ الکتب لدینا

حقیقت لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۴

۴ - لوح محفوظ ، کتابی جامع و حاوی ریزترین و پنهانی ترین امور جاری در نظام هستی

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلّا فی کتب مبین

ظاهراً مراد از <کتاب مبین> چنان که مفسران نیز گفته اند لوح محفوظ است.

درباریان سلیمان(ع) و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۶

۶ - حضور افرادی آگاه به علوم و دانش های لوح محفوظ در دربار سلیمان (ع)

قال الذی عنده علم من الکتب

مفهوم عبارت <قال الذی عنده علم من الکتب> می تواند این باشد که در بارگاه سلیمان، اشخاص دیگری بوده اند که دانش های گسترده ای به آن کتاب داشته اند.

عظمت لوح محفوظ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ –

حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۴

۴ - لوح محفوظ ، کتابی بس ارجمند و والا

ما أصاب من مصیبه . .. إلّافی کتب

تنکیر <کتاب>، می تواند برای تفخیم و بیان عظمت و ارجمندی لوح محفوظ باشد.

علم به لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۲

۲ - لوح محفوظ ، کتابی غیر قابل دسترسی برای بشر

فی کتب مکنون

<مکنون> به معنای نهفته و پنهان است. مقصود از آن، پنهان بودن محتویات لوح محفوظ از دید بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۲،۶

۲ - دانش و آگاهی فرشتگان ، نسبت به حقایق ثبت شده در لوح محفوظ

فی کتب مکنون . لایمسّه إلّا المطهّرون

در صورتی که ضمیر <لایمسّه> به <کتاب مکنون> بازگردد، مراد از <مسّ> (لمس کردن)، آگاهی و اطلاع یافتن و مراد از <المطهّرون> فرشتگان الهی خواهد بود.

۶ - امکان آگاهی یافتن به حقایق ثبت شده در لوح محفوظ ، برای پیامبران و اولیا

لایمسّه إلّا المطهّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۵

۵ - لوح محفوظ ، از نظر ها پنهان داشته شده و اطلاع بر محتویات آن برای غیر خداوند ممکن نیست .

ما أصاب من مصیبه . .. إلاّفی کتب

نکره آمدن <کتاب> که همان لوح محفوظ است می تواند برای بیان مطلب یاد شده باشد.

قرآن در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۱،۵

۱ - قرآن ، دارای حقیقتی

متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ > ، قبل از نزول به زبان عربی

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا

مراد از <اُمّ الکتاب > لوح محفوظ است.

۵ - قرآن ، در اُم الکتاب (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

و إنّه فی أُمّ الکتب . .. حکیم

<حکیم> به معنای محکم است و <محکم> به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی ناگسستنی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمّ الکتاب به <محکم> با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات، آیات و سوره های مفصل و مجزا از یکدیگر است اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمّ الکتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴ - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند; نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند; زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱،۲

۱ - قرآن ،

بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

۲ - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است ، از نابودی و تغییر مصون است .

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

قرآن و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۶

۶- آیات قرآن ، آیاتی فرود آمده از لوح محفوظ

الر تلک ءایت الکتب و قرءان مبین

با توجه به اینکه لفظ <قرآن> پس از <الکتاب> ذکر شده و نیز اصل درآوردن لفظ مترادف، تأسیس است نه تأکید و تکرار، احتمال دارد که مراد از <الکتاب> لوح محفوظ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۱

۱ - محتوای قرآن ، مطابق با لوح محفوظ

إنّه لقرءان کریم . فی کتب مکنون

مراد از <کتاب مکنون> طبق آنچه که در سوره <بروج> آمده (بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ) لوح محفوظ است.

کتاب لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۳

۳ خداوند اطلاعات دقیق درباره هر چیزی را در کتابی معین (لوح محفوظ) ثبت کرده است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

مراد از <الکتاب> می

تواند لوح محفوظ و یا هر جایگاه دیگری برای ثبت اطلاعات کامل درباره موجودات باشد.

نقش لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۳

۳ خداوند اطلاعات دقیق درباره هر چیزی را در کتابی معین (لوح محفوظ) ثبت کرده است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

مراد از <الکتاب> می تواند لوح محفوظ و یا هر جایگاه دیگری برای ثبت اطلاعات کامل درباره موجودات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۹

۹ - تمامی رفتار و آثار انسان ، در کارنامه روشن و در لوح محفوظ ، شمارش و ثبت می شود .

و کلّ شیء أحصینه فی إمام مبین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <و کلّ شیء. ..> تأکید برای جمله <و نکتب ما قدّموا...> و مربوط به اعمال انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۳

۳ - لوح محفوظ ، < اُمّ الکتاب > (ریشه و اصل کتاب های آسمانی) است .

و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا

<ال> در <اُمّ الکتاب>، <ال> جنس و مفید استغراق است؛ یعنی، مادرِ همه کتاب ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۸

۸ اعمال آدمیان ، محفوظ در کتابی نزد خداوند *

و عندنا کتب حفیظ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که صدر آیه <قد علمنا. ..> نظر به معاد خود انسان و <عندنا...> نظر به احضار و نمایاندن اعمال وی داشته باشد; زیرا تعبیر

<کتاب...> در مورد ثبت اعمال به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۳

۳ - قرآن ، نازل شده از لوح محفوظ است ; و نه ساخته و پرداخته ذهن بشر .

إنّه لقرءان کریم . فی کتب مکنون

لوط از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

لوط(ع)

آثار پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار پاکی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۵

۵- پاکی و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگی های قومش ، زمینه ساز برخورداری او از رحمت خاص الهی

و لوطًا . .. نجّینه ... و أدخلنه فی رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم إنّهم أُناس يتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار صلاحیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۳

۳- صالح و شایسته بودن حضرت لوط (ع) ، موجب بهره مندی او از رحمت ویژه خداوند

و أدخلنه فى رحمتنا إنّه من الصلحين

برداشت

یاد شده به خاطر این است که جمله <إنّه من الصالحین> تعلیل برای جمله <و أدخلناه فی رحمتنا> است.

آثار عفت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار عفت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

آثار نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۵

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

آرزوی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۲،۳

۲

آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنّا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . .. أو ءاوی إلی رکن شدید

آگاهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۵

۵ لوط (ع) ، آگاه به رسوخ خوی همجنس گرایی در اخلاق و رفتار قوم خویش

و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۷

۷- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوزکارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

آیات خدا در قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۲

۲- سرگذشت ابراهیم (ع) و لوط (ع) و قوم او ، سرشار از نشانه های خداوند

قالوا لاتوجل إنا نبشرك بغلم عليم . .. و أمطرنا عليهم حجاره من سجّيل. إن فى ذلك

برداشت

فوق مبتنی بر این است که <ذلک> اشاره به مجموعه داستانهای ابراهیم(ع) و لوط(ع) باشد.

اتمام حجت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۳۸

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمترون> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذابْ انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

۸- نزول عذاب الهی (استیصال) بر قوم لوط ، پس از تمام شدن حجت بر آنان توسط حضرت لوط (ع) بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

اجابت دعای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱،۲

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۳

۳ - دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از

جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه

اخراج لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۱

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود ، به اخراج و تبعید در صورت دست برنداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته . .. من المخرجین

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء> (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

اخلاص لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱ - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. إلاّ علی ربّ العلمین

اذیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا یوم عصیب . .. قال یقوم هؤلاء بناتی

لوط با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۱ – ۳

۳- حضرت لوط (ع) ، هم

چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا است; زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۶

۶- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع) ، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لوطًا . .. و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد. ب) وصف <تعمل الخبائث> برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

ارزیابی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۶

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

و قال هذا یوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصْب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را <یوم عصیب> می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

ازدواج با دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۲۵

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از

آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتى هنّ أطهر لكم

۲۵ < عن أبى عبدالله (ع) فى قول لوط < هؤلاء بناتى هنّ أطهر لكم > قال : عرض عليهم التزويج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱،۳،۱۰

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتى إن كنتم فعلين

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتى إن كنتم فعلين

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند; چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۱۰- < عن أحدهما : . . . ثم عرض عليهم بناته نكاحاً . . . ;

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد. ..>.

ازدواج در دین لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ جواز ازدواج زنان مؤمن با مردان کافر در شریعت حضرت لوط (ع)

هؤلاء بناتى هنّ

أطهر لكم

جمله <فأسر بأهلك . .. إلا امرأتك> حاكى است كه دختران حضرت لوط(ع) از مؤمنان به او بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۴

۴-ازدواج زن و مرد ، راه مقبول در شريعت حضرت لوط (ع) و وسيله طبيعى و شايسته براى ارضاى غريزه جنسى

قال هؤلاء بناتى إن كنتم فعلين

استقامت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲

۱ - تسليم نشدن لوط (ع) در برابر تهديد هاى قوم منحرف خويش

قال إنّى لعملكم من القالين

<قلا> (مصدر <قالين>) به معناى بغض و دشمنى است. برداشت ياد شده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسبت به كردار قومش على رغم تهديد اكيد آنان به اخراج و تبعيد وى به دست مى آيد.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهديد شدن به تبعيد تنفر و دشمنى خود را با كردار زشت قوم خود اعلام كرد و بر آن تأكيد ورزيد .

قال إنّى لعملكم من القالين

استمداد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۱

۱ - لوط (ع) ، به دنبال واكنش منفى قوم اش به دعوت وى ، از خداوند براى غلبه برآنها ، استمداد طلبيد .

قال ربّ انصرنى على القوم المفسدين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۱ – ۳

۳ – دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی

خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه

اطاعت از لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقواللّه> بر <إنّی لکم رسول أمین> بیانگر مطلب یاد شده است.

اطمینان به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۸

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا یلوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

اظهار خیرخواهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۵

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

اعتراض به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

اعتماد به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

اقلیت مؤمنان به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

کانوا یعملون السیئات . .. فأسر بأهلک بقطع من الّیل ... إلاّ امرأتک

اکثریت مخالفان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۵

۵ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قریتکم

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

امانتداری لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۳،۶

۳ - تأکید لوط (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <أمین> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق شده باشد.

۶ - لوط (ع)

، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إنّی لکم رسول أمین

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقواللّه> بر <إنّی لکم رسول أمین> بیانگر مطلب یاد شده است.

امدادگران به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱

۱ - فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع) ، ابتدا ، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه

امنیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۸

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا یلوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیك

انبیای قبل از لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۱

۱- حضرت نوح (ع) ، پیامبری که پیش از حضرت ابراهیم و لوط (ع) می زیست .

و نوحًا إذ نادی من قبل

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که

مراد از <من قبل> به قرینه آیات پیشین که در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بود زمان قبل از حضرت ابراهیم و لوط(ع) است.

اندوه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۴

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمییزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این <ضاق بهم ذرعاً>; یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیءَ> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببیه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۳

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمترون> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذابْ انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۵

۵ - محوریت انذار و اخطار در تبلیغات لوط (ع)

و أمطرنا علیهم مطرًا فساء مطر المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۸ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم لوط ، پس از انذار و اتمام حجت بر آنان بود .

فساء مطر المنذرین

قید <منذرین> بیانگر آن است که پیش از نزول عذاب، هشدارهای لازم به آنان داده شده و حجت خدا بر ایشان تمام شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم لوط ، از پی انذار های مکرر لوط (ع) به ایشان درباره انتقام سخت الهی

و لقد أنذرهم بطشتنا

ذیل آیه شریفه (فتماروا بالنّذر)، قرینه است بر این که انذار لوط(ع) نسبت به قومش، به صورت مکرر رخ داده بود.

اهانت به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۵

۵- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۷ – ۱

۱ – جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

ایمان خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها

خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

کانوا یعملون السیئات . .. فأسر بأهلك بقطع من الّیل ... إلاّ امرأتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۵

۵ – خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۳،۴

۳ – خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

۴ – ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالو أخرجوا ءال لوط من قریتکم

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۳

۳ – تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او

است.

ایمان خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۳

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۶

۶ - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لننجّینّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إنّا منجّوک و أهلک

ایمان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - حضرت لوط (ع) به دعوت ابراهیم (ع) در پی فراخوانی او به توحید ، ایمان آورد .

و إبرهیم إذ قال لقومه اعبدوا اللّه . .. فأمن له لوط

۲ - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فأمن له لوط و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فآمن له لوط> حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

بلوغ دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۶

۶ حضرت لوط (ع) ، دخترانی متعدد و آماده ازدواج داشت .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

بی تأثیری تبلیغ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۴ – ۹

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

بی تأثیری تلاش لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۹

۹ – بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من اللّه شیئًا

بی تأثیری مواعظ لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۷ – ۲

۲ – خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا . .. لتکوننّ من المخرجین

بی یاوری لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۰ – ۱

۱ حضرت لوط (ع) ، خویشتن را در مقابله با مهاجمان تبه کار ، ناتوان و بی یاور دید .

قال لو أن لی بکم قوّه أو ءاوی إلی رکن شدید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۷ – ۴

۴ – لوط پیامبر (ع) ، تنها و بدون پشتیبان در میان قوم فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

از این که مخالفان لوط(ع) جرأت مراجعه به آن حضرت برای امری ناشایست را پیدا کردند و کسی هم جز خداوند از ایشان حمایت نکرد، مطلب بالا استفاده می شود.

پاکی خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۹ –

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

پاکی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۲ – ۳،۴،۷،۸

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتکم إنهم اناس یتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم . .. > و نیز آوردن کلمه <اناس>، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس یتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پناه جویی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۳

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . .. أو ءاوی إلی رکن شدید

پیروان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۳

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

پیری همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلّا عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۲

۲ - همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إلّا عجوزًا

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

پیشگامی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل

، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشنهاد لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۲۵

۲۵ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول لوط < هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم > قال : عرض علیهم التزویج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۱ – ۱،۳،۱۰

۱– حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

۳– حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند; چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۱۰– < عن أحدهما : . . . ثم عرض

علیهم بناته نکاحاً . . . ;

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد. ..>.

تاریخ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۶،۷

۶- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت لوط (ع) معاصر یکدیگر بودند .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط

۷- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت لوط (ع) در میان دو قوم جدا و با فاصله جغرافیایی از هم می زیسته اند .

قال فما خطبکم . .. إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط

تبعید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۲،۳

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه . .. قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط شده است ; زیرا جمله <إلاـ أن قالوا . .. > در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است ; و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله <انهم ... > تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتکم إنهم اناس

يتطهرون

تبليغ لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۲ – ۳

۳ – تأكيد لوط (ع) بر امانت دارى خويش در ابلاغ پيام الهى

إنّى لكم رسول أمين

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه كلمه <أمين> از ريشه <أمانه> (مقابل <خيانه>) مشتق شده باشد.

تجاوز به مهمانان لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۷ – ۱،۳

۱ – جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، براى در اختيار گرفتن و آلوده ساختن ميهمانان پيامبر خويش

و لقد رودوه عن ضيفه

۳ – مردمان وارد بر قوم لوط ، در معرض تجاوز و بدنامى *

و لقد رودوه عن ضيفه

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه تعرض قوم لوط، نسبت به ميهمانان پيامبرشان، ناشى از اخلاق عمومى آنان نسبت به همه تازهواردان بوده است.

تحقير همسر لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۴

۴ – تحقير شدن همسر لوط از سوى خداوند

إلّا عجوزًا فی الغبرین

تنکیر <عجوزاً>، می تواند برای تحقیر باشد.

تعدد دختران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۶

۶ حضرت لوط (ع) ، دخترانی متعدد و آماده ازدواج داشت .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۴

۴ لوط (ع) ، دارای دخترانی متعدد

ما لنا فی بناتک من حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -

۷ - ۷۱

۷- حضرت لوط (ع) پیش از هلاکت قومش ، دارای چند دختر مجرد بود .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

تقدیر عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۲

۲- باقی ماندن همسر لوط (ع) در میان عذاب شدگان قوم لوط ، به تقدیر و دستور خدا بود .

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

تردیدی نیست که همه مقدرات به دست خداوند است و انتساب تقدیر (قدّرنا) به فرشتگان، می تواند به خاطر این باشد که آنان مجری این تقدیر بوده اند.

تکفل همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

کانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

تلاش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۴

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۵

۵ - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

تمدن در دوران

لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۷ – ۲

۲– وجود شهر و تمدن شهری در عصر حضرت لوط (ع)

و جاء أهل المدینه

تنزیه خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

كانوا يعملون السيئات . .. فأسر بأهلك بقطع من الّيل ... إلاّ امرأتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۹ – ۱،۳

۱– خاندان لوط (ع) ، از هرگونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند .

إنا أُرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاّ ءال لوط

۳– پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أُرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۵

۵ – خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

تنهایی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۵

۵ - لوط (ع) در مبارزه

اش با کردار های زشت قوم خود ، تنها بود .

قال ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

ضمیر مفعولی <نی> در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

توحید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۱

۱ - حضرت لوط (ع) به دعوت ابراهیم (ع) در پی فراخوانی او به توحید ، ایمان آورد .

و إبرهیم إذ قال لقومه اعبدوا اللّه . .. فأمن له لوط

توطئه تبعید خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

توطئه تبعید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

تهدید لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۱

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود ، به اخراج و تبعید در صورت دست برنداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته . .. من المخرجین

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء>

(مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲

۱ - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إنّی لعملکم من القالین

<قلا> (مصدر <قالین>) به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی به دست می آید.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إنّی لعملکم من القالین

تهدیدهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۹

۹ - لوط (ع) ، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط ، راهزنی و ارتکاب علنی منکر ، به عذاب الهی وعده داد .

أئنّکم لتأتون الرجال . .. فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا ائتنا بعذاب اللّه

تهمت دروغگویی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم لوط با رسالت او و دروغگو خوانده شدن وی از سوی آنان

و قوم إبرهیم و قوم لوط

جاسوسی همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۳

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث أربعه أملاک

فی إهلاک قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلّموا علیه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم . . . ثم مشی فلما بلغ باب المدینه . . . دخل و دخلوا معه حتی دخل منزله فلما رأتهم إمرأته . . . صعدت فوق السطح و صفقت فلم یسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلی الباب یهرعون . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . .. آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند; سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد; همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...>.

جامعه دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۲

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التی برکنا فیها

جرم خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم

أَناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جرم لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

حامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

حامی مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

حمایت از لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۶،۱۰

۶ لوط (ع) تحت تربیت خداوند و برخوردار از حمایت او بود .

إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از <ربک> (مدبر و مربی تو) استفاده شده است.

۱۰ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک فأسر بأهلک

خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج

سازد .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

<اسـراء> (مصـدر اَسرِ) بـه معنـای کـوچ کردن شـبانه اسـت و <بـاء> در <بأهلـك> برای تعـدیه می باشـد و <ال> در <الليـل> عهـد حضوری است. بنـابراین معنای جمله <فأسـر ...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

خانواده لوط(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱

۱- خاندان لوط (ع) ، از هرگونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط

خواسته های لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۱۷

۷ لوط (ع) ، بـا پیشـنهاد ازدواج مهاجمـان بـا دخترانش ، از آنـان خواست تـا از کردار ناشـایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

یقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۵

۲۵ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در <أليس . ..> تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام

فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۴

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون . .. و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقواللّه> بر <إنّی لکم رسول أمین> بیانگر مطلب یاد شده است.

خوشنامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ -

۶ - لوط (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إنّی لکم رسول أمین

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

خویشاوندی لوط(ع) با قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۱

۱ - لوط (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم لوط

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۳ - ۳

۳ لوط پیامبر ، دارای خویشاوندی با قوم مورد دعوت خویش *

کذّبت قبلهم . .. و إخون لوط

واژه <إخوان> می رساند که میان لوط و قومش، روابط خویشاوندی بوده است.

خیانت به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند; مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و. .. .

خیانت همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۷،۹

۷ – خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۹ – بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من اللّه شیئًا

خیرخواهی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۲

۲ – تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

درخواست نجات خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۲،۷

۲ – التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

۷ – دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش رااز عذاب مطرح می کند تأیید کننده

همین برداشت است.

درخواست نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط

(ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش رااز عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

درماندگی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه . .. قالوا یلوط إنا رسل ربک

دعای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من

و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش رااز عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۱

۱ - لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه برآنها ، استمداد طلبید .

قال ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

دعوتهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۴

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ –

۱ - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

دلداری ملائکه به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۹

۹ - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

دلسوزی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألا تتّقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

ذکر قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۲

۲ - رسالت لوط و مبارزات او با زشت کرداری های قومش ، شایان یاد و یادآوری

و لوطًا إذ قال لقومه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوطاً> مفعول <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطًا إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدّر <اذکر> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

رجوع

به لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۰ – ۶

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

رد ازدواج با دختران لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۹ – ۳

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

رد پیشنهاد لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۹ – ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم . .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

رذایل اخلاقی همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۷،۸،۹

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفّار و المنفقین . .. ضرب اللّه مثلًا للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند; مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و. .. .

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من اللّه شیئًا

رسالت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۱

۱ - تأکید لوط (ع) بر رسالت الهی خویش برای قومش

إنّی لکم رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۲

۲ – لوط (ع) ، پیامبری بود که تعالیم ابراهیم (ع) را ترویج می کرد .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

این که فرستادگان خداوند برای درهم کوبیدن شهر قوم لوط(سدوم)، نزد ابراهیم(ع) رفتند و با او مأموریت خود را در میان گذاشتند، نشان می دهد

که ابراهیم(ع) پیامبرِ صاحب شریعت بوده و لوط(ع) تعالیم او را تبلیغ می کرده است.

رسالت مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲

۲ فرشتگانِ میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

روزهای سخت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۶

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

و قال هذا یوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصْب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را <یوم عصیب> می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

روش برخورد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم . .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا يوم عصيب . .. قال يقوم هؤلاء بناتی

لوط با گفتن <یا قوم> (ای مردم من)

و پیشنهاد ازدواج بـا دخترانش ، لطف و عنـایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضـرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

روش تبلیغ لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه لوط (ع) با قوم خود ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألا تتّقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید) حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۵

۵ - محوریت انذار و اخطار در تبلیغات لوط (ع)

و أمطرنا علیهم مطرًا فساء مطر المنذرین

زمین در دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹

۹ - در دوران لوط (ع) ، مناطق وسیعی از کره زمین ، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إنّكم لتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمین

سخاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۷

٧ < عن أبی جعفر (ع) : . . . و کان لوط إبن خاله ابراهیم و کانت إمرأه ابراهیم ساره اُخت لوط و کان لوط و ابراهیم نبیین مرسلین منذرین و کان لوط رجلًا سخیاً کریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذّرهم قومه . .

;.

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و انذارکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۸

۸- < قال أبوجعفر (ع) : . . . و کان لوط رجلاً سخیاًکریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأی قوم لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لاتقری ضیفاً ینزّل بک ، إن فعلت فضحنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک .
;..

امام باقر(ع) فرمود:. .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...>.

سرزنش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی .

.. قالوا أو لم ننهک عن العلمين

سرزنشهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۶۸

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توبیخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۶

۶ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

استفهام در جمله<ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۲

۲ - قوم لوط ، مورد اعتراض و توبیخ او ، به خاطر انحراف جنسی

أتأتون الذکران من العلمين

استفهام در <أتأتون الذکران> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۱

۱ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تذرون ما خلق لكم ربّكم من أزوجكم

<وَذْر> (مصـدر <تذرون>) به معنای ترک کردن و واگذاشـتن است. <من أزواجكم> بیانگر مراد از <ما> در <ما خلق لكم> <زوج> (مفرد <أزواج>)به معنای جفت و همسر است. <عدوان> (مصدر <عادون>) نیز مرادف تعدی و

تجاوز است; یعنی، <و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزپیشه اید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۳

۳ - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

استفهام در <أتأتون الفحشه> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۵

۵ - لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط) ، مورد سرزنش قرار داد .

و لوطًا إذ قال . .. إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد

سوگند به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۳

۳- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر اینکه قوم او مردمی سرمست و متحیرند .

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <لعمرک . ..> ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط(ع) باشد.

شبهه افکنی در انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذار ها ; بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم . .. فتماروا بالنّذر

شک به انذارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۴

۴- قوم لوط ، نسبت به هشدار های حضرت لوط (ع) مبنی بر نزول

عذاب الهی (استیصال) بر آنان ، پیوسته در شک و تردید بسر برده و ایمان نداشتند .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

شکرگزاری خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

شکرگزاری لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

شهرنشینی در دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۲

۲- وجود شهر و تمدن شهری در عصر حضرت لوط (ع)

و جاء أهل المدینه

صداقت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دليل آشكار بودن صداقت و امانت دارى وى

فاتّقوا اللّه و أطيعون

تفريع <اتّقواللّه> بر <إنّى لكم رسول أمين> بيانگر مطلب ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - قوم لوط ، درباره صداقت لوط (ع) و وعده عذاب او ناباور بودند .

ائتنا بعذاب اللّه إن كنت

من الصدقين

ضعف لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۷

۷- موقعيت حضرت لوط (ع) در ميان قومش ضعيف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمين

از اينكه قوم لوط آن حضرت را از تماس با ديگران نهى كردند و در موردى كه او از اين نهى تخلف ورزيد، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، مى توان برداشت فوق را به دست آورد.

عبرت از قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وى و هلاكت قوم زشت كردارش ، آيتى بزرگ و عبرت آموز براى ديگران

إنّ فى ذلک لأيه

<ذلک> به جريان نجات لوط(ع) و كسان وى و نيز هلاكت قوم فساد پيشه اش اشاره دارد. <آيه> در اين جا معادل <عبره> است و نكره آمدن آن براى بيان عظمت واقعه و درسى مى باشد كه در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شايسته ياد و يادآورى است .

و لوطًا إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد كه عطف به آيه چهارده باشد و احتمال دارد كه مفعول فعل مقدّر <اذكر> باشد. بنابر احتمال دوم، نكته بالا قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۳ – ۲

۲

- سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

عبودیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

عجز لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۶

۶ - حضرت لوط (ع) ، در دفاعِ از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها ، ناتوان بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

عجله لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۴

۲۴ فرشتگان ، با بیان نزدیک بودن زمان عذاب ، از لوط (ع) خواستند تا خروج خویش را به تأخیر نیندازد .

فأسر بأهلک . .. إن موعدهم الصبح ألیس الصبح بقریب

جمله <إن موعدهم الصبح . ..> به منزله تعلیل برای <فأسر بأهلک ...> می باشد.

عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۵

۵ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته کانت من الغبرین

<غابر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <کانت من الغبرین> بیانگر این

است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۸

۱۸ همسر لوط ، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

إنه مصیبها ما أصابهم

ضمیر در <إنه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۱

۱- همسر لوط (ع) در زمره مجرمان قوم لوط و عذاب شدگان الهی بود .

إلّا ءال لوط إنا لمنجّوهم . .. إلّا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۲

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلّا عجوزًا فی الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجینه و أهله إلّا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۷

۷ – ملائکه عذاب قوم لوط ، پیشاپیش از عذاب شدن همسر لوط خبر داشتند و او رااز نجات یافتگان نمی دانستند .

لننجّینّه و أهله إلاّ امرأته کانت من الغبرین

<غابر> ماندنِ پس از سپری شدن چیزی است که با او بوده است (مفردات راغب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت

- ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمورِ عـذابِ قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردنـد که او و خانواده اش ، به جز همسـرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنّا منجّوک و أهلك إلّا امرأتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۹

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من اللّه شیئًا

عفت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۳

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

عقیده همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۴

۴ - همسر لوط ، مخالف اندیشه های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فأنجینه و أهله إلّاامرأته

علم لدنی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) ، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا و علمًا

یکی از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی براین معنا است.

علم لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹

۹ - در دوران لوط (ع) ، مناطق وسیعی از کره زمین ، منطقه زیستی انسان ها بود و

لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

عمل خیر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عوامل ترس لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

عوامل نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

عوامل نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

عوامل نگرانی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۲،۵،۷،۱۰،۱۱

۲ - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی ، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<سیء> متعدی به بای سببی است. <سیء بهم> یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. <ضاق بهم ذرعاً> به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

۵ - حضرت لوط (ع) ، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

۷ - نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی ، در چهره اش نمایان شد .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. قالوا لاتخف

۱۰ - لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۱ - حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قالوا لاتخف و لاتحزن إنّا منجّوک

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه

باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

فرجام همسر لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۱۳

۱۳ – هشدار خداوند ، به دو همسر خطاکار پیامبر (حفصه و عایشه) ، درباره سرنوشت شوم خیانت به پیامبر (ص) همچون سرنوشت همسران نوح و لوط

ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح . .. قیل ادخلا النار مع الدخلین

یادآوری خیانت همسران دو پیامبر پس از نقل ماجاری توطئه دو همسر پیامبراسلام می تواند هشداری به آنان باشد.

فضایل خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۱ – ۲

۲– خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلمّا جاء ءال لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خاندان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداوند به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

فضایل لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۶ – ۴

۴ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

و زکریا و یحیی . .. و کلا فضلنا علی العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

٨ – هود – ١١ – ٧٧ – ٧

٧ < عن أبی جعفر (ع) : . . . و کـان لوط إبن خـاله ابراهیم و کـانت إمرأه ابراهیم ساره اُخت لوط و کان لوط و ابراهیم نبیین مرسلین منذرین و کان لوط رجلاً

سخیاً کریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذّرهم قومه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و انذارکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم مهمانان خود .

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... و لاتخزون ... قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱،۳

۱- حضرت لوط (ع) ، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا و علمًا

یکی از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی براین معنا است.

۳- حضرت لوط (ع) از عنایت ویژه الهی برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا و علمًا

جمله <و لوطاً آتیناه. ..> عطف بر جمله <لقد آتینا إبراهیم...> است و تقدم <لوطاً> که مفعول فعل <آتیناه>است بیانگر این نکته است که لوط(ع) مورد عنایت ویژه خداوند بود; زیرا در آیه قبل، خداوند از لوط(ع) به تبع داستان ابراهیم(ع) یاد کرد; ولی دراین آیه به طور جداگانه از آن حضرت یاد نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۱،۲،۵

۱- حضرت لوط

(ع) ، مشمول رحمت خاص الهی بود .

و أدخلنه فی رحمتنا

۲- حضرت لوط (ع) ، از صالحان و شایستگان بود .

إنّه من الصلحین

۵- پاکی و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگی های قومش ، زمینه ساز برخورداری او از رحمت خاص الهی

و لوطًا . .. نجّینه ... و أدخلنه فی رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۶

۶ - لوط (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إنّی لکم رسول أمین

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

فلسفه نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۵

۵ - بنده صالح و شایسته بودن ، مایه اصلی رسیدن پیامبران (نوح ، لوط و . . .) به مقام نبوّت

عبدين من عبادنا صلحين

توصیف حضرت نوح و لوط(ع)، به صفت <عبدصالح> در میان دیگر اوصاف والای انسانی و الهی آنان گویای مطلب یاد شده است.

قبول هشدارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به

او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۱،۲،۶،۸

۱ لوط ، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطا إذ قال لقومه

کلمه <لوط> می تواند عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ باشد ; یعنی <و أرسلنا لوطاً>. و نیز می تواند مفعولٌ به برای فعل مقدر <اذکر> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

۲ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او ، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه <لوطاً> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> باشد، کلمه <إذ> بدل اشتمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای <أرسلنا> گرفته شود، <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال . .. . بنابر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توبیخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان

اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۲،۳،۴،۵،۶،۷

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه . .. قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط شده است ; زیرا جمله <إلاـ أن قالوا . .. > در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است ; و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله <انهم ... > تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتکم إنهم اناس یتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم . .. > و نیز آوردن کلمه <اناس>، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

۵

یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قریتکم

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان *

أخرجوهم من قریتکم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط با اضافه آن به <کم> می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنابر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲،۳،۴،۵

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <کانت من الغبرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا ایاه من بینهم.

۳ از میان

قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

۵ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته کانت من الغبرین

<غابر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <کانت من الغبرین> بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا

۲ فرشتگان ، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قال هذا یوم عصیب

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمییزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این <ضاق بهم ذرعاً>; یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای

کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیءَ> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببیه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

و قال هذا یوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن از عَصْب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را <یوم عصیب> می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

۹ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث اربعه أملاک فی إهلاک قوم لوط . . . فأتوا لوطاً وهو فی زراعه له قرب المدینه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: خداوند متعال چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . .. پس نزد لوط رفتند در حالی که او در کشتزار خود در نزدیکی شهر بود ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۱۲،۱۳،۱۴،۲۳،۲۵

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

یقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم . .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا یوم عصیب . .. قال یقوم هؤلاء بناتی

لوط بـا گفتن <یـا قوم> (ای مردم من) و پیشـنهاد ازدواج بـا دخترانش ، لطف و عنـایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث أربعه أملاک فی إهلاک قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلّموا علیه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقـالوا : نعم . . . ثم مشـی فلمـا بلغ بـاب المـدینه . . . دخـل و دخلوا معه حتی دخـل منزله فلما رأتهم إمرأته . . . صعدت فوق السطح و صفقت فلم یسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلی الباب یهرعون . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشـته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . .. آنان نزد لوط رفتند و بر او سـلام کردنـد ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردنـد; سـپس رفت تا به دروازه شـهر رسـید ... او با فرشـتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود

به پا کرد; همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...>.

۲۵ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول لوط < هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم > قال : عرض علیهم التزویج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم . .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۱،۲،۳

۱ حضرت لوط (ع) ، خویشتن را در مقابله با مهاجمان تبه کار ، ناتوان و بی یاور دید .

قال لو أن لی بکم قوّه أو ءاوی إلی رکن شدید

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنّا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن

پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . .. أو ءاوی إلی رکن شدید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱،۲،۳،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه . .. قالوا یلوط إنا رسل ربک

۲ فرشتگانِ میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

۳ فرشتگان ، فرا رسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند .

إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک فأسر . .. أليس الصبح بقریب

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن یصلوا إلیک

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: <لن یصلوا إلینا; آنان از دسترسی به ما ناتوانند>. این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که

مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا یلوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

۱۰ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک فأسر بأهلک

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

<اسراء> (مصدر اَسرِ) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلک> برای تعدیه می باشد و <ال> در <اللیل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر ...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

کانوا یعملون السیئات . .. فأسر بأهلک بقطع من الّیل ... إلاّ امرأتک

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر ...) در شب نزول عذاب نبوده باشد; بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لایلتفت منکم

أحد

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل . .. إلاّ امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتک> استثنا از <أهلك> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط بازگشت .

و لایلتفت منکم أحد إلاّ امرأتك

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إلاّ امرأتك> استثنا از جمله <لایلتفت . ..> باشد. بر این مبنا جمله <لایلتفت... إنه مصیبها ما أصابهم> چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت; زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

۱۸ همسر لوط ، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

إنه مصیبها ما أصابهم

ضمیر در <إنه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك . .. إلاّ امرأتك إنه مصیبها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصیبها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. فما خطبکم أیّها المرسلون ... فلمّا جاء ءال لوط المرس

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیّها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱،۲

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمایر <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳

۱- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرا رسیدن موعد آن بر قوم لوط ، توسط فرشتگان به حضرت

لوط (ع) ابلاغ گردید .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمترون> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذابْ انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۱

۱- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مقصود از <بالحق> خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱،۱۰،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلک . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال

خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

۴- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود برحذر داشت .

فأسر بأهلك . .. و لایلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل . .. وامضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حرکت خاندانش (و اتّبع أدبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . .. وامضوا حیث تؤمرون

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > .

. . قالوا . . . < فأسر بأهلك > يا لوط إذا مضى لک من يومک هذا سبعه أيام و لياليها < بقطع من الليل > إذا مضى نصف الليل < . . . و امضوا > من تلک الليله < حيث تؤمرون > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لمّا أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إليهم ملائکه . . . و قالوا للوط : أسر بأهلک من هذه القريه الليله . . . فلمّا انتصف الليل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:. .. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۱

۱- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدينه يستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۱،۵،۹

۱- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان رااز هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدینه یستبشرون. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

۵- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

۹- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرّض قومش به آنان

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرّض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱،۳

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

و اتقوا الله

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت .

و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض

قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفى فلاتفضحون . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمين

۳- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذيرش هرگونه مهمان بيگانه و حمايت از آن ، منع كرده و برحذر داشتند .

قال إن هؤلاء ضيفى . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمين

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنى بر اجتناب از هتك آبروى وى ، خود او را مقصر اصلى آن معرفى كردند .

فلاتفضحون . .. و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العلمين

اينكه قوم لوط در جواب درخواست او براى اجتناب از ايجاد فضاحت و آبروريزى گفتند: تو را از پيش از پذيرش هرگونه مهمان بيگانه منع كرده بوديم، حكايت از اين نكته مى كند كه آنان با اين بيان، مى خواستند مقصر اصلى چنين عملى را خود او معرفى كنند.

۵- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با ديگر اقوام ، منع كرده و برحذر مى داشتند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمين

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن العلمين

<عالم> به معناى همه خلق و يا دسته اى از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمين) براى بيان استغراق و شمول تمامى اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در اين آيه، همه مردم از تمامى اقوام و قبايل دور و نزديک است.

۷- موقعيت حضرت لوط (ع) در ميان قومش ضعيف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو

لم ننهک عن العلمین

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

۸- < قال أبوجعفر (ع) : . . . و کان لوط رجلاً سخیاًکریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأی قوم لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لاتقری ضیفاً ینزّل بک ، إن فعلت فضحنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک . ; . .

امام باقر(ع) فرمود:. .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱،۳،۹

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از

<بناتی> زنان قوم باشند; چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۹- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

جمله <إن کنتم فاعلین> به منزله جمله <إن فعلتم ما أقول لکم و ما أظنکم تفعلون> است; یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیدًا . .. و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التی برکنا فیها

۳- حضرت لوط (ع) ، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا است; زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵،۶،۹

۵- خداوند ، حضرت

لوط (ع) را از شرّ قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

۶- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع) ، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لوطًا . .. و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد. ب) وصف <تعمل الخبائث> برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تکذیب رسالت لوط (ع) از سوی قومش

کذّبت قوم لوط المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۶

۶ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

استفهام در جمله<ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲،۵

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است

از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۱،۴

۱ - دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقواللّه> بر <إنّی لکم رسول أمین> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱ - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۲

۲ - قوم لوط ، مورد اعتراض و توبیخ او ، به خاطر انحراف جنسی

أتأتون الذکران من العلمین

استفهام در <أتأتون الذکران> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۱

۱ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تذرون ما

خلق لکم ربّکم من أزوجکم

<وَذْر> (مصـدر <تذرون>) به معنای ترک کردن و واگذاشـتن است. <من أزواجکم> بیانگر مراد از <ما> در <ما خلق لکم> <زوج> (مفرد <أزواج>)به معنای جفت و همسر است. <عدوان> (مصدر <عادون>) نیز مرادف تعدی و تجاوز است; یعنی، <و آنچه را پروردگارتان برای شـما آفریـده است (همسـرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شـما گروهی تجاوزپیشـه اید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۱،۴،۵

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود ، به اخراج و تبعید در صورت دست برنداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته . .. من المخرجین

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء> (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

۵ - لوط (ع) ، فاقد پایگاه قوی ، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

از تهدید حضرت لوط(ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲،۳

۱ - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إنّی لعملکم من القالین

<قلا> (مصـدر <قالین>) به معنای بغض و دشـمنی است. برداشت یاد شـده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسـبت به کردار قومش علی رغم تهدید اکید آنان

به اخراج و تبعید وی به دست می آید.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إنّی لعملکم من القالین

۳ - لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إنّی لعملکم من القالین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۱،۲،۵،۷

۱ - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در

تقـدیر باشـد (من وبـال مـا یعملون)؛ یعنی، پروردگـارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش رااز عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۲،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلّا عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنـای پیر زن و <عجوزاً> مسـتثنی از <أهله> است. <غبور> (مصـدر <غابرین>) نیز به معنای باقی مانـدن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلّا عجوزًا فی الغبرین

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغـابرین> اسـتفاده می شود که بر جـای مانـدگان در شـهر، گرفتار عـذاب شدنـد و بیرون رونـدگان از شـهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۳،۴

۳ - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إذ قال لقومه

أتأتون الفحشه

استفهام در <أتأتون الفحشه> برای توبیخ و سرزنش است.

۴ – مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطًا إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۱،۲،۳،۴،۶

۱ – تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا ءال لوط

۲ – تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

۳ – خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

۴ – ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالو أخرجوا ءال لوط من قریتکم

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

۶ – گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱،۴،۷

۱ - نجات لوط (

ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجینه و أهله إلاّ امرأته

۴ - همسر لوط ، مخالف اندیشه های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فأنجینه و أهله إلاّامرأته

۷ - فرو گذاشتن همسر لوط در میان قوم محکوم به عذاب ، براساس تقدیر الهی و برنامه از پیش تعیین شده

قدّرنها من الغبرین

<غبور> (مصدر <غابرین>) به معنای باقی ماندن است؛ یعنی، ما مقدر کردیم که همسر لوط از جمله باقی ماندگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۲

۲ - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فأمن له لوط و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فآمن له لوط> حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹ - در دوران لوط (ع) ، مناطق وسیعی از کره زمین ، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

۱۰ - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۱،۴،۵

- لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه برآنها ، استمداد طلبید .

قال ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

۴ - لوط (ع) ، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت ، با آنان به مبارزه برخاست .

أئنّکم لتأتون الرجال و . .. ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان این است که لوط(ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

۵ - لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود ، تنها بود .

قال ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

ضمیر مفعولی <نی> در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱،۳

۱ - فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع) ، ابتدا ، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه

۳ - دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - حضرت ابراهیم (ع) از

عذاب قوم لوط ، با وجود لوط (ع) در میان آنان ، نگران بود .

و لمّا جاءت رسلنا . .. قالوا إنّا مهلكوا أهل هذه القريه...قال إنّ فيها لوطًا

۲ - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط ، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت .

قالوا إنّا مهلكوا أهل هذه القريه . .. قال إنّ فيها لوطًا قالوا نحن أعلم بمن فيه

۵ - ملائکه مأمور عـذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادنـد که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجّينّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱،۲،۳،۵،۶،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتو گو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهيم . .. و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا

۲ - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی ، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سيء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<سیء> متعدی به بای سببی است. <سیء بهم> یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. <ضاق بهم ذرعاً> به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

۳ - فرشتگان عذابِ قوم لوط ، به صورت انسان ، بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سيء

بهم

احتمال دارد دلیل <سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۵ - حضرت لوط (ع) ، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

۶ - حضرت لوط (ع) ، در دفاعِ از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها ، ناتوان بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

۹ - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۰ - لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۱ - حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قالوا لاتخف و لاتحزن إنّا منجّوک

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

۱۲ - فرشتگان مأمور به عذاب قوم لوط ، مأموریت شان را به اطلاع لوط (ع) رساندند .

قالوا . ..

إنّا منجّوک وأهلك إلّا امرأتک

۱۳ - پس از حضور فرشتگانِ مأمور عذاب ، حضرت لوط (ع) و فرشتگان ، به گفتوگو پرداختند .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا . .. و قالوا لاتخف

۱۴ - فرشتگان مأمورِ عـذابِ قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردنـد که او و خانواده اش ، به جز همسـرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنّا منجّوک و أهلك إلّا امرأتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۱،۲،۷

۱ - همسر حضرت لوط ، از هلاك شدگان عذاب الهی قوم لوط بود .

إلّا عجوزًا فی الغبرین

<غابر> (مفرد <غابرین>) به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شـهر بیرون نیامده و به عذاب الهی قوم لوط گرفتار شدند.

۲ - همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إلّا عجوزًا

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

۷ - نجات لوط (ع) و مؤمنان ، از عذاب الهی ، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إلّا عجوزًا فی الغبرین

از آمدن تعبیر <غابرین> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۳

۳ - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع) ، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳،۴،۶

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ; به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إنّا أرسلنا علیهم حاصبًا إلاّءال لوط

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نجّینهم بسحر

۶ - خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نجّینهم بسحر

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۱،۴،۵،۷،۸،۹

۱ – جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

۴ – لوط پیامبر (ع) ، تنها و بدون پشتیبان در میان قوم فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

از این که مخالفان لوط(ع) جرأت مراجعه به

آن حضرت برای امری ناشایست را پیدا کردند و کسی هم جز خداوند از ایشان حمایت نکرد، مطلب بالا استفاده می شود.

۵ - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

۷ - مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط ، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای محوکردن و از بین بردن است. بنابراین <طسمنا أعینهم>; یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

۸ - کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط ، پیش درآمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه <ذوقوا>، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

۹ - < عن أبی یزیدالحمار عن أبی عبداللّه . . . فلمّا دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل بإصبعه نحوهم فذهبت أعینهم و هو قوله < فطمسنا أعینهم . . . > ;

ابی یزیدحمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:. .. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...>.

قصه لوط(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش

به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

قصه همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

کانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قوم لوط و لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۷،۸

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کـار گیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودنـد که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۰ – ۱،۴،۵،۸

۱– حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۴– قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون . .. و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

۵– قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام ، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۸– < قال أبوجعفر (ع) : . . . و کان لوط رجلاً سخیاً کریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأی قوم لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لاتقری ضیفاً ینزّل بک ، إن فعلت فضحنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک . . . ;

امام باقر(ع) فرمود:. .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری

را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...>.

قوم لوط و مهمانان لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۹ – ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم . .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۷ – ۱

۱– قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۸ – ۱،۵،۷

۱– حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان رااز هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدینه یستبشرون. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

۵– برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود

.

قال إن هؤلاء ضيفی فلاتفضحون

۷- حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوزکارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هؤلاء ضيفی فلاتفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۷ – ۵

۵ – تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضيفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

کافران به لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۳ – ۴

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجينه و أهله إلا امرأته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك . .. إلّا امرأتک إنه مصيبها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصیبها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای

- چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

کفر به دین لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرين

کفر همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۴

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك . .. إلاّ امرأتک إنه مصيبها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصيبها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضـی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۲

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلاّ عجوزًا فى الغبرين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – عنكبوت – ۲۹ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ – همسر لوط ،

از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

لننجّینّه و أهله إلاّ امرأته کانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - همسر لوط (ع) از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

إنّا منجّوک . .. إلاّ امرأتک کانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفّار و المنفقین . .. ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند; مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و. .. .

کمی مؤمنان به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات -

۵۱ - ۳۶ - ۱

۱ - وجود تنها یک خانواده مؤمن ، در میان قوم لوط

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

کوری متجاوزان به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۹

۹ - < عن أبی یزیدالحمار عن أبی عبداللّه . . . فلمّا دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل بإصبعه نحوهم فذهبت أعینهم و هو قوله < فطمسنا أعینهم . . . > ;

ابی یزیدحمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:. .. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...>.

کیفیت ورود ملائکه بر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمایر <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

کیفیت هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۵

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل . .. وامضوا حيث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حركت خاندانش (و اتّبع

أدبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

کیفیت هجرت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۵

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل . .. وامضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حرکت خاندانش (و اتّبع أدبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

گفتگوی لوط(ع) با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - پس از حضور فرشتگانِ مأمور عذاب ، حضرت لوط (ع) و فرشتگان ، به گفتوگو پرداختند .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا . .. و قالوا لاتخف

گفتگوی ملائکه با لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۴

۴- گفت و گوی مستقیم فرشتگان با حضرت لوط (ع)

قال إنکم قوم منکرون. قالوا

گناه همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك . .. إلاّ امرأتک إنه مصيبها ما أصابهم

همانندی

کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصيبها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۱

۱- همسر لوط (ع) در زمره مجرمان قوم لوط و عذاب شدگان الهی بود .

إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم . .. إلاّ امرأته

لوط(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلاًّ هدینا . .. و من ذریته ... کل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) ، از صالحان و شایستگان بود .

إنّه من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

لوط(ع) در سرزمین سدوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۶

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان

*

أخرجوهم من قریتکم

خداونـد پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شـعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشـد. این مطلب می توانـد اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط بـا اضـافه آن به <کم> می توانـد بیـانگر این باشـد که لوط از مهـاجران به آن دیـار بوده است و آن دیار بنابر گفته مفسـران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

لوط(ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۷

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

لوط(ع) و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۲،۱۴،۱۷،۲۵

۱۲ لوط (ع) ، بـا تحریـک عواطف مهاجمـان و اظهار شـفقت به ایشان ، درصـدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم . .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

۲۵

< عن أبی عبدالله (ع) فی قول لوط < هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم > قال : عرض علیهم التزویج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران مننـد برای شـما پاکیزه ترنـد> روایت شـده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد>.

لوط(ع) و کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

لوط(ع) و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۳،۴

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قال هذا یوم عصیب

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<ذرعـاً> - که به معنـای کشـیدن ذراع دست است - تمییزی مبـدل از فاعـل می باشـد. بنـابر این <ضاق بهم ذرعاً>; یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کـاری نـاتوان است و بـدان دست رسـی نـدارد. <سـیءَ> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببیه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط

ناراحتی ایجاد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۲۵،۲۸

۲۵ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

استفهام در <أليس . ..> تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

۲۸ < عن أبی بصیر و غیره عن أحدهما علیهما السلام : . . . لما قال جبرئیل : < إنا رسل ربک > قال له لوط : یا جبرئیل عجّل ، قال : نعم ، قال : یا جبرئیل عجّل ، قال : < إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب > . . . فأدخل جناحه تحتها حتّى إذا استعلت قلّبها علیهم و رمى جدران المدینه بحجار من سجّیل و سمعت إمرأه لوط الهَدّه فهلكت منها ;

ابوبصیر و غیر او از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: <موعد هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟>... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل)

سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۹

۹- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرّض قومش به آنان

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرّض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

مبارزه علیه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۳

۳ - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع) ، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

مبارزه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۲

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه . .. قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی مرتبط

شـده است ; زیرا جمله <إلا أن قالوا . .. > در پاسـخ تبلیغات و هـدایتگریهای لوط ایراد گردیـده است ; و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله <انهم ... > تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۷

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن یصلوا إلیك

آیـات پیشـین بیان کرد که مهاجمان قصـد تعرض به فرشـتگان را داشـتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشـتگان می گفتنـد: <لن یصـلوا إلینـا; آنـان از دسترسـی به مـا ناتواننـد>. این جـا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۴

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۲،۳

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار

زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إنّی لعملکم من القالین

۳ - لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إنّی لعملکم من القالین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۴

۴ - مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطًا إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۴،۵

۴ - لوط (ع) ، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت ، با آنان به مبارزه برخاست .

أئنّکم لتأتون الرجال و . .. ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان این است که لوط(ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

۵ - لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود ، تنها بود .

قال ربّ انصرنی

على القوم المفسدين

ضمير مفعولى <نى> در دعاى لوط(ع)، حكايت از تنهايى آن حضرت در مبارزه با فحشا مى كند.

مبارزه لوط(ع) با فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شايسته ياد و يادآورى است .

و لوطًا إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد كه عطف به آيه چهارده باشد و احتمال دارد كه مفعول فعل مقدّر <اذكر> باشد. بنابر احتمال دوم، نكته بالا قابل استفاده است.

متجاوزان به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۷،۸

۷ - مردان مصمم به تجاوز نسبت به ميهمانان لوط ، مورد انتقام الهى با كور شدن چشم هايشان

و لقد رودوه عن ضيفه فطمسنا أعينهم

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معناى محوكردن و از بين بردن است. بنابراين <طسمنا أعينهم>; يعنى، چشمانشان را از آنان گرفتيم و نابينايشان كرديم.

۸ - كور شدن چشم هاى متجاوزان قوم لوط ، پيش درآمد عذاب الهى براى آنان

فذوقوا عذابى و نذر

به كار رفتن واژه <ذوقوا>، ظاهراً كنايه از اين است كه اين عذاب را بچشيد تا عذاب اصلى بر سرتان فرود آيد.

مجادله در انذارهاى لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۶ – ۲

۲ – روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذار ها ; بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم . .. فتماروا بالنّذر

محدوده رسالت لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت –

۲۹ - ۲۸ - ۲

۲ - رسالت لوط (ع) ، محدود به قوم لوط بود .

و لقد أرسلنا نوحًا . .. و لوطًا إذ قال لقومه

محدوده علم لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۳

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قال هذا یوم عصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۳

۳- علم حضرت لوط (ع) ، محدود بود .

قال إنكم قوم منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۹

۹- ناشناخته بودن فرشتگان برای حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرّض قومش به آنان

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرّض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

محمد(ص) و قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - هود - ١١ - ٨٢ - ٩

٩ > عن أبى جعفر (ع) : . . . ان جبرئيل قال [لرسول الله] : إنى نوديت من تلقاء العرش . . . اهبط إلى قريه قوم لوط و ما حوت فاقلعها من تحت سبع أرضين . . . فهبطت على أهل القريه .

. . فاقلعتهـا . . . ثم عرجت بها . . . فقلّبتها عليهم حتى صار أسـفلها أعلاها . . . فقال له رسول الله (ص) : يا جبرئيل و أين كانت قريتهم من البلاـد ؟ فقـال جبرئيل : كان موضع قريتهم فى موضع بحيره طبريه اليوم و هى فى نواحى الشام قال له رسول الله (ص) : أرأيتـک حين قلّبتها عليهم فى أىّ موضع من الأرضـين وقعت القريه و أهلها ؟ فقال : يا محمـد وقعت فيما بين بحر الشام إلى مصر فصارت تلولاً فى البحر . . . ;

از امام باقر(ع) روايت شـده است: . .. كه جبرئيل به رسول خـدا(ص) گفت: از سوى عرش به من ندا رسـيد ... به آبادى لوط و آنچـه در ميـان دارد فرود آى و آن جـا را از زير هفـت زمـين بِكَن ... پس من بر اهـل آن قريه فرود آمـدم ... و آن را از جـاى كنـدم ... و بالا بردم ... و بر روى آنان واژگون كردم تا اينكه زيرورو شـد ... رسول خدا(ص) از جبرئيل پرسـيد: قريه قوم لوط در كجـاى بلاـد بـود؟ جبرئيـل گفت: قريه آنـان در محـل دريـاچه طـبريه امروز بـود كه در نـواحى شـام واقع شـده بود. رسول خدا(ص) به جبرئيل فرمود: بگو بدانم هنگامى كه قريه را بر روى آنان واژگون كردى، آن قريه و اهلش در كجاى زمين افتاد. جبرئيل گفت: اى محمد! در ميان درياى شام تا مصر افتاد و به صورت تپه هايى در ميان دريا درآمد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

مخالفت با لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۱

۱ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته کانت من الغبرین

مربی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۶

۶ لوط (ع) تحت تربیت خداوند و برخوردار از حمایت او بود .

إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از <ربک> (مدبر و مربی تو) استفاده شده است.

مردمی بودن لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۶

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

<عـالم> به معنـای همه خلق و یـا دسـته ای از موجودات است. جمع آمـدن آن (عالمین) برای بیان اسـتغراق و شـمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

مزد رسالت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱ - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من

أجر . .. إلاّ على ربّ العلمين

مسؤولیت خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۶

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . .. وامضوا حیث تؤمرون

مسؤولیت لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۰ – ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۷ – ۵

۵ – لوط (ع) ، خویشتن را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

و لما جاءت رسلنا . .. قال هذا یوم عصیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۴

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر ...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ -

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . .. وامضوا حیث تؤمرون

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضی لك من یومك هذا سبعه أیام و لیالیها < بقطع من اللیل > إذا مضی نصف اللیل < . . . و امضوا > من تلك اللیله < حیث تؤمرون > ; . . .

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

مسؤولیت مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۳

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قال هذا یوم عصیب

مسیر هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۶،۱۰

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلک . .. وامضوا حیث تؤمرون

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلک > یا لوط إذا مضی لک من یومک هذا سبعه أیام و لیالیها < بقطع من اللیل > إذا مضی نصف اللیل < . . . و امضوا > من تلک اللیله < حیث تؤمرون > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

مسیر هجرت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۶،۱۰

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ،

مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . .. وامضوا حيث تؤمرون

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلك > يا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعه أيام و لياليها < بقطع من الليل > إذا مضى نصف الليل < . . . و امضوا > من تلك الليله < حيث تؤمرون > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

مقامات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۴

۴- حضرت لوط (ع) دارای مقام و منزلتی والا در پیشگاه خداوند

لعمرك إنهم لفى سكرتهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند ، از

منصب قضاوت و داوری برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکم> به معنای <قضاوت> باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد <حکم> به معنای <قضاوت>، بسیار شایع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا . .. و لوطًا

کلمه <لوطاً> می تواند عطف به <صالحاً> و به تقدیر <و أرسلنا لوطاً> باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و به تقدیر <و اذکر لوطاً> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

مقدرات همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۸

۱۸ همسر لوط ، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

إنه مصیبها ما أصابهم

ضمیر در <إنه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

مکذبان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم لوط با رسالت او و دروغگو خوانده شدن وی از سوی آنان

و قوم إبرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تکذیب رسالت

لوط (ع) از سوی قومش

کذّبت قوم لوط المرسلین

ملائکه عذاب و لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۳

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث أربعه أملاک فی إهلاک قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلّموا علیه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم . . . ثم مشی فلما بلغ باب المدینه . . . دخل و دخلوا معه حتی دخل منزله فلما رأتهم إمرأته . . . صعدت فوق السطح و صفقت فلم یسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلی الباب یهرعون . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . .. آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند; سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد; همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...>.

ملائکه و لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۱،۲

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند

.

و لما جاءت رسلنا لوطًا

۲ فرشتگان ، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲،۸،۱۱،۱۵،۱۶،۲۴،۲۶،۲۷

۲ فرشتگانِ میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا یلوط إنا رسل ربک لن یصلوا إلیک

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

<اسراء> (مصدر اَسرِ) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلک> برای تعدیه می باشد و <ال> در <اللیل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر ...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لایلتفت منکم أحد

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل . .. إلاّ امرأتک

برداشت فوق، بر این اساس است

که <امرأتک> استثنا از <أهلک> باشد.

۲۴ فرشتگان ، با بیان نزدیک بودن زمان عذاب ، از لوط (ع) خواستند تا خروج خویش را به تأخیر نیندازد .

فأسر بأهلک . .. إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب

جمله <إن موعدهم الصبح . ..> به منزله تعلیل برای <فأسر بأهلک ...> می باشد.

۲۶ < عن أبی جعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون . . . قالوا : . . . < فأسر بأهلک > یا لوط إذا مضی لک من یومک هذا سبعه أیام و لیالیها < بقطع من اللیل > إذا مضی نصف اللیل . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط ! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ...>.

۲۷ < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قالوا للوط : أسر بأهلک من هذه القریه اللیله . . . فلما إنتصف اللیل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر روایت شده است: . .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...>.

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۱،۲

۱- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرا رسیدن موعد آن بر قوم لوط ، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گردید .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۱

۱- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مقصود از <بالحق> خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

منشأ آگاهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۱

۱- خداوند ، پیشاپیش حضرت لوط (ع) را از مقدّر شدن عذاب بر قومش آگاه ساخت .

و قضینا إلیه ذلک الأمر

متعدّی شدن <قضینا> به <إلی> متضمن معنای <أوحینا> است. بنابراین معنای جمله <و قضینا إلیه ذلک الأمر> چنین می شود: ما این امر (عذاب) را به او (لوط(ع)) وحی کردیم و آگاهش ساختیم.

منشأ حکمت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) ، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا و علمًا

یکی

از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی براین معنا است.

منشأ عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۲

۲- باقی ماندن همسر لوط (ع) در میان عذاب شدگان قوم لوط ، به تقدیر و دستور خدا بود .

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرين

تردیدی نیست که همه مقدرات به دست خداوند است و انتساب تقدیر (قدّرنا) به فرشتگان، می تواند به خاطر این باشد که آنان مجری این تقدیر بوده اند.

منشأ قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند ، از منصب قضاوت و داوری برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکم> به معنای <قضاوت> باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد <حکم> به معنای <قضاوت>، بسیار شایع است.

منشأ نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله أجمعین

منشأ نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون .

فنجّينه و أهله أجمعين

منشأ هلاكت همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۷

۷ - فرو گذاشتن همسر لوط در ميان قوم محكوم به عذاب ، براساس تقدير الهى و برنامه از پيش تعيين شده

قدّرنها من الغبرين

<غبور> (مصدر <غابرين>) به معناى باقى ماندن است; يعنى، ما مقدر كرديم كه همسر لوط از جمله باقى ماندگان باشد.

منيت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر براى در امان ماندن از عذاب الهى ، مأمور گرديد .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) مى تواند كنايه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد كه مبادا كسى به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدى (و لايلتفت منكم ...) مؤيد همين مطلب است.

موجبات عذاب همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدايى ديرينه زن لوط از آيين و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وى از خانواده لوط و نجات نيافتن از عذاب الهى

إلا امرأته كانت من الغبرين

موقعيت اجتماعى لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۷

۷- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

از اینکه قوم لوط آن

حضـرت را از تمـاس با دیگران نهی کردنـد و در موردی که او از این نهی تخلف ورزیـد، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۵

۵ - لوط (ع) ، فاقد پایگاه قوی ، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

از تهدید حضرت لوط(ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

مؤمنان به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۳

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۵

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۶

۶ - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لننجّينّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - جمعى از خويشان لوط (ع) به وى ، ايمان آورده بودند .

إنّا منجّوك و

أهلك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۵ – ۴

۴ – لوط (ع) ، دارای طرفدارانی مؤمن ، به رغم کفر فراگیر جامعه وی

فأخرجنا من کان فیها من المؤمنین

مؤمنان و قصه لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۳ – ۲

۲ – سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

مهربانی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۱۲،۱۳

۱۲ لوط (ع) ، بـا تحریـک عواطف مهاجمـان و اظهار شـفقت به ایشان ، درصـدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم . .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا یوم عصیب . .. قال یقوم هؤلاء بناتی

لوط بـا گفتن <یـا قوم> (ای مردم من) و پیشـنهاد ازدواج بـا دخترانش ، لطف و عنـایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی کرد.

مهمان نوازی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۵،۷

۵ - لوط (ع) ، خویشتن را موظف به محافظت از میهمانان خویش می دانست .

و

لما جاءت رسلنا . .. قال هذا يوم عصيب

۷ < عن أبی جعفر (ع) : . . . و کـان لوط إبن خـاله ابراهیم و کـانت إمرأه ابراهیم ساره اُخت لوط و کان لوط و ابراهیم نبیین مرسلین منذرین و کان لوط رجلاً سخیاً کریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذّرهم قومه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و انذارکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر می داشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۱۴،۱۷

۷ لوط (ع) ، بـا پیشـنهاد ازدواج مهاجمـان بـا دخترانش ، از آنـان خواست تـا از کردار ناشـایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

یقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۲،۳

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش

در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنّا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . .. أو ءاوی إلی رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۷

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن یصلوا إلیک

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: <لن یصلوا إلینا; آنان از دسترسی به ما ناتوانند>. این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۱،۲،۸

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۸- < قال أبوجعفر (ع) : . . . و کان لوط

رجلاً سخیاًکریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأی قوم لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لاتقری ضیفاً ینزّل بک ، إن فعلت فضحنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک . . . ;

امام باقر(ع) فرمود:. .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) شخصیتی مهمان نواز و مدافع حریم مهمانان خود .

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... و لاتخزون ... قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۵

۵ - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و

اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم . .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم قوّه . .. قالوا یلوط إنا رسل ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. فما خطبکم أیّها المرسلون ... فلمّا جاء ءال لوط المرس

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیّها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمایر <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۳

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت .

و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱،۳،۵،۶

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم . .. و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا

۳ - فرشتگان عذابِ قوم لوط ، به صورت انسان ، بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم

احتمال دارد دلیل <سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۵ - حضرت لوط (ع) ، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

۶ - حضرت لوط (ع) ، در دفاعِ از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها ، ناتوان بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

مهمترین رسالت لوط(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری لوط (ع)

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۴

۴ - مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطًا إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

نبوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۱

۱ لوط ، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطا إذ قال لقومه

کلمه <لوط> می تواند عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ باشد ; یعنی <و أرسلنا لوطاً>. و نیز می تواند مفعولٌ به برای فعل مقدر <اذکر> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسی

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که

داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۳ - ۱

۱ - ابراهیم و لوط (ع) ، از پیامبران الهی

و قوم إبرهیم و قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از پیامبران الهی و ادامه دهنده خط رسالت

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا . .. و لوطًا

کلمه <لوطاً> می تواند عطف به <صالحاً> و به تقدیر <و أرسلنا لوطاً> باشد. هم چنین می تواند مفعول برای فعل محذوف و به تقدیر <و اذکر لوطاً> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۱

۱ - حضرت لوط (ع) ، پیامبری فرستاده شده از جانب خداوند

و لقد أرسلنا نوحًا . .. و إبرهیم ... و لوطًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ - لوط (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳،۲۶،۲۷

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

۲۶ < عن أبی جعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون . . . قالوا : . . . < فأسر

بأهلک > یا لوط إذا مضی لک من یومک هذا سبعه أیام و لیالیها < بقطع من اللیل > إذا مضی نصف اللیل . . . ;

از امـام باقر(ع) روایت شـده است: . .. هنگامی که فرشـتگان خـدا به سوی خانـدان لوط آمدنـد ... گفتنـد: ... ای لوط ! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ...>.

۲۷ < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعـالی لمـا أراد عـذابهم (قـوم لـوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قـالوا للـوط : أسـر بأهلک من هذه القریه اللیله . . . فلما إنتصف اللیل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر روایت شده است: . .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشـتگانی را به سوی آنان فرسـتاد ... آنـان به لوط گفتنـد: امشب خـانواده خود را از این آبـادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسـید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب

، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلّا عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل

<عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت

واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجینه و أهله إلاّ امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ; به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إنّا أرسلنا علیهم حاصبًا إلاّءال لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

نجات خانواده لوط(ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ -

۵ - ملائکه مأمور عـذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادنـد که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فیها لننجّینّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمورِ عـذابِ قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردنـد که او و خانواده اش ، به جز همسـرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنّا منجّوک و أهلک إلّا امرأتک

نجات خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <کانت من الغبرین> (همسـر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجـات از عـذاب قوم لوط در گرو خـارج شـدن از شـهر و دیـار آنـان بوده است. بنـابراین <فـانجینه> یعنی: فـانجینه باخراجنا ایاه من بینهم.

نجات لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۳

۳- لوط (ع) ، مأموريت يافت که هم زمان با خارج

ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۱ – ۱

۱– حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیدًا . .. و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۴ – ۵

۵– خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شرّ قوم پلید ، ناپاك و زشتکارش نجات داد .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۰ – ۱

۱ – استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۱ – ۴

۴ – نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به

جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجینه و أهله إلاّ امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۷

۷ - نجات لوط (ع) و مؤمنان ، از عذاب الهی ، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از آمدن تعبیر <غابرین> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط،

برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ; به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إنّا أرسلنا علیهم حاصبًا إلاّءال لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

نجات لوط(ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۵

۵ - ملائکه مأمور عـذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادنـد که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فیها لننجّینّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشـتگان مأمورِ عـذابِ قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردنـد که او و خانواده اش ، به جز همسـرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنّا منجّوک و أهلک إلاّ امرأتک

نژاد لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۱ – ۱

۱ – لوط (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم لوط

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و

نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

نظارت لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۲

۲– حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

نعمتهای خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۱

۱ – نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

نعمتهای لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۱

۱ – نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

نفاق همسر لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفّار و المنفقین . .. ضرب اللّه مثلًا للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح

و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند; مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و. .. .

نقش خانه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۶

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

نقش لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۳

۳ - لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إنّی لعملکم من القالین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

نگرانی برای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱،۲

۱ - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط ، با وجود لوط (ع) در میان آنان ، نگران بود .

و لمّا جاءت رسلنا . .. قالوا إنّا مهلكوا أهل هذه

القریه...قال إنّ فیها لوطًا

۲ – حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط ، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت وگو پرداخت .

قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه القریه . .. قال إنّ فیها لوطًا قالوا نحن أعلم بمن فیه

نگرانی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۷ – ۴

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<ذرعاً> – که به معنای کشیدن ذراع دست است – تمییزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این <ضاق بهم ذرعاً>; یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیءَ> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببیه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۸ – ۷

۷– حضرت لوط (ع) از نیت سوء و تجاوزکارانه قومش نسبت به مهمانان خویش باخبر و از آن به شدت نگران و بیمناک بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

درخواست لوط(ع) از قومش برای اجتناب از عملی شرم آور، به دنبال روانه شدن آنان به در خانه آن حضرت بی آنکه توضیح دیگری داده شده باشد

حکایت از این نکته می کند که لوط(ع) از قصد آنان باخبر بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۵ – ۲

۲ – اظهار شگفتی و نگرانی لوط (ع) ، از انحراف فضاحت بار قوم خویش

أئنّکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۳ – ۹

۹ – فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

نواهی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۷

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

یقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۸ – ۱

۱– حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان رااز هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدینه یستبشرون. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۳

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت .

و لاتخزون

نهی از ذلت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹

- حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۳

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت .

و لاتخزون

نهی به خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۴

۴- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود برحذر داشت .

فأسر بأهلك . .. و لایلتفت منكم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

نهی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۴

۴- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود برحذر داشت .

فأسر بأهلك . .. و لایلتفت منكم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۳،۵،۸

۳- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه و حمایت از آن ، منع کرده و برحذر داشتند .

قال إن هؤلاء ضيفى . .. قالوا أو لم ننهك

عن العلمین

۵- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام ، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۸- < قال أبوجعفر (ع) : . . . و کان لوط رجلاً سخیاً کریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأی قوم لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لاتقری ضیفاً ینزّل بک ، إن فعلت فضحنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک . . . ;

امام باقر(ع) فرمود:. .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...>.

نیاکان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . .. و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

وحی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲

۲ فرشتگانِ میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق

، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

ورود ملائکه بر خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. فما خطبکم أیّها المرسلون ... فلمّا جاء ءال لوط المرس

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیّها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

ورود ملائکه بر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۴ – ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع) ، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند .

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مراد از <بالحق> به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

ورود ملائکه عذاب بر لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۳ – ۳،۷،۱۰

۳ – فرشتگان عذابِ قوم لوط ، به صورت انسان ، بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم

احتمال دارد دلیل <سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۷ – نگرانی لوط (ع) با ورود فرشتگان به نزد وی ، در چهره اش نمایان شد .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. قالوا لاتخف

۱۰ – لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

وقت نجات خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۴ – ۴

۴ – نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نجّینهم بسحر

هتک آبروی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۴

۴- قوم

لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون . .. و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۱

۱ - هلاکت قوم لوط ، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فنجّینه و أهله . .. ثمّ دمّرنا الأخرین

<تدمیر> (مصدر <دمّرنا>) مرادف <إهلاك> و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است; یعنی، <سپس دیگران را هلاك گردانیدیم>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۴ – ۶

۶ – خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نجّینهم بسحر

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

هجرت شبانه خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۱۱،۱۰،۳،۲،۱

۱– فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

۲– حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳– لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

۱۰– < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضی لك من یومك هذا سبعه أیام و لیالیها < بقطع من اللیل > إذا مضی نصف

اللیل < . . . و امضوا > من تلک اللیله < حیث تؤمرون > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لمّا أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قالوا للوط : أسر بأهلک من هذه القریه اللیله . . . فلمّا انتصف اللیل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...>.

هجرت شبانه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۱،۲۷

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

<اسراء> (مصدر اَسرِ) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلک> برای تعدیه می باشد و <ال> در <اللیل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر ...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره

ای از این شب کوچ ده.

۲۷ < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قالوا للوط : أسر بأهلک من هذه القریه اللیله . . . فلما إنتصف اللیل سار لوط بناته . . . ;

از امام باقر روایت شده است: . .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۱۱،۱۰،۳،۱

۱– فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل

۳– لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلک . .. و اتّبع أدبرهم

۱۰– < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلک > یا لوط إذا مضی لک من یومک هذا سبعه أیام و لیالیها < بقطع من اللیل > إذا مضی نصف اللیل < . . . و امضوا > من تلک اللیله < حیث تؤمرون > . . .

;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لمّا أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القریه اللیله . . . فلمّا انتصف اللیل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:. .. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...>.

هجرت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۶

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان *

أخرجوهم من قریتکم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط با اضافه آن به <کم> می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است

و آن دیار بنابر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <کانت من الغبرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا ایاه من بینهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳،۱۴

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر ...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۲،۴

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند

.

إلی الأرض التی برکنا فیها

۴- هجرتگاه ابراهیم و لوط (ع) (شام فلسطین) ، برای تمام مردم جهان با برکت است .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها للعلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات است. مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک می باشد. گفتنی است نوع مفسران برآنند که مقصود از سرزمین مبارک، شام (فلسطین) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۴

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۲،۱۳

۲ - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فأمن له لوط و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فآمن له لوط> حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۱۳ - < عن أبی جعفر (ع) : < . . .فآمن له لوط > و خرج مهاجراً إلی الشام هو و ساره و لوط ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: <.

..لوط، ابراهیم(ع) را تصدیق کرد و با آن حضرت و ساره به شام هجرت کرد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۷

۷ – نجات لوط (ع) و مؤمنان ، از عذاب الهی ، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إلّا عجوزًا فی الغبرین

از آمدن تعبیر <غابرین> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

هدایت لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۶ – ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلًا هدینا . .. و من ذریته ... کل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

هدایتگری لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۲ – ۶

۶– سرمستی ، تحیّر و بصیرت نداشتن قوم لوط ، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود .

و اتقوا الله و لاتخزون . .. لعمرك إنهم لفی سکرتهم یعمهون

<سکره> به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و <عمه> به معنای تردد ناشی از تحیر در امور است. بنابراین مقصود از جمله <لفی سکرتهم یعمهون> سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۱ – ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری لوط (ع)

إذ قال لهم أخوهم

لوط ألاتتّقون

هشدارهای لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱،۲

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا أخرجوا ءال لوط

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتكم

هلاكت همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۵

۵ همسر لوط با ماندن در میان كافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاكت رسید .

إلا امرأته كانت من الغبرین

<غابر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <كانت من الغبرین> بیانگر این است كه همسر لوط به جهت باقی ماندن در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۸

۲۸ < عن أبی بصیر و غیره عن أحدهما علیهما السلام : . . . لما قال جبرئیل : < إنا رسل ربک > قال له لوط : یا جبرئیل عجّل ، قال : نعم ، قال : یا جبرئیل عجّل ، قال : < إن موعدهم الصبح ألیس الصبح بقریب > . . . فأدخل جناحه تحتها حتّی إذا استعلت قلّبها علیهم و رمی جدران المدینه بحجار من سجّیل و سمعت إمرأه لوط الهَدّه فهلكت منها ;

ابوبصیر و غیر او از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت

کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: <موعد هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟>... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلاّ عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۱

۱ – همسر حضرت لوط ، از هلاک شدگان عذاب الهی قوم لوط بود .

إلّا عجوزًا فی الغبرین

<غابر> (مفرد <غابرین>) به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شهر بیرون نیامده و به عذاب الهی قوم لوط گرفتار شدند.

همسر لوط(ع) در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ – همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قیل ادخلا النار مع الدخلین

همسر لوط(ع) هنگام عذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۶،۱۷

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل . .. إلّا امرأتک

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتک> استثنا از <أهلک> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط بازگشت .

و لایلتفت منکم أحد إلّا امرأتک

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إلاّ امرأتک> استثنا از جمله <لایلتفت . ..> باشد. بر این مبنا جمله <لایلتفت... إنه مصیبها ما أصابهم> چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز

گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت؛ زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

همسفران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۶،۱۷

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل . .. إلّا امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتك> استثنا از <أهلك> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط بازگشت .

و لايلتفت منكم أحد إلّا امرأتك

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إلّا امرأتك> استثنا از جمله <لايلتفت . ..> باشد. بر این مبنا جمله <لايلتفت... إنه مصيبها ما أصابهم> چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت; زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

یأس لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۱

۱ – ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا يعملون

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

لهو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لهو

آثار ترویج لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۳

۳ - کافران ، به منظور منحرف ساختن جامعه از راه خدا و ترویج باطل ، سرمایه گذاری می کردند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

آورده شدن فعل مضارع <یشتری> و <یضلّ> دلالت

بر تلاش های مستمر می کند.

آثار لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۷

۷ اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الأخره خیر للذین یتقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۷ – ۳

۳ – دلِ مبتلا به لهو و باطل ، از آیات الهی هیچ تأثیری نمی پذیرد .

من یشتری لهو الحدیث . .. و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا کأن لم یسمعها

از این که آیه گفته است برخی از مردم، در پی خرید حدیث لهوند، استفاده می شود که آنان، دل در گرو لهو دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۶ – ۴

۴– سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا . .. إنّما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۲۳

۲۳ – بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أنّما الحيوه الدنيا لعب . ..

و تکاثر ... و ما الحیوه الدنیا إلّا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

آثار لهو و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیه قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

استهزای طالبان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ - لهوگرایانِ رویگردان از آیات خداوند ، مورد استهزای خداوندند .

فبشّره بعذاب ألیم

کاربرد <بشارت> که در خبر خوش حال کننده استعمال می شود برای <عذاب> به منظور استهزا و تمسخر است.

اهمیت اجتناب از لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۳

۳ - ضرورت پرهیز از سرگرمی ها و ترک امور بازدارنده از توجّه به حسابرسی ها در قیامت

ألهیکم التکاثر

آیه <لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> در آخر سوره که بر حسابرسی از نعمت ها دلالت دارد نشانگر آن است که سرگرم شدن به تکاثر، مایه غفلت از حسابرسی است و باید انسان از آنچه او را سرگرم ساخته و از اهداف نعمت ها بازمی دارد، پرهیز کند تا هنگام حسابرسی نعمت ها، پاسخی داشته باشد.

تهدید طالبان لهو

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ - لهوگرایانِ مستکبرِ حق ناپذیر ، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . .. ولّی مستکبرًا ...فبشّره بعذاب ألیم

خدا و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- اراده خداوند ، به انجام کاری به منظور بازیچه و سرگرمی خویش تعلق نمی گیرد .

و ما خلقنا . .. لعبین . لو أردنا أن نتّخذ لهوًا

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <لو> امتناعیه باشد براین اساس معنای آیه چنین می شود: <اگر ما چیزی را بر فرض محال و صرف نظر از غیر ممکن بودن آن و یا دون شأن ما بودن آن به منظور بازیچه و سرگرمی خویش می گرفتیم. ..>. گفتنی است که برخی از مفسران <إن> در <إن کنّا فاعلین> را نافیه دانسته اند; که در این صورت مؤید برداشت یاد شده خواهد بود.

۲- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش نیستند .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لَاتّخذنه من لدنّا إن کنّا فعلین

۳- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لَاتّخذنه من لدنّا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من لدنّا>، معنای <من جهه قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که <من لدنّا> ظرف مختص در

قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها; پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است>. گفتنی است آمدن <لدنّا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

۴-اگر خداوند برفرض محال به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید ، جهان طبیعت ، شایسته این منظور نبود ; بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا إن كنّا فعلين

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که <من لدنّا>به معنای <ممّا عندنا> باشد و یا معنای <ممّا یلیق بحضرتنا. ..> را افاده کند; یعنی، بر فرض انتخاب سرگرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمان است و مقرّب تر به ما و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و ...) برمی گزیدیم.

زمینه لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۷

۷ - جهل و نادانی ، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است .

یشتری لهو الحدیث . .. بغیر علم

ساجدان و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۵

۵ - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا

للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

سخنان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۹

۹ - سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق < لهو > است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

سنگینی گوش مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۸

۸ - رواج دهندگان سخنان باطل ، به قدری از آیات خدا گریزانند که گویا سنگینی گوش دارند .

کأنّ فی أُذنیه وقرًا

طالبان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱،۱۰

۱ - برخی از مردم ، به دنبال فراگیری سخنان بیهوده و داستان های بی اساس اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث

<لهو> در لغت، به معنای هر چیزی است که انسان را از مقصدش باز دارد. عبارت <لهوالحدیث> اضافه صفت به موصوف خودش است و به معنای <سخن و کلام و یا افسانه های بیهوده> است.

۱۰ - گروهی از مردم ، در برخورد با آیات قرآن کریم ، آن را می پذیرند و گروهی دیگر ، از آن روی گردانده و به سخنان

بیهوده روی می آورند .

تلک ءایت الکتب . .. هدًی ... للمحسنین ... و من الناس من یشتری لهو الحدیث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با

قرآن، دو دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۷ – ۴

۴ – کسانی که در پی کسب لهو و گمراهی مردم اند ، در برخورد با آیات خداوند ، از آن اِعراض می کند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه . .. و إذا تتلی علیه ءایتنا

عابدان و لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۲ – ۵

۵ – اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، مبرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا للّه واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

کافران و ترویج لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۲

۲ – برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهایی مانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با

قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل اللّه> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

کیفر مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۳

۱۳ - رواج دهندگان باطل ، مستحق عذابی خوارکننده اند .

من یشتری لهو الحدیث . .. أُولئک لهم عذاب مهین

لهو بودن دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۱،۷

۱ - زندگی دنیایی ، جز سرگرمی و بازی نیست .

و ما هذه الحیوه الدنیاإلاّ لهو و لعب

<لهو> چیزی است که انسان را از هدف باز می دارد (مفردات راغب) و <لعب>، انجام دادن کاری است که قصدی در آن نیست (مفردات راغب)

۷ - مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

و لئن سألتهم من . .. و ما هذه الحیوه الدنیا ... لو کانوا یعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی <یعلمون> به قرینه سیاق مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

لهو در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۶

۶ – لهو و اشتغال به کار های سر گرم کننده ، اقتضای دوران نوجوانی است .

أنّما الحيوه الدنيا . .. و لهو

متقین و لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۸

۸ تقواپیشگان از لهو و لعب و غفلت از آخرت

دور هستند.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الأخره خیر للذین یتقون

مسلمانان صدر اسلام و لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۱،۲

۱ – مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و مصلّا را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، ر ها می کردند .

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إلیها و ترکوک قائمًا

۲ – نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترک مصلّا برای داد و ستد و یا تماشای لهو و ر ها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهوًا انفضّوا إلیها و ترکوک قائمًا

موارد لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۱،۳

۱ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

۳ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۹،۱۹

۹ – سخنان گمراه کننده و بازدارنده انسان از راه خدا مصداق < لهو > است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

۱۹ – < فی مجمع البیان : و روی . . . عن أبی عبداللّه (ع) قال : هو الطعن بالحقّ و الإستهزاء به . . . ;

در مجمع البیان [ذیل آیه] <و من الناس من یشتری لهو الحدیث> آمده است: از امام صادق(ع) روایت شده که گفت: لهوالحدیث، طعنه زدن به حق و مسخره کردن آن است. ..>.

موضعگیری مروجان لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۷ – ۱۴

۱۴ – گمراهان و رواج دهندگان سخنان باطل در برابر قرآن کریم ، در مقابل هر پیامی که نشانه الهی داشت ، موضع گیری می کردند و حساسیت شان ، تنها مربوط به تلاوت آیات خدا از سوی پیامبر (ص) نبود .

و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا

مجهول آورده شدن فعل <تُتلی> به جای فعل معلوم، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

نضر بن حارث و ترویج لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۱۸

۱۸ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و من الناس من یشتری لهو الحدیث . . . > فهو النضر بن الحارث . . . و کان النضر راویاً لأحادیث الناس و أشعارهم . . . ;

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند <و

من النـاس من يشتری لهو الحـدیث> روایت شـده است که: او، نضـربن حـارث بود . .. او، گفتارهـای بیهوده دیگران و اشـعار آنان را روایت می کرده است...>.

لهو و لعب

{لهو و لعب}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۰ – ۱،۲،۵

۱ برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۲ گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سرگرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

مراد از <دینهم> می توانـد آیین الهی باشـد که برای آنـان نـازل گشـته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار داده اند.

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا . .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین . ... >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

آثار لهو و لعب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیه قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

لیاقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

لیاقت

ارزش لیاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۷

۷ تفضّلات خداوند

به افراد ، بر اساس علم او به شایستگی و لیاقت آنان

ذلکَ الفضل من اللّه و کفی باللّه علیماً

لیاقت آخرت طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۴ – ۲

۲ تنها آخرت طلبان وارسته از دنیا ، توان و لیاقت نبرد در راه خدا را دارند .

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الیوه الدّنیا بالاخره

لیاقت در مدیریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۸ – ۳

۳ لیاقت و اهل بودن ، شرط واگذاری مسؤولیت ها و مقام ها به افراد

انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها

از مهمترین مصادیق امانت، مسؤولیتها و مقامهایی است که در اجتماع به افراد واگذار می شود.

لیاقت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۱ – ۵

۵ پیامبراسلام (ص) ، برخوردار از توانایی ها و شایستگی های لازم برای ابلاغ رسالت جهانی خویش

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا

اکتفا به رسالت پیامبراسلام(ص) به جای پیامبران متعدد برای هر منطقه ای، می تواند حاکی از توان مندی و قابلیت بسیار آن حضرت برای ایفای نقش جهانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، دارای مقامی والا در پیشگاه خداوند و شایسته اهدای شرح صدر

ألم نشرح لک صدرک

<لام> در <لک> یا برای تعلیل است یا انتفاع. در صورت اول، مفاد آیه این است که: آیا به خاطر خودت به تو شرح صدر

نـداديم؟ اين تعبير دلالـت دارد كه شخصـيت نبى اكرم(ص)، علّتى كـافى براى عطـاى شـرح صـدر بود. در صورت دوم، نشانه ارجمندى آن حضرت است كه خداوند، در جهت منافع پيامبر(ص) نعمت شرح صدر را در اختيارش نهاد.

لياقت مشمولان شفاعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۴

۴ - وجود قابليت و شايستگى در شفاعت شوندگان ، شرط پذيرش شفاعت درباره آنان

عن المجرمين . .. فما تنفعهم شفاعه الشفعين

لياقت يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ يوسف (ع) در سنين كودكى ، شايستگى دريافت وحى را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحينا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۳،۴،۶

۳ يوسف (ع) دليل صلاحيت خويش براى تصدى امور غذايى مردم مصر را براى پادشاه بيان كرد .

اجعلنى على خزائن الأرض إنى حفيظ عليم

جمله <إنى حفيظ عليم>تعليل براى <اجعلنى. ..>است.

۴ يوسف (ع) بر حفظ ذخاير مالى و حراست انبار هاى غذايى از حيف و ميل شدن ، توانا بود .

اجعلنى على خزائن الأرض إنى حفيظ عليم

۶ يوسف (ع) بر به كارگيرى توان و دانش خويش در امركشت و برداشت و ذخيره سازى غلات و توزيع آنها تأكيد كرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیـظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شـده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش

را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

نقش لیاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۲۴

۲۴ قابلیّت ، شرط بهره مندی از تجلّی صفات الهی

و استغفر لهم الرّسول لوجدوا اللّه توّاباً رحیماً

جمله <لوجدوا اللّه> به این معناست که اگر بندگان گنهکار توبه و استغفار نکنند، یعنی قابلیّتی در آنان نباشد، <توّاب> و <رحیم> بودن خداوند را نمی یابند و شامل حال آنان نمی شود ; نه اینکه خداوند <تواب> و <رحیم> نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۷

۷- اعطای فضیلت بیشتر به برخی از انبیا از جانب خداوند ، بر اساس علم او به شایستگی و لیاقت آنان است .

و ربّک أعلم بمن . .. و لقد فضّلنا بعض النبیّن علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۴

۴ - لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسؤولیت های اجتماعی به آنان

اللّه یصطفی من الملئکه رسولاً و من الناس

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹